



فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا(س)

نوشته: محمد دشتی

بنام آنکه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را کوثر عطا فرمود
از سالهای 65 تا 72 که کار استخراج «سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام» را برای رهنمونی بانوان مسلمان که در جستجوی الگوی کامل زندگی بودند، آغاز کردیم، و گوهرهای درخشنده‌ی کوثر قرآن را
از لابلای صدها کتاب گرد می‌آوردیم، و گل‌های همیشه معطر بوستان فاطمی را می‌بوئیدیم .

نمی‌دانستیم که عطر کلمات بزرگ بانوی جهانیان در فرصت کوتاهی جان و جهان را این گونه معطر می‌سازد، و با این سرعت از مرزهای خاکی ما می‌گذرد و همه‌ی مرزها را در می‌نوردد، و نسیم دل‌انگیز
آن در فضای دورترین کشورهای اسلامی وزیدن آغاز کرده روح و روان مسلمانان جهان را شاداب می‌کند .
و نامه‌های فراوانی از کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی، هند و پاکستان به طرف ما سرازیر می‌شود .
که در تمام نمایشگاههای داخل و خارج حضور فعال می‌یابد .

که روحانی پیرمردی با پیمودن 400 کیلومتر راه در کشور هند خود را به خانه‌ی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رسانده، با گریه می‌گوید :

«یک جلد نهج‌الحیاء به من بدهید، زیرا ما فقط نامی از حضرت فاطمه علیهاالسلام شنیده بودیم، و نمی‌دانستیم که فرهنگ سخنان او، موجود است .»

باور نمی‌کردیم که فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیهاالسلام تنها در مدت 3 سال 13 بار چاپ و منتشر می‌شود. (آن هم بدون امکانات نشر و توزیع مناسب)

و در همین فرصت کوتاه برای ارزیابی مفاهیم وحی گونه‌اش، سمینارها برگزار می‌گردد، و مسابقات فرهنگی تحقق می‌یابد .

و باور کرده‌ایم که با داشتن منابع روانی، و آثار ارزنده‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نباید از تهاجم فرهنگی دشمن بهراسیم اگر بیدار شویم، و به ارزشهای خویش بازگردیم

اگر به گونه‌ای شایسته این فرهنگ غنی را شناخته و به جهانیان بشناسانیم اگر مصداق این شعر نباشیم که :

«آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد»

پس از انتشار فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیهاالسلام، رهنمودهای فراوان و پیشنهادهای ارزشمندی به دست ما رسید که اصلاح و بازنگری بایسته‌ای را می‌طلبید مانند :

الف- تغییر کیفی عبارات فارسی و عربی

ب- ادبیات متن کتاب

ج- اصلاح و کنترل پاورقی در سراسر کتاب

د- کنترل اعراب متن عربی

ه- کنترل مجدد آدرسها و مدارک و اسناد احادیث در پاورقی کتاب

و- اصلاح ترجمه‌ها

میدواریم با ویژگیهای یاد شده در این چاپ (هفدهم)، به بخشی از خواسته‌های علاقه‌مندان پاسخ داده، و رضایت اول شهید خط ولایت را جلب کرده باشیم .

انشاء الله

قم- مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام

محمد دشتی - زمستان 76

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «آ» شروع می شود

آئین همسرداری
آداب غذا خوردن
آرایش و زیبایی
آگاهی

آیین همسرداری

ایثارگری فاطمه

همسر ایده آل، برای گرم نگهداشتن کانون خانواده، باید مهربان و ایثارگر باشد، دیگران را بر خود مقدم بدارد، با سختیهای زندگی و ناملایمات آن بسازد، و با لبخند شادی آفرین خود، تاریکی حزن و اندوه را از دل شوهر بزدايد. در این رابطه به سخنان فاطمه علیهاالسلام باید نظر دوخت .

در یکی از صحبتگاهان امام علی علیهالسلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد :

نه، بخدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دوروز است در منزل غذایی کافی نداریم، آن چه بود به شما و فرزندانم «حسن و حسین» دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم .

امام با تاسف فرمود :

فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی، تا بدنبال تهیه غذا بروم؟

حدیث 1

قالت فاطمه علیهاالسلام: یا ابالحسن انی لاستحیی من الهی ان اکلف نفسک مالا تقدر علیه

حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: (ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیاء می کنم چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری) زنان دنیای معاصر باید از اینگونه جلوههای ایثار درس زندگی بگیرند، و با ساده زیستی و مراقبت از خویشتن و دوری از آرزوهای زودگذر، زندگی زناشویی را رنگی جاودانه زنند .)

کار در خانواده

الف- هماهنگی زن و شوهر در کار روزانه ز. زن و کار، حدیث 92

ب- تقسیم کار در خانواده ز. زن و کار، حدیث 94

ج- تقسیم کار با همسر ز. زن و کار، حدیث 95

اوج ادب و ایثار

امام علی علیهالسلام باغ خود را به 12 هزار درهم می فروشد و همه ی پولها را بین فقرا و تهیدستان مدینه تقسیم می کند و به منزل باز می گردد .

طبیعی است که انتظار فرزندان و همسر، پس از فروش باغ، آوردن غذا و میوه به منزل است .

فاطمه علیهاالسلام پرسید: غذای امروز ما چه شد؟ امام برای تهیه غذا بیرون می رود، اما فاطمه علیهاالسلام ناراحت است، با خود می گوید: چرا سؤال کردم؟ و آنگاه فرمود :

حدیث 2

قالت: فانی استغفر الله و لا اعود ایدا.

من از خدا آمرزش می طلبم و دیگر این رفتار را تکرار نخواهم کرد

هماهنگی با شوهر

د- دفاع حدیث 73

پس از ماجراهای تلخ سقیفه و انزوای اهل بیت علیهمالسلام، سران سقیفه برای جلب افکار عمومی مردم ب فکر چاره افتادند، تا به گونه ای از حضرت زهرا علیهاالسلام دلجوئی نمایند، که اجازه ی ملاقات می خواستند و تظاهر به جبران اشتباهات می کردند .

اما فاطمه علیهاالسلام در تداوم یک مبارزه ی منفی همه جانبه، هر گونه پیشنهادی را رد می نمود، و موضع اعتراض یا سکوت و بیزاری را ادامه می داد .

روزی امام علی علیهالسلام وارد منزل شد و فرمود :

فاطمه جان خلیفه و عمر در پشت درب خانه، منتظر اجازه ی ورود می باشند، تا نظر شما چه باشد؟ حضرت زهرا علیهاالسلام در برابر شوهر فرمود :

حدیث 3

قالت: البیت بیتک و الحرة زوجتک فاعمل ما تشاء (علی جان! خانه، خانه ی توست. و من همسر تو می باشم. هر آنچه می خواهی انجام ده)

تحمل مشکلات اقتصادی

م- مشکلات اقتصادی حدیث 179 و 180 و 181

تحمل مشکلات زندگی و خانوادگی

م- مشکلات اقتصادی حدیث 179 و 180 و 181

ش- شعرهای فاطمه علیهاالسلام

معرفی همسر نمونه
ر- روابط اجتماعی، حدیث 84

آداب غذا خوردن
ب- بهداشت حدیث 29

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «الف» شروع می شود

احکام اسلامی
اخلاص در عبادت
اخلاق و روابط انسانی
ازدواج
افشاگرها
امامت و رهبری
امامت امام علی علیه السلام
ویژگیهای امام علی علیه السلام
انفاق و بخشش
یثاگری
ایمان

احکام اسلامی

کیفیت شستشوی کودک

امام حسن مجتبی علیه السلام از مادرش حضرت زهرا علیها السلام نسبت به شستشوی ادرار کودک نقل کرد که :

حدیث 4

قالت: رایت ام سلمه تغسل بول الجاریه ما کانت، و لا تغسل بول الغلام حتی یطعم، تصب علیه الماء صبا

حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

«ام سلمه را دیدم که ادرار دختر بچه را اینگونه شستشوی می داد «با آب کر یک بار و با آب قلیل 3 بار» اما ادرار پسر بچه ای را که هنوز غذا خوار نشده و شیر مادر می خورد، نمی شست، تنها بر روی ادرار پسر بچه مقداری آب می پاشید»

مصرف گوشت عید قربان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را به سفری دور اعزام فرمود، حضرت زهرا علیها السلام که بار سفر و وسائل رفت و آمد را آماده می ساخت، مقداری از گوشت قربانی را برای

شوهرش ذخیره نمود

پرسیدند مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از مصرف گوشت قربانی نهی نفرمود؟

پاسخ داد :

حدیث 5

انه قد رخص فیها (مصرف گوشت عید قربان اجازه داده شد)

اخلاص در عبادت

عبادت پسندیده است، اما اخلاص در عبادت پسندیده تر. باید با اخلاص و توجه لازم به عبادت خدا پرداخت که ره آورد فراوانی بهمراه خواهد داشت .

حدیث 6

قالت فاطمه علیها السلام: من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل الیه افضل مصلحته

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: (کسی که عبادت های خالصانه ی خود را بسوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ، برترین مصلحت او را بسویش فرو خواهد فرستاد)

اخلاق و روابط انسانی

خوشرویی

امام صادق علیه السلام روش برخورد صحیح اجتماعی با پرهیزکاران و فاسدان و دشمنان را از حضرت فاطمه علیها السلام اینگونه توضیح داد .

حدیث 7

قالت: بشر فی وجه المؤمن یوجب لصاحبه الجنة و بشر فی وجه المعاند

المعادی یقی صاحبه عذاب النار

(پاداش خوشرویی در برابر مؤمن بهشت است و خوشرویی با دشمن انسانهای ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز میدارد)

اخلاق زناشویی

آ- آئین همسر داری

اخلاق اقتصادی

م- مشکلات اقتصادی

اخلاق سیاسی

م- مبارزات سیاسی - و - ف، فدک

ازدواج از دیدگاه فاطمه

مشورت با دختر

یکی از آداب پسندیده در ازدواج اسلامی، مشورت و تبادل افکار پدر با دختر است که آگاهانه همسر ایده‌آل خود را برگزیند .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این اصل تربیتی، روانی را بدقت رعایت می‌کرد و به امت اسلامی سفارش می‌فرمود، تا از ظلم و ستم دوران جاهلیت دوری گزینند، و پدران و مادران بدون مشورت و رضایت دختران در امر ازدواج اقدامی نکنند .

چنانکه پیامبر نسبت به ازدواج دخترش با او مشورت کرد و فرمود :

دخترم فاطمه! پسر عمویت علی علیه‌السلام از تو خواستگاری نموده است. پاسخ تو چیست؟

فاطمه علیها‌السلام به پدر احترام کرد و فرمود نظر شما چه می‌باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

(اذن الله فيه من السماء)

خدا از آسمان اجازت فرمود .

فاطمه علیها‌السلام پاسخ داد: (در حالی که تبسم بر لب داشت)

حدیث 8

رضیت بما رضی الله لی و رسوله (خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند)

و در روایتی دیگر آمده است که فرمود :

رضیت بالله ربا و بک یا ابتاه نبیا و باین عمی بعلا و ولیا (خشنودم که خدا پروردگار من است و تو ای پدر، پیامبر من و پسر عمویم (علی علیه‌السلام)، شوهر و امام من است)

احترام متقابل دختر به نظر پدر

یکی دیگر از آداب پسندیده و مساله قابل توجه در ازدواج، احترام متقابل فرزندان به افکار و آراء پدر و مادر است .

دختران و پسران باید بدانند که مرئبان دلسوزشان آرزوی سعادت و تکامل و بهروزی آنها را دارند و در امر ازدواج نباید نظریات پدر و مادر را نادیده انگارند .

آنگاه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای دخترش ارزش و اعتبار قائل شد و در ازدواج با علی علیه‌السلام با او به مشورت نشست، حضرت زهرا علیها‌السلام نیز به پدر احترام کرد و رای و نظریه‌ی پدر را محترم شمرد و فرمود :

حدیث 9

قالت فاطمه علیها‌السلام: یا رسول الله انت اولی بما تری

(ای رسول خدا! تو از من سزاوارتری (که اظهار نظر کنی))

پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج

در امر مقدس ازدواج که پایه‌ی تربیت انسانهای کامل است، نباید به

ارزشهای دروغین و آداب و رسوم ناروا و ناپسند توجه نمود

بلکه سلامت جسم و جان و دین دختر و پسر را باید اساس پذیرش قرار داد .

بزرگان قبائل و سرمایه‌دارانی با باورهای زشت مادی و جاهلی، از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله خواستگاری نمودند، ولی جواب منفی شنیدند .

پیامبر و فاطمه علیها‌السلام در شرایطی به ازدواج امام علی علیه‌السلام پاسخ مثبت دادند که نه سرمایه‌ای داشت و نه باغ و زمین و اموالی فراهم آورده بود

در این ازدواج مقدس، توجه فاطمه علیها‌السلام به ارزشهای معنوی و سلامت و عصمت همسر آینده‌اش بود .

وقتی صبح عروسی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید :

کیف رایت زوجک؟ (دخترم! شوهرت را چگونه دیدی؟)

پاسخ داد :

حدیث 10

قالت: یا ابة خیر زوج (ای پدر! بهترین شوهر دیدم)

شکوه از طرفداران ارزشهای جاهلی در ازدواج

بسیاری از ارزشهای مادی و جاهلی به ازدواج و شوهر آینده می‌نگردند، و به سرزنش این و آن می‌پردازند. ارزشهای انسانی و اسلامی همسران خود ساخته را چیزی نمی‌شمارند، و با کنایه و اشاره به سرزنش

روی می آورند .

حضرت زهرا علیها السلام از این گرایش جاهلی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می کند :

حدیث 11

قالت فاطمه علیها السلام: یا رسول الله صلی الله علیه و آله !

دخل علی نساء من قریش و قطن لی زوجک رسول الله صلی الله علیه و آله من فقیر لا مال له

ای رسول خدا! زنانی از قریش به منزل من وارد شدند (و سرزنش آغاز کردند) و گفتند: پیامبر، تو را همسر کسی قرار داد که فقیر است و سرمایه‌ای ندارد .

حالات معنوی فاطمه در شب ازدواج

شب ازدواج و آغاز لحظه‌های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است

بسیاری این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه می‌آیند

و فکر می‌کنند، هر گونه زشتی و پلیدی می‌تواند مجاز باشد .

باید دید که کاملترین الگوی بانوان جهان، حضرت فاطمه علیها السلام در شب عروسی چه حالاتی دارد؟ و زندگی مشترک با همسرش را چگونه شروع می‌نماید؟

امام علی علیه السلام شب عروسی، فاطمه‌ی زهرا را نگران و گریان دید. پرسید: چرا ناراحتی؟

پاسخ داد :

حدیث 12

قالت: تفکرت فی حالی و امری عند ذهاب عمری و نزولی فی قبری فشبیهت دخولی فی فراشی بمنزلی کدخولی الی لحدی و قبری فانشدک الله ان قمت الی الصلاة فنعبد الله تعالی هذه اللیلة پیرامون

(حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر و قبر خویش افتادم که امروز از خانه‌ی پدر به خانه‌ی شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت پس تو را به خدا سوگند

می‌دهم که: بیا تا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم)

امامت و رهبری

رزش اهل بیت و امامان

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به ارزشهای امامان معصوم علیهم السلام فرمود .

حدیث 13

قالت: و نحن وسیلته فی خلقه ونحن خاصته ومحل قدسه و نحن حجتہ فی غیبه و نحن ورثة انبیائه (ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله) وسیله‌ی ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم

و جایگاه پاکیه، ما دلیل‌های روشن خداییم و وارث پیامبران الهی (ره‌آورد امامت) (فلسفه امامت)

حضرت زهرا علیها السلام با اشاره به فلسفه امامت فرمود :

حدیث 14

قالت: فجعل الله... اطاعتنا نظاما للملة و امامتنا امانا للفرقة (خدا اطاعت و پیروی از ما(اهل بیت علیهم السلام) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان

ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است)

و حدیث 3- نقش تربیتی

نقش تربیتی پیامبر و امام

حضرت زهرا علیها السلام با توجه به ضرورت الگوهای کامل تربیتی در جامعه‌ی انسانها، به نقش تربیتی پیامبر و امام علی علیهما السلام اشاره کرد و فرمود :

حدیث 15

قالت فاطمه علیها السلام: ابوا هذه الامة محمد و علی علیهم السلام یقیمان اودهم و ینقذانهم من العذاب الدائم ان اطاعوهما و یبیحانهم النعم الدائم ان وافقوهما

(محمد و علی علیهما السلام دو پدر امت اسلام میباشند، کجی‌ها را راست و انحرافات را اصلاح می‌نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می‌دهند. و اگر مردم با

ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمتهای پایدار خداوندی را ارزانی‌شان دارند)

معرفی امامان دوازده گانه

ص. صحیفه حضرت زهرا علیها السلام، حدیث 126 و 127 و 128 .

اثبات امامت، حدیث 16 .

ش - شهادت، حدیث 122 .

معرفی حضرت قائم آل محمد

اثبات امامت، حدیث 16

ص - صحیفه حضرت زهرا، حدیث 126 و 127 و 128

ضرورت گرایش مردم به امام

اثبات امامت، حدیث 16

اثبات امامت علی هدایت تشریحی

یادآوری روایات رسول خدا

محمود بن لبید می گوید :

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمرده سنوالم کردم :

ایا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، می توان دلیلی آورد؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 16

قالت فاطمه: و اعجابہ انسیتم یوم غدیر خم؟

سمعت رسول الله یقول: علی خیر من اخلفہ فیکم، و هو الامام و الخلیفۃ بعدی، و سبطای و تسعۃ من صلب الحسین علیہ السلام ائمة ابرار، لئن اتبعتموهم و جدتموهم هادین مهدیین، و لئن خالفتموهم

لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامۃ؟

قلت: یا سیدتی فما باله قعد عن حقہ؟

قالت: یا ابا عمر لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

مثل الامام مثل کعبۃ اذ توتی و لا تاتی

اما و الله لو ترکوا الحق علی اهله و اتبعوا عترۃ نبیہ لما اختلف فی الله اثنان، و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین و لکن قدموا من اخره الله و اخروا من قدمه

الله: حتی اذا الحدوا المبعوث و او دعوه الجدت المجذوث اختاروا بشهوتهم و عملوا بأرائهم تبا لهم او لم یسمعوا الله یقول :

«و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة»؟

بل سمعوا و لکنهم کما قال الله سبحانه :

«فانہا لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب الی الصدور»

هیہات بسطوا فی الدنیا آمالہم و نسوا آجالہم فتعسا لهم و اضل اعمالہم اعوذ بک یا رب من الجور بعد النور

شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟

شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهد. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم، (حسن و حسین علیهما السلام)

و نه نفر از فرزندان حسین علیهم السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیکند .

اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد

پرسیدم، بانوی من! پس چرا امام علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

رسول خدا، فرمود مثل امام، مانند کعبه است، مردم باید در اطراف آن طواف کنند. نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید

سپس ادامه داد که:

آگاه باش. قسم به خدا، اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می نمودند دو نفر هم (در باره حکم خداوند) با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امامت همان گونه که رسول خدا

معرفی فرمود از علی علیه السلام تا حضرت قائم علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید .

اما (افسوس) کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشت رهاورد بعثت را انکار کردند و به بدعتها روی آوردند، آنها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر

اساس رای و نظر شخصی عمل کردند، هلاکت و نابودی بر آنان باد .

ایا نشنیدند کلام خدا را که فرمود :

«پروردگار تو خلق می کند آنچه را که می خواهد و اختیار تعیین امامت بدست اوست» " قصص آیه 68

آری شنیدند اما همان گونه که قرآن فرمود :

«دیدی بصیرت آنها کور و چشم دل آنها بی نور است» " حج آیه 46 .

(افسوس، که سران سقیفه، آرزوها و هوسهای خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند، ای پروردگار! من به تو پناه می برم از کمی

باران پس از پیروی و فراوانی آنان)

حماسه ی غدیر و حدیث منزلت

یادآوری حدیث غدیر و منزلت

حضرت زهرا علیها السلام هر جا که لازم بود با یادآوری حدیث غدیر، مغزهای خفته، و انسانهای فریب خورده را هدایت و بیدار می فرمود، و بارها تذکر می داد که :

حدیث 17

قالت: انسیتم قول رسول الله صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم

من کنت مولاہ فعلی مولاہ؟

و قوله صلی الله علیه و آله انت منی بمنزلۃ ہارون من موسی

(آیا فراموش کردید، سخنان رسول خدا را در روز غدیر خم (که فرمود): هر که من مولا و رهبر او می باشم، علی علیه السلام نیز مولای اوست، و آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام فرمود: یا علی

علیه السلام موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسای پیغمبر علیه السلام است)

پاسخ بهانه جوها

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ بی تفاوت های بهانه جو که می گفتند :

اگر علی علیه السلام زودتر شروع می کرد و برای مردم صحبت می نمود، منحرف نمی شدند، فرمود :

حدیث 18

قالت: فما جعل الله لاحد بعد غدیر خم من حجة و لا عذر
پس از غدیر خم، خداوند برای هیچکس عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است

عذر تراشی ممنوع
و آنچه که مهاجرین و انصار در عذرخواهی پافشاری کردند، فرمود :

حدیث 19

قالت: الیکم عنی فلا عذر بعد تعذیرکم و لا امر بعد تقصیرکم، هل ترک ابی یوم غدیر خم لاحد عذرا؟

(دور شوید و مرا به حال خود واگذارید. پس از کوتاهی و سهل‌انگاری، جایی برای عذرخواهی نمانده است، آیا پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حادثه‌ی غدیر خم جایی برای عذر تراشی و (بی‌
تفاوتی) باقی گذاشته است؟)

ویژگیهای امام علی <امام علی از دیدگاه حضرت زهرا>>

ارزشهای امام علی

برای شناساندن انسانی خداگونه در زمین، قلمها و زبانها عاجزند
باید از سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام برای شناسائی علی علیهالسلام یاری طلبید .
حضرت فاطمه علیهاالسلام در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت، برابر آفتاب وجود امام، زبان به سرزنش گشوده بود، فرمود :
می‌دانی علی کیست؟

حدیث 20

قالت: و هو الامام الربانی و الهیکل التورانی، قطب الاقطاب و سلاله الاطیاب الناطق بالصواب، نقطه دائرة الامامة و ابو بنیه الحسن و الحسین الذین هما ریحانتی رسول الله سیدی شباب اهل الجنة
علی امامی ربانی و الهی، و هیکل نورانی و مرکز توجه همه‌ی عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده‌ی بحق و روا، جایگاه اصلی و محور امامت، و پدر حسن و حسین دو دسته گل
پیامبر صلی الله علیه و آله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت، است (و به حدیث 49 «جهاد و دفاع از ولایت» مراجعه شود)

بهترین شوهر

حدیث 10

سوابق مبارزاتی علی

در آن روزها که امام علی علیهالسلام را دست کفر و شرک و نفاق به انزوا کشاند، حضرت زهرا علیهاالسلام در میان مهاجر و انصار، سوابق مبارزاتی امیرالمؤمنین علیهالسلام را یک یک بر شمرد، تا حجت
الهی را تمام کند

حدیث 21

قالت: کلما او قدوا نارا للحرب اطفاها الله، او نجم قرن الشیطان، او فغرت فافرة من المشرکین قذف اخاه فی لهواتها، فلا ینکفیء حتی یط صماخها باخصمه، و یخمد لهیبا بسیفه
مکدودا فی ذات الله، مجتهدا فی امر الله، قریبا من رسول الله، سیدا فی اولیاء الله، مشمرا ناصحا مجدا کادحا، لا تاخذه فی الله لومة لائم و انتم فی رفاهیة من العیش :
حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود :

پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه مشرکین آتش جنگ بر افروختند، خدا آن را خاموش کرد، و هرگاه شیطان سر برداشت، یا مشرکی ندا میداد تا یورش بیاورد، رسول خدا صلی الله علیه
و آله علی علیهالسلام را در کام سختی‌ها و شعله‌ها می‌انداخت
و علی علیهالسلام بر جای ننشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید، و با شمشیر مشکلات و تهاجمات را از سر راه اسلام برداشت، علی علیهالسلام برای خدا این رنجه را تحمل نمود، و در تحقق فرمانهای
الهی تلاش کرد، یار نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله، و بزرگ و سرور دوستان خدا بود .
همواره دامن همت به کمر زده، نصیحت‌گر، تلاشگر و کوشا بود، و در راه خدا از سرزنش، سرزنش کننده‌ای بیم بخود راه نداد، در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش آرمیده بودید)

ایثارگری و بخشش امام علی

فاطمه زهرا علیهاالسلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از ایثارگری‌های علی علیهالسلام خبر داد و فرمود :

حدیث 22

قالت: یا رسول الله ما یدع علی شینا من رزقه الا وزعه بین المساکین

(ای رسول خدا! علی علیهالسلام از طعام و غذا چیزی در خانه باقی نمی‌گذارد، هر چه به دست می‌آورد، بین فقرا و تهیدستان تقسیم می‌کند)

نقش تربیتی امام علی

امامت، حدیث 15 "نقش تربیتی"

علل غضب خلافت امام

ش «شکوه از خیانت»، حدیث 117

الف «اثبات امامت»، حدیث 16

خ «خطبه‌ها» خطبه‌ی اول

از حضرت زهرا علیهاالسلام در حالی که در احد بر مزار حضرت حمزه علیهالسلام عزاداری میکرد، پرسیدند :

چرا مردم بر ضد شما و علی علیه السلام هجوم آوردند و حق مسلم او را غضب کردند؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 23

قالت: لکنها احقاد بدریة و ترات احدیة کانت علیها قلوب النفاق مکتمنة لامکان الوشاء فلما استهدف الامر ارسلت علینا شابیب الآثار (اینهمه کینه‌توزیها از جنگ بدر، و انتقام جوییها از جنگ احد است که در دلهای منافقان پنهان بود اما روزی که حکومت را غضب کردند تمام آن کینه‌ها و حسادتها را بر ما فروریختند).

علی و جاذبه‌های عاشقانه در عبادت

بودند می‌گوید: علی علیه السلام را در حالت سجده بگونه‌ای مشاهده کردم که هیچ صدایی نمی‌شنود و حرکتی ندارد، فریاد زدم: سوگند بخدا علی علیه السلام مرده است. شتابان به فاطمه علیها السلام خیر دادم .

حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

حدیث 24

قالت: هی و الله الغشیة التي تاخذہ من خشية الله

بخدا قسم، این حالت معنوی علی علیه السلام است که از ترس در برابر عظمت پروردگار بر او عارض شده و در عبادت مدهوش می‌گردد

فاطمه و ارزشهای امام علی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در یکی از جلسات دوستانه، به ارزشهای امام علی علیه السلام اشاره می‌فرمود و شدت محبت و علاقه‌ی قلبی خود را برای دخترش اظهار نمود . فاطمه علیها السلام در حالی که به عظمت و ارزشهای امام اعتراف می‌کرد، فرمود :

حدیث 25

قالت: و الذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هداک الامة لا زلت مقررة له ما عشت

(سوگند به خدایی که به تو رسالت انتخاب کرد و (برای هدایت انسانها (برگزید و تو را هدایت کرد و امت اسلامی را به وسیله‌ی تو هدایت نمود، تا زنده‌ام همواره به ارزشهای امام علی علیه السلام معترف خواهم بود)

عامل رستگاری

حضرت زهرا علیها السلام سعادت و رستگاری انسان را در محبت و دوستی با علی علیه السلام می‌شناساند که فرمود :

حدیث 26

قالت: ان السعید، کل السعید، حق السعید من احب علیا فی حیاته و بعد موته

(همانا سعادت‌مند (بمعنای) کامل و حقیقی، کسی است که (امام) علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته است)

گریه بر مظلومیت امام علی

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در لحظه‌های غمبار احتضار خویش بشدت گریست امام علی علیه السلام پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ پاسخ داد

حدیث 27

قالت: ابکی لما تلقی بعدی

(بخاطر آن چه که پس از من به تو خواهد رسید، می‌گریم)

امام علی علیه السلام فرمود :

لاتبکی فوالله ذلک لصغیر عندی فی ذات الله تعالی :

گریه مکن. سوگند بخدا این گونه سختی‌ها در راه خدا برای من ناچیز است

دفاع از امام علی

خ- خطبه‌ها

م- مبارزات سیاسی

د- دفاع

و- وصیتهای سیاسی

الف- اثبات امامت علی علیه السلام

نگرانی از انبوه مشکلات علی

روزی در یکی از جلسات خانوادگی، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را با انبوه مصائب و مشکلاتی که پس از وی بر امیرالمؤمنین علیه السلام باریدن خواهد گرفت آشنا فرمود .

ان زوجک یلاقى بعدی کذا و کذا

حضرت زهرا علیها السلام غم‌آلود و نگران پرسید :

حدیث 28

قالت: یا رسول الله الا تدعو الله ان ینصرف ذلک عنه؟

(ای رسول خدا! آیا از خداوند نمی‌خواهی که این مشکلات از علی علیه السلام کناره گیرند؟)

انفاق و سخاوت فاطمه

- ج- جنگ و جهاد، حدیث 48
- پ- تلاش برای جلب رضایت پدر، حدیث 32
- خ- از خود گذشتگی و ایثار، حدیث 61 و 62
- ش- شعر در سخاوت و بخشش، حدیث 103 و 104

ایثارگری

- د- دفاع از امام، حدیث 74 و 75
- خ- از خود گذشتگی و ایثار، حدیث 61 و 62
- م- مشکلات زندگی، حدیث 184 و 191
- آ- آیین همسرداری، حدیث 1

ایمان فاطمه

(به فصل خدانشناسی و دعاهای آن حضرت مراجعه فرمائید .)

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ب» شروع می شود

بهداشت دست

بهداشت غذا خوردن

بهداشت غذا

بهداشتی

بهداشت دست

حضرت فاطمه علیهاالسلام نسبت به پاکیزگی دست فرمود :

حدیث 29

الا لا یلو من امرء الا نفسه بیبت و فی یده ریج غمر
بهوش باش! کسی که پس از خوردن غذا با دستی آلوده و چرب بخوابد، هیچکس جز خودش را سرزنش ننماید

آداب غذا خوردن

حضرت زهرا علیهاالسلام درباره‌ی آداب غذا خوردن و بهداشت عمومی فرمود :

حدیث 30

قالت: فی المائدة اثنتا عشرة خصلة یجب علی کل مسلم ان یعرفها
ربع فیها فرض و اربع فیها سنه و اربع فیها تادیب فاما الفرض فالمعرفة، و الرضا، و التسمية، و الشکر
فاما السنه فالوضوء قبل الطعام، الجلوس علی الجانب الايسر، و الاکل بثلاث اصابع
فاما التادیب. فالاکل بما یلیک و تصغیر اللقمة و المضغ الشدید و قلة النظر فی وجوه الناس
در سر سفره‌ی غذا، 12 کار نیک وجود دارد که سزاوار است، هر مسلمانی آنها را بشناسد .
4مورد واجب و 4 مورد مستحب و 4 مورد نشانه ادب و بزرگواری است .
و اما چهار عمل واجب :

1- شناخت و معرفت پروردگار (بدانیم که نعمت‌ها از اوست

2- راضی به نعمت‌های خدا بودن

3- گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در آغاز غذا

4- سپاسگزاری خدا در پایان (و گفتن الحمد لله رب العالمین

و چهار عمل مستحب عبارتند از :

1- وضو گرفتن قبل از غذا

2- نشستن بجانب چپ

3- در حال نشسته غذا خوردن

4- غذا خوردن با سه انگشت

و آن چهار عملی که نشانه ادب و بزرگواری است مانند :

1- از غذای پیش روی برداشتن

2- لقمه‌ها را کوچک برداشتن

3- غذا را بخوبی جویدن

4- کمتر در صورت دیگران، نگاه کردن)

بهداشت غذا

ارزش غذایی خرما

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به ارزش غذایی خرما فرمود :

حدیث 31

قالت فاطمه علیها السلام: نعم تحفة المؤمن التمر

برای مؤمن، خرما هدیه‌ی خوبی است

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «پ» شروع می شود

پوشش و حجاب زن

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

پیامبر جاودانه است

نقش تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله

اندوه وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

شکوه‌ها با پیامبر صلی الله علیه و آله

تنهایی و مصیبت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله

باد پیامبر صلی الله علیه و آله

پوشش زن

ح- حجاب زن

پیامبر و فاطمه

نقش تربیتی پیامبر در جامعه

الف. اثبات امامت حدیث 4

تلاش برای جلب رضایت پیامبر

شیخ صدوق نقل می کند :

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هرگاه به مسافرت می‌رفت، با فاطمه علیها السلام خداحافظی می‌کرد و وقتی از سفر بر می‌گشت، ابتدا به دیدن فاطمه علیها السلام می‌شتافت .

در یکی از مسافرت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک پرده برای درب منزل خرید، پیامبر صلی الله علیه و آله از مسافرت

بازگشت و بدیدار دخترش شتافت .

پس از مشاهده‌ی پرده‌ی خانه و زیور آلات ساده‌ی فاطمه علیها السلام، توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت .

حضرت زهرا علیها السلام با خود اندیشید که پدر ناراحت است، و فوری دستبند و گوشواره و پرده را در آورد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و پیام داد :

حدیث 32

قالت: تقرا علیک ابنتک السلام و تقول

اجعل هذا فی سبیل الله

(دخترت برای تو سلام می‌فرستد و می‌گوید که این زیور آلات اندک را نیز در راه خدا انفاق کن)

پیامبر گرامی اسلام پس از مشاهده‌ی بخشش و ایثار فاطمه علیها السلام سه بار فرمود :

فداها ابوها

(پدرش فدای او باد)

همدردی با پدر

در روزهای واپسین زندگانی، پیامبر صلی الله علیه و آله به منبر رفت و فرمود :

هر کس از من طلبی دارد، در خواست نماید .

و آنگاه بلال در کوچه‌های مدینه فریاد زد که :

"هذا محمد يعطی القصاص من نفسه قبل يوم القيامة»

مردم اینک این محمد بن عبدالله است که می‌خواهد قبل از روز قیامت قصاص شود هر کس حقی از او طلب دارد بخواهد"

مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در جنگ بدر که صف سربازان را تنظیم می‌کردید، با شلاق خودتان بر شکم لخت من زدید .

پیامبر فرمود بیا قصاص کن، مرد گفت: همان شلاق را بیاورید .

پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال اشاره فرمود که از خانه فاطمه علیها السلام همان شلاق روزهای جنگ را بیاورد .

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پرسید :

حدیث 33

قالت: یا بلال ما یصنع والدی بالقضیب و لیس هذا یوم القضیب؟

(لما اخبر بلال ما وقع قالت):

و اغماه لغمک یا ابتاه

من للفقرء و المساکین و ابن السبیل یا حبیب الله و حبیب القلوب یا بلال فقل للحسن و الحسین یقومان الی هذا الرجل

فیقتص منهما و لا یدعانه یقتص من رسول الله صلی الله علیه و آله

(ای بلال! پدرم با شلاق (روزهای جنگ) چه می‌خواهد بکند؟ الآن که روز جنگ نیست؟)

وقتی بلال آنچه را که در مسجد گذشت خبر داد. فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام ناله‌ای زد و گفت :

(وای از این اندوه برای اندوه تو ای پدر، غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و تهیدستان و در راه ماندگان است؟)

ای دوست خدا و دوست همه‌ی دلها! ای بلال به فرزندانم حسن و حسین بگو نزد آن مرد رفته تا از آنان قصاص کند و نگذارند پیامبر را بیازارد)

عواطف پدرانۀ پیامبر

حضرت زهرا علیهاالسلام درباره‌ی عواطف گرم پدرانۀ رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلبی را نقل فرمود که قابل توجه و ارزیابی است :

حدیث 34

قالت: لما نزلت «لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا»

هبت رسول الله صلی الله علیه و آله ان اقول له «یا ایه» فکنت اقول «یا رسول الله» فاعرض عنی مرّة او اثنتین او ثلاثا ثم اقبل علی فقال :

یا فاطمه انہا لم تنزل فیک و لا فی اهلك و لا فی نسلک، انت منی و انا منک انما نزلت فی اهل الجفاء و الغلظة من قریش اصحاب البذخ و الکبر، قولی «یا ایه» فانہا احیی للقلب و ارضی للرب

وقتی این آیه نازل شد :

"رسول خدا را آنگونه که همدیگر را صدا می‌زنید، نخوانید"

ترسیدم که رسول خدا را با لفظ «ای پدر» بخوانم .

من (هم مانند دیگران پدر را) با نام «یا رسول الله» صدا زدم .

(بدین خاطر) پیامبر، یک بار یا دو بار یا سه بار از من روی گردانید (و پاسخ نگفت). سپس رو به من کرد و فرمود :

ای فاطمه علیهاالسلام! این آیه درباره‌ی تو و خانواده‌ی تو و نسل تو نازل نشده است. تو از من هستی و من از تو هستم .

همانا این آیه برای (ادب کردن) جفاکاران درشت خوی قریش، انسانهای خودخواه و متکبر، نازل شده است .

ناله و فریاد در هنگامه‌ی رحلت پیامبر

در لحظه‌های غمبار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیهاالسلام، امام علی علیهالسلام، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام در اطراف بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زده و

با چشمانی اشکبار، نظاره‌گر غروب خورشید رسالت بودند .

آن بزرگ پیامبر، خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست

و در حالی که می‌گریست بی‌حال در بستر افتاد .

فاطمه علیهاالسلام با مشاهده‌ی این منظره به فریاد آمد و فرمود :

حدیث 35

قالت: یا رسول الله، قد قطعتم قلبی و احرقتم کبدی لبکانک یا سید النبیین من الاولین و الاخرین

یا امین ربه و رسوله یا حبیبه و نبیه

من لولدی بعدک؟ و لذل ینزل بی‌بعدک؟

من لعلی اخیک و ناصرالدین؟

من لوحی الله و امره؟

ای رسول خدا! همانا قلب مرا از جا کندی، و جگرم را سوزاندی، آنگاه که گریه‌ی تو را مشاهده کردم، ای بزرگ پیامبران از حضرت آدم تا آخرین آنان، ای امین پروردگار، ای فرستاده و محبوب خداوند

ای پیامبر خدا !

پس از تو چه بر سر فرزندانم خواهد آمد؟

پس از تو چه مصیبتها و ذلت و خواریها که بر من باریدن خواهد گرفت؟

پس از تو چه بر سر علی علیهالسلام خواهد آمد؟

او که برادر توسست و (تنها) یاور دین اسلام خواهد بود .

پس از تو چه بر سر وحی الهی و (دستورات خداوند خواهد آمد؟

آنگاه خود را در آغوش پدر افکند، پدر را بوسید و با اشک فراوان، گونه‌های پدر را شست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این هنگام دست فاطمه علیهاالسلام را در دست علی علیهالسلام گذاشت و فرمود :

علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست تو است، از او محافظت فرما .

غم و اندوه وفات پیامبر

ش - اشعار حضرت زهراء علیهاالسلام

پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، فاطمه علیهاالسلام در اجتماع زنان مدینه با بیان غم‌آلودی فرمود :

حدیث 36

قالت: انا لله و انا الیه راجعون، انقطع عنا خیر السماء

(همه از خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم، (آه که با وفات پیامبر صلی الله علیه و آله) رشته‌ی وحی و اخبار آسمانی قطع گردید)

غم از دست دادن پیامبر

روایت معاذ

از معاذ بن جبل نقل است که فاطمه علیها السلام پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان می‌گریست و می‌فرمود :

حدیث 37

قالت: یا ابتاه. الی جبریل ننعاه، انقطعنا عنا اخبار السماء یا ابتاه لا یبزل الوحی اءلینا من عند الله ابدا (آه ای پدر! پس از تو باید شکوه‌های دل را به حضرت جبرئیل گفت. آه که) با وفات تو) خبرهای آسمانی قطع شد و آه ای پدر! دیگر برای همیشه از طرف خدا وحی فرو فرستاده نمی‌شود)

روایت انس بن مالک

از انس بن مالک روایت شده که حضرت زهراء علیها السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با غم و اندوه می‌گریست و می‌فرمود :

حدیث 38

قالت: یا ابتاه اجاب ربا دعاه
یا ابتاه، من جنه الفردوس ماواه
یا ابتاه الی جبرئیل ننعاه
(آه ای پدری که دعوت پروردگار را لیبیک گفتی!
آه ای پدری که فردوس برین جایگاه توست
پدر (پس از تو) با جبرئیل (باید) درد دل نماییم)
و پس از مراسم تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به انس فرمود :

حدیث 39

قالت: یا انس! اطابت انفسکم ان تحثوا علی رسول الله صلی الله علیه و آله التراب؟
(ای انس! آیا دلتان آمد که خاک بر روی رسول خدا بریزید؟)

سوگ پدر و تنهایی و مصیبت شوهر

حادثه‌ی عظیم و غمبار رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امت اسلامی را غرق در ماتم کرده بود و فاطمه علیها السلام هم در فراق پدر می‌سوخت، و شاهد غربت و انزوی اسلام بود .
از یک سو قدرت طلبیها و زنده شدن دوباره ارزشهای جاهلی را مشاهده می‌کرد، و از سوی دیگر تهاجم و تجاوز به حریم حرمت ولایت را نظاره‌گر بود
کوهی از غمها و دردها، بر جان نورانش سنگینی می‌کرد. که دردآلود و سوزناک لب به فریاد گشود، و خطاب به پدر چنین فرمود :

حدیث 40

قالت: یا ابتاه ما اعظم ظلمه مجالسک
فوا اسفاه علیک الی ان اقدم عاجلا علیک
و اتکل ابو الحسن الموتمن ابو ولدیک الحسن و الحسین و اخوک و ولیک و حبیبک و من ربیته صغیرا و اخیته کبیرا و اجلی احبائک و اصحابک الیک، من کان منهنم سابقا و مهاجرا و ناصرا، و اولهم سابقا
الی الاسلام، و مهاجرة الیک
یا خیر الانام فها هو یساق فی الاسر کما یساق البعیر
و الثکل شاملنا و البکاء قاتلنا و الاسی لازمنا
وا محمداه و اباه، و حبیباه، و ابا القاسماه، و احمداه، و اقله ناصراه و غوثاه، و طول کربتاه، و احزناه، و مصیبتاه :
(پدر جان! دریغ و آه از فراق توای پدر چه بسیار بزرگ است تاریکی و ظلمتی که در مجالس پس از تو مشاهده می‌گردد، من دور مانده از جناب تو دریغ و افسوس می‌خورم که هر چه زودتر نزد تو آیم .
(در عزای تو) ابا الحسن امین سوگوار است؛ پدر دو فرزندت حسن و حسین، برادر و امام برگزیده و دوست بی‌مانند تو، همو که در کودکی او را بزرگ و تربیت کردی و سپس برادرت خواندی او که بزرگترین
دوستان و محبوبترین اصحاب در پیشگاه تو بود
او که در پذیرش اسلام از همه پیشی گرفت و یاور دین گشت و هجرت کرد .
ای (پدر بزرگوار) ای بهترین انسانها! اکنون (بیا و بنگر که) او را اسیر گونه (به طرف بیعت تحمیلی) می‌کشند و می‌برند .
(پدر جان! غم سوگواری (تو) ما را فرا گرفته (و در هم کوبیده) است و گریه (های مداوم)، قصد جان ما را دارد، و بدی روزگار دامنگیرمان شده است .
فریاد ای محمد: فریاد ای دوست، فریاد ای پدر، فریاد ای اباالقاسم، فریاد ای احمد، فریاد از کمی یاران و یاوران، فریاد از ناله بسیار، فریاد از مشکلات فراوان، فریاد از مصیبت و اندوه زیاد، فریاد از مصیبت
جانکاه!)

پس از آن سخنان دردآلود و غمبار، صیحه‌ای زد و بیهوش بر زمین افتاد .

شکوه از دردها و خیانتها

پس از فراوانی غمها، و تهاجم قدرت طلبان بی‌پروا، و سختی تحمل دوری پیامبر صلی الله علیه و آله، خطاب به پدر فرمود :

حدیث 41

قالت: انقطع بک الدنیا بانوارها، و زوت زهرتها، و کانت ببهجتک زاهره، فقد اسود نهارها فصار یحکی حنادسها، رطیها و یابسها
یا ابتاه لا زلت آسفه علیک الی التلاق
یا ابتاه زال غمضی منذ حق الفراق
من للارامل و المساکین؟ و من للامه الی یوم الدین؟
یا ابتاه امسینا بعدک من المستضعفین
یا ابتاه اصبحت الناس عنا معرضین، و لقد کنا بک معظمین فی الناس غیر مستضعفین
فای دمه لفراقک لا تنهمل؟ و ای حزن بعدک علیک لا یتصل؟ و ای جفن. بعدک بالنوم یکتحل؟

و انت ربیع الدین و نور النبیین
فکیف للجبال لا تمور؟ و للبحار بعدک لا تغور؟ و الارض کیف لم تنزل؟
رمیت یا ابتاه بالخطب الجلیل، و لم تکن الرزیه بالقلیل
و طرقت یا ابتاه بالمصاب العظیم، و بالفادح المہول
بکتک یا ابتاه الاملاک، و وقفت الافلاک

فمنبرک بعدک مستوحش، و محرابک خال من مناجاتک، و قبرک فرح بمواراتک و الجند مشتاقہ الیک و الی دعائک و صلاتک
دنیا به دیدار تو با رونق و بها بود، و امروز در سوگواری تو انوار او بریده و گلهای او پژمرده است، و خشک و ترآن حکایت از شبهای تاریک میکند، ای پدر! همواره بر تو دریغ و افسوس میخورم تا روز ملاقات
ای پدر! از آن لحظه که جدایی پیش آمد، خواب از چشمم گریخت
ای پدر! کیست که از این پس که بیوگان و مسکینان را رعایت نماید، و امت را تا قیامت هدایت فرماید
ای پدر! ما در حضور تو عظیم و عزیز بودیم، و بعد از تو ذلیل و زبون آمدیم، کدام سرشک است که در فراق تو روان نمی‌شود، و کدام حزن و اندوه است که بعد از تو پیوسته نمی‌گردد، و کدام چشم است
که پس از تو سرمهی خواب میکشد؟ تو بهار دین بزبان بودی، و نور پیغمبران، چه افتاد کوهسارها را که فرو نمی‌ریزد، و چه پیش آمد دریاها را که فرو نمی‌خشکد، چگونه است که زلزله‌ها زمین را فرو نمی‌برد.
ای پدر! در بلا و رنجی عظیم و مصیبتی شگرف افتادم، و در زیر بار گران و هولناک ماندم
ای پدر! فرشتگان بر تو گریستند، و افلاک در ایستادند. منبر تو بعد از تو (با دیگری) انس نگرفت و بدون استفاده گشت و محراب بی‌مناجات تو معطل ماند، و قبر تو بیوشیده داشتن تو خوشحال گشت و
بهشت مشتاق نماز و دعای تو شد.

نالہ از تنہائی و غربت

ورقۃ بن عبداللہ ازدی از حضرت فضہ نقل می‌کند کہ :

حضرت زہرا علیہا السلام پس از دفن پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ با بی‌تابی از منزل بیرون آمد و در حالی کہ از گریہ و درد، حال رفتن نداشت. خود را بہ قبر پدر رساند و آنگاہ کہ جایگاہ اذان و محراب را
مشاہدہ فرمود، فریادی بر آورد و بیہوش نقش زمین شد .
زنان مدینہ کہ وضع را چنان دیدند، بہ سوی او دویدند و آب بر سر و صورت آن حضرت پاشیدند، تا بہ ہوش آمد. سپس در حالی کہ بہ قبر پدر خیرہ شدہ بود فرمود :

حدیث 42

قالت: رفعت قوتی و خانی جلدی و شمت بی‌عدوی و الکمذ قاتلی

یا ابتاه بقیة و الہة وحیدة، و حیرانہ فریدة، فقد انخمد صوتی و انقطع ظہری و تنغص عیسی، و تکدر دہری

فما اجد یا ابتاه بعدک انیسا لوحشتی و لا رادا لدمعتی، و لا معینا لضعفی؟

فقد فنی بعدک محکم التنزیل، و مہبط جبرئیل، و محل میکائیل

انقلبت بعدک یا ابتاه الاسباب، و اغلقت دونی الابواب، فانا للدنیا بعدک قالیة، و علیک ما ترددت انفاسی باکیة، لا ینفد شوقی الیک، و لا حزنی علیک و ابتاه، و الباہ :

اقوتم رفته و خویشتم داریم را از دست داده‌ام و دشمنم سرزنش کننده‌ام شده و حزن و اندوه درونی مرا می‌کشد .

پدر جان! یکہ و تنها باقی مانده و در کار خویش حیران و سرگردانم .

صدایم خفته، و پشتم شکسته، و زندگیم در ہم ریخته، و روزگام تیره، شدہ است .

پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی‌یابم، و مانعی برای گریہ‌ام، و یآوری برای ضعفم پیدا نمی‌کنم

(آری پدر!) بعد از تو نزول قرآن و محل ہبوط جبرئیل و مکان میکائیل از بین رفت

پدر جان! پس از تو روابط انسانها دگرگون شد و درہا بہ روی من بستہ گردید

من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی کہ نفسم بر آید بر تو گریہ خواہم نمود .

(پدر جان!) شوق من نسبت بہ تو و حزن من بعد از تو انجالی و پایانی ندارد !

فریاد ای پدر! فریاد ای پروردگار (جهانیان)

یاد پدر در جمع کودکان

حضرت زہراء علیہا السلام با یاد روزگار شیرین و محبتہای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ، خطاب بہ کودکان خود فرمود :

حدیث 43

قالت: این ابو کما الذی کان یکرکما و یحملکما مرہ بعد مرہ؟

این ابو کما الذی کان اشد الناس شفقتہ علیکما؟ فلا یدعکما تمشیان علی الارض و لا اراه یفتح هذا الباب ایدا و لا یحملکما علی عاتقہ کما لم یزل یفعل بکما؟

(کجاست پدر مہربان شما دو فرزندم؟ کہ شما را عزیز و گرمی می‌داشت، و همواره شما را بر روی دوش خود می‌گرفت، و نمی‌گذاشت بر روی زمین راه روید؟

کجاست پدر شما کہ مہربانترین مردم نسبت بہ شما بود؟

دیگر ہرگز او را نمی‌بینم کہ این درب منزل را باز کند، و شما را بر دوش خود گیرد، همان رفتاری کہ همواره نسبت بہ شما انجام می‌داد)

یاد پدر و اشتیاق شنیدن اذان

پس از وفات رسول گرمی اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ، حضرت فاطمہ علیہا السلام بہ یاد دوران با شکوہ و پر عظمت اسلام و نبوت افتاد و فرمود :

حدیث 44

قالت: اہنی اشتہی ان اسمع صوت مؤذن ابی صلی اللہ علیہ و آلہ بالاذان

(بسیار دوست دارم کہ صدای اذان (بلال)، مؤذن پدرم را «کہ درود خدا بر او و اہل بیت او باد» بشنوم)

وقتی این خبر بہ بلال رسید، با اینکه از اذان گفتن اعتصاب کردہ بود، آمادہ شد و اہل مدینہ یک بار دیگر صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند

شہر در شادی و سرور غرق شد، تا آن کہ گفت: «اشہد ان محمدا رسول اللہ «ناگاہ بہ بلال خبر رسید کہ اذان را رها کن زیرا فاطمہ علیہا السلام بیہوش نقش بر زمین افتادہ است !

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ت» شروع می شود

تربیت

ترس از عذاب الهی

مباحث تربیتی

اهمیت قضاوت میان کودکان

رسول گرامی اسلام درباره‌ی مسابقه خطاطی به حسن و حسین علیهما السلام سفارش فرمود :

هر کس خط او زیباتر است، قدرت او نیز بیشتر است

حسن و حسین علیهما السلام هر کدام خط زیبایی نوشتند، اما رسول خدا قضاوت نکرد و آن دو بزرگوار را به مادرشان، فاطمه علیها السلام هدایت فرمود، تا نگرانی قضاوت، با عاطفه، مادری جبران شود .

حضرت زهرا علیها السلام دید که هر دو خط زیباست و هر دو در این مسابقه‌ی هنری شرکت نموده‌اند، چه باید کرد؟ با خود می‌گفت :

حدیث 45

قالت: انا ماذا اصنع و کیف احکم بینهما؟

(من چه می‌توانم بکنم و چگونه میان دو کودکم داوری کنم)

با ژرف نگری و رعایت مسائل دقیق تربیتی، قضاوت نهایی را به تلاش خودشان ارتباط داد و فرمود :

یا قرتی عینی انی اقطع قلاذتی علی راسکما و انشر بینکما جواهر هذه القلادة فمن اخذ منها اکثر فخطه احسن و تکون قوته اکثر

(ای نور دیدگانم! من دانه‌های این گردنبند را با پاره کردن رشته‌ی آن بر سر شما می‌ریزم و میان شما دانه‌های گردنبند را پخش می‌نمایم. هر کدام از شما دانه‌های بیشتری بگیرد، خط او بهتر و قدرت

او بیشتر است)

بکارگیری هنر شعر در پرورش کودک

ش- شعرهای حضرت زهرا علیها السلام حدیث 102

مشکلات اقتصادی و بچه‌داری

م- مشکلات اقتصادی حدیث 105

نذر کردن برای شفای کودک

ر- روزه حدیث 86

ترس از عذاب الهی

ترس از آتش جهنم

وقتی آیات عذاب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد که :

(و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعۃ ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم) - الحجر آیه 43 و 44

رسول خدا صلی الله علیه و آله بشدت گریست و یاران پیامبر نیز گریستند .

حضرت زهراء علیها السلام از گریه‌ی پدر آگاه شد و پرسید :

حدیث 46

قالت: یا ایت فدیتهک ما الذی ابکاک؟

(ای پدر! فدایت شوم. چه چیزی تو را گریاند؟)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آیات عذاب الهی را که تازه نازل شده بود برای فاطمه علیها السلام خواند، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام از خوف الهی بر زمین افتاد و فرمود :

الویل ثم الویل لمن دخل النار

(وای، وای بر کسی که داخل آتش جهنم می‌شود)

اندوه سفر طولانی قیامت (آخرت گرانی)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در یکی از روزهای پر بار زندگی، در منزل حضرت زهرا علیها السلام وضو گرفت، سپس پرسید :

در چه حالی دخترم؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

حدیث 47

قالت: و الله لقد اشدت حزنی و اشدت فاقتی و طال اسفی

(سوگند بخدا که حزن و اندوه من فزونی گرفته است و تهیدستی من فراوان است و تاسف من طولانی "که برای سفر طولانی آخرت، چه آماده کرده‌ام")

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ج» شروع می شود

جاهلیت (اخلاق جاهلی) ح 75

جبرئیل ح 122 و 196

جاذبه و دافعه شیعیان ح 121
جمعه (ارزش روز جمعه) ح 82
جنازه‌ی بر زمین مانده ح 171
جنینی که شهید شد ح 125
جنگ و شرکت در جهاد ح 48
جهاد (ره آورد جهاد) ح 57

جنگ و جهاد

شرکت حضرت زهرا در جنگ
در جنگ خندق که مدینه در محاصره قرار داشت، هر کس به اندازه‌ی توان خود از جنگ پشتیبانی می‌کرد، حضرت زهرا علیها السلام نیز نان می‌پخت و بخشی از نیازمندیهای مجاهدان سنگرنشین را تامین می‌فرمود .

در یکی از روزها که برای فرزندان خویش نان تازه آماده کرده بود، نتوانست بدون پدر از آن استفاده نماید، به خط مقدم جبهه، نزد پدر رفت و فرمود :

حدیث 48

قالت فاطمه علیها السلام: قرصا خبزته و لم تطب نفسي، حتی اتیتک بهذه الکسرة (قرص نانی که می‌بینید برای غذای فرزندانم آماده کردم، اما دلم آرام نگرفت ناچار آن را «در خط مقدم جبهه» خدمت شما آوردم) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :
"این اولین غذائی است که پس از سه روز، پدرت بر دهان می‌گذارد"

فلسفه‌ی جهاد

حضرت زهرا علیها السلام از نظر ارزشی، فلسفه‌ی جهاد را بگونه‌ی شایسته‌ای معرفی می‌فرماید و خود در پشت جبهه با پختن نان و کمک رساندن به پدر و همسر، در عمل نیز به جهاد می‌اندیشید که نسبت به ارزش جهاد در راه خدا فرمود :

حدیث 49

قالت: امامتنا امانا للفرقة، و الجهاد عزا للاسلام (امامت و رهبری ما عترت پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ایمنی و نجات از تفرقه و جدائی است، و جهاد در راه خدا مایه‌ی عزت و جاودانگی اسلام است)

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ج، ح» شروع می‌شود

چادر و پوشش ح 51

پ- پوشش زن

چهره‌ی زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله ح 164

حجاب

پرهیز از نامحرم

در اوج عفت و حجاب

حوریان بهشت

حجاب و پوشش فاطمه

پرهیز از نامحرم

مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی علیه السلام شد .

پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده فرمود که حضرت زهرا علیها السلام برخاست، فرمود: دخترم! این مرد نابیناست .

پاسخ داد :

حدیث 50

قالت فاطمه علیها السلام: ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الریح

(پدر، اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌نگرم !

اگر چه او نمی‌بیند اما بوی زن را استشمام می‌کند!)

رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود :

"شهادت می‌دهم که تو پاره‌ی تن من هستی"

ضرورت رعایت محرم و نامحرم

رسول گرامی اسلام، درب خانه فاطمه علیها السلام را کوبید و فرمود :

السلام علیکم ادخل؟

پاسخ شنید :

حدیث 51

قالت: عليك السلام يا رسول الله ادخل يا رسول الله
(سلام بر تو ای فرستاده‌ی خدا، داخل شوید ای رسول خدا)
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :
(ادخل و من معی؟)
آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟
فاطمه علیها السلام فرمود :
یا رسول الله لیس علی قناع
(اگر نامحرمی با شماست، وارد نشوید که چادر بر سر ندارم)
کمی بعد، چادر به سر کرد و فرمود: داخل شوید
رسول خدا دوباره سلام کرد و فرمود: با کسی که همراه من است؟
پاسخ داد :
عليك السلام يا رسول الله ادخل و من معك
(سلام بر تو ای فرستاده‌ی خدا، داخل شوید با کسی که همراه شماست)

در اوج عفت و حجاب

نگرانی از کیفیت حمل جنازه‌ی بانوان
اسماء بنت عمیس، نقل می‌کند :
روزهای آخر زندگانی حضرت علیها السلام با او بودم، روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت، و ابراز نگرانی فرمود: که چرا جنازه‌ی زن را روی تخته‌ی می‌گذارند و بالای دست مردان
حمل می‌کنند؟!

حدیث 52

قالت: انی قد استقبحت ما یصنع بالنساء، انه یطرح علی المرأة الثوب فیصفها لمن رای، فلا تحملینی علی سریر ظاهر، استرینی سترک الله من النار
حضرت زهرا علیها السلام فرمود :
(من بسیار زشت می‌دانم که (جنازه‌ی) زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سر باز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می‌دهد .
مرا بر روی تابوت آنچنانی نگذار و بدن مرا بیپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد)

سفارش به همسر

اسماء بنت عمیس می‌گوید: وقتی نگرانی حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که به امام علی علیه السلام فرمود :

حدیث 53

أوصیک یابن عم ان تتخذلی نعشا فقد رایت الملائکة صوروا صورته
(وصیت می‌کنم بشما ای پسر عمو! که برای من تابوتی درست کنید، همانگونه که ملائکه شکل آن را بمن نشان داده اند)
خدمت آن حضرت توضیح دادم :
در سرزمین حبشه، تابوتی برای حمل جنازه درست می‌کنند که بدن میت را می‌پوشاند و سپس به وسیله چوب‌های تر و شاخه‌های نازک درخت، شکل و قیافه‌ی آن را ترسیم کردم .
حضرت زهرا علیها السلام خوشحال شده فرمود :
اصنعی لی مثله استرینی سترک الله من النار
(برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بیپوشان، خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید)

حوریان بهشتی و شوق دیدار فاطمه

سلمان فارسی می‌گوید :

با دعوت امام علی علیه السلام به منزل فاطمه علیها السلام رفتم، تا آنحضرت مرا دید، فرمود :

حدیث 54

قالت: یا سلمان جفوتنی بعد وفاة ابي

(ای سلمان! پس از وفات پدرم با من جفا کردی)

و آنگاه اجازه‌ی نشستن داد و فرمود :

حدیث 55

قالت: فمه اجلس و اعقل ما اقول لك، انی كنت جالسةً بالامس فی هذا المجلس، و باب الدار مغلق، و انا تفكر فی انقطاع الوحی عنا و انصراف الملائكة من منزلنا، فاذا انفتح الباب من غیر ان یفتحه احد،
فدخل علی ثلث جوار لم یر الراؤن بحسنهن، و لا كهیبتین و لا نضارةً وجوههن، و لا ازکی من ریحن، فلما رایتهن قمت الیهن متنكرةً لهن
فقلت: انتن من اهل مکه ام من اهل المدینة؟
فقلن: یا بنت محمد لسننا من اهل مکه و لا من اهل المدینة، و لا من اهل الارض جمیعاً غیر اننا جوار من الحور من دار السلام، ارسلنا رب العزة الیک یا بنت محمد انا الیک مشتاقات
فقلت: للتی اظن انها اکبر سنا ما اسمک
فقلت: اسمی مقدودة

قلت: لم سميت مقدوده

قالت: خلقت للمقداد بن الاسود الكندي صاحب رسول الله

فقلت: للثانية ما اسمك

قالت: ذرة

قلت: و لم سميت ذرة و انت في عيني نبيلة

قالت: خلقت لابي ذر الغفاري، صاحب رسول الله

فقلت: للثالثة ما اسمك

قالت: سلمى

قلت: و لم سميت سلمى

قالت: انا لسلمان الفارسي مولى ابيك رسول الله

بنشين و درست بينديش در آن چه كه برای تو بازگو می كنم .

ديروز در اينجا نشسته بودم و فكر می كردم كه با وفات رسول خدا، وحی الهی از ما قطع گرديد و از رفت و آمد ملائكه ديگر خبری نيست .

ناگاه در بستهی منزل باز شد و سه دختر وارد شدند كه از نظر زیبایی و شادابی و خوش بویی بی مانند بودند و هيچ چشمی به زیبایی آنان ندیده است

از جايم برخاسته به سوی آنان رفتم، حال آنكه چندان خوش آیند من نبود .

پرسيدم: از زنان مكه يا مدينه آيد؟

پاسخ دادند :

"ای دختر محمد صلی الله عليه و آله! ما از اهل مکه و مدينه و از مردم روی زمین نيستيم، از حوريبان بهشتی و عاشقان دیدار تو هستيم كه پروردگار ما را بسوی تو فرستاده است"

از آن يك كه بزرگتر می نمود، پرسيدم، اسم تو چیست؟

جواب داد: "مقدوده"

گفتم: چرا مقدوده؟

گفت: برای زندگی با «مقداد بن اسود» آفريده شده ام .

از ديگری پرسيدم، نام تو چیست؟

گفت: "ذره"

گفتم: تو در دیدگان من بزرگ و نجيب می آیی، چرا ذره؟

گفت: برای همسری با «بوذر غفاری» خلق شده ام

از سومی پرسيدم: تو چه نام داری؟

گفت: "سلمی"

پرسيدم: چرا سلمی ناميده شده ای؟

گفت: "خداوند مرا برای «سلمان فارسی» غلام پدريت آفريده است"

سپس حوريبان بهشتی خرمایی تازه كه خوش بوتر از مشك بود، به من بخشيدند .

سلمان فارسی می گوید :

از آن خرما مقداری بمن عطا فرمود :

خرماها را برداشته در كوچه های مدينه به طرف منزل می رفتم، به هر كس از اصحاب رسول خدا صلی الله عليه و آله می رسيدم، می پرسيد، چه بوی عطر دلنشینی! آیا مشك با خود حمل می کنی؟.

سخنانی كه ابتدای آنها با حرف «خ» شروع می شود

خداشناسی

خطبه های حضرت فاطمه صلی الله عليه و آله

1- خطبه در مسجد مدينه

2- خطبه در جمع زنان مهاجر و انصار

3- خطبه در برابر مهاجمان

4- خطبه در سرزنش پيمان شکنان

خود گذشتگی

خوشروئی روابط اجتماعی ح 84

خداشناسی فاطمه

خداگرایی فاطمه

پيامبر اسلام صلی الله عليه و آله روزی از دخترش پرسيد :

فاطمه عليها السلام! چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشتهی وحی در کنار من است و از طرف خدا پيام آورده است! تا هر چه بخواهی تحقق پذيرد .

فاطمه عليها السلام پاسخ داد :

حدیث 56

قالت: شغلنی عن مسئلته لذة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم .

(لذتی كه از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است . حاجتی جز این ندارم كه پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم)

خطبه‌ی اول سخنرانی فاطمه در مسجد مدینه

حضرت زهرا علیها السلام چادر به سر کرده و با جمعی از بانوان وارد مسجد شد، در حالی که ابابکر و جمعی از مهاجرین و انصار حضور داشتند به احترام آن بزرگ بانوی اسلام پرده‌ی سفیدی آویختند که سخنرانی را در پشت پرده آغاز کند .

حضرت زهرا علیها السلام قبل از آغاز سخن، ناله‌ی جانسوزی کشید که بسیاری از حاضران گریستند و پس از آن که مردم آرام گرفتند، فرمود :

حدیث 57

1- ضرورت الحمد و الثناء علی الله

قالت: الحمد لله علی ما انعم، و له الشکر علی ما الهم، و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتدائها، و سبوغ آلاء اسداها، و تمام منن والاها، جم عن الاحضاء عددها، و نای عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادراک ابدها، و ندبهم لاستزادتها بالشکر لاتصالها، و استحمد الی الخلاق باجزالها، و ثنی بالندب الی امثالها، و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، کلمة جعل الاخلاص تاویلها، و ضمن القلوب موصولها، و انار فی التفکر معقولها،

2- معرفة الله تعالی

الممتنع من الابصار رؤيته، و من اللسن صفته و من الاوهام کیفیته .

ابتدع الاشياء لا من شيء كان قبلها، و انشأها بلا احتذاء امثلة امثلها، کونها بقدرته و ذرها بمشیته من غیر حاجة منه الی تکوینها و لا فائدة له فی تصویرها الا تشبیتا لحکمته و تنبیها علی طاعته و اظهارا لقدرته و تعبد لبريته و اعزازا لدعوته

ثم جعل الثواب علی طاعته و وضع العقاب علی معصيته زیادة لعباده عن نعمته و حیاشة لهم الی جنته .

ترجمه‌ی خطبه‌ی اول

1- ضرورت شکر و سپاس الهی

ستایش خداوند را، بر نعمتهایی که به ما بخشید، و شکر او را! بر آنچه الهام فرمود، حمد و ثنا بر خداوند، برابر نعمتهایی که از پیش فرستاد، و همه‌ی نعمتهایی که آفرید، و نعمتهای فراوانی که به انسانها عطا فرمود، و تمام منتها و نعمتهایی که پیاپی فرستاد .

نعمتهایی که شمارش آن از توان انسان فزونت، و پاداش آن ناممکن، و درک دامنه و گستردگی آن از ادراک و هوش بشر فراتر است .

مردم را به شکر گزاری فرا خواند، تا نعمتها را پیاپی فرستد، و به حمد و سپاس راهنمایی کرد، تا نعمتها را فزونی بخشد، و با درخواست بندگان، نعمتها را چند برابر نماید .

گواهی می‌دهم، بجز الله، خدای نبوده و شریکی برای او نیست، تفسیر این گواهی و شهادت، اخلاص است، و پایبند آن، قلبهای آگاه، که در پیشگاه تفکر و اندیشه، معنای آن را روشن فرمود .

2- شناخت خدا

خداوندی که چشمها او را نمی‌توانند بنگرند، و زبانها از وصف او عاجزند، و وهم و خیال از درک ذات او فرو مانده‌اند، اشیای عالم را بدون این که چیزی موجود باشد، آفرید، و بدون مثال و نمونه‌ای، ایجاد کرد، با قدرت خود پدید آورد، و با اراده‌ی خود، ایجاد نمود، نه به آفریدن آنها نیازمند بود، و نه از خلقت آنها سود می‌برد .

جز آن که خواست حکمتش تحقق یابد، و همه را به اطاعت و بندگی آگاه نماید، و قدرت خود را آشکار کند، و به همه راه بندگی بیاموزد، و دعوت خود را عزت بخشد

آنگاه پاداش را بر اطاعت و بندگی، و عذاب را در مخالفت و سرپیچی، قرار داد، تا بندگان را از عقوبت برهاند، و بسوی بهشت سوق دهد .

3- فلسفه البعث المحمديه

و اشهد ان ابی محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، اختاره و انتخبه قبل ان یرسله، و سماه قبل ان اجتباها، و اصطفاها قبل ان یربعثه، اذا الخلاق بالغیب مکنونه و بستر الاهاویل مصونه و بنهایه العدم مقرونه، علما من

الله تعالی بمآل الامور و احاطة بحوادث الدهور و معرفة بمواقع الامور .

ابتعته الله انماما لامره و عزيمة علی امضاء حکمه و انفاذا لمقادیر حتمه، فرای الامم فرقا فی ادیانها، عکفا علی نیرانها، عابدة لاوثانها، منکره لله مع عرفانها

4- فوائد البعث المحمديه

فان الله یابی محمد صلی الله علیه و آله ظلمها و کشف عن القلوب بهمها و جلی عن الابصار غمها، و قام فی الناس بالهدایة فانقذهم من الغوایة و برصهم من العمایة، و هداهم الی الدین القویم و دعاهم الی الطریق المستقیم. ثم قبضه الله الیه قبض رافعة و اختیار و رغبة و ایثار، فمحمد صلی الله علیه و آله من تعب هذه الدار فی راحة قد حف بالملائكة الابرار و رضوان الرب الغفار و مجاورة الملك الجبار

صلی الله علی ابی نبیه و امینه و خیرته من الخلق و صفیه و السلام علیه و رحمة الله و برکاته

"ثم التفتت الی اهل المجلس و قالت"

3- فلسفه بعث پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی او است، خدا او را قبل از آن که بیافریند، انتخاب کرد، و پیش از آن که بفرستد، به نام نیکو، نامگذاری فرمود، و پیش از بعثت به پیامبری برگزید .

آن هنگام که هنوز مخلوقات در حجاب غیب پنهان بودند، و در تاریکی نیستی پوشانده و آثاری نداشتند .

انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس علم خدا به آینده‌ی امور، و احاطه و تسلط او به حوادث روزگاران، و شناخت خدا به سرنوشت هر چیزی بود

پیامبر را بر انگیزت، تا امر خود را تمام کند، و آنچه را که مقدر ساخته به انجام رساند

پیامبر دید که هر فرقه‌ای دینی دارد، و به روشنایی شعله‌ای روی آورده، و بتهای خود را پرستش نموده، و خدا را با آن که می‌شناختند، انکار کردند .

4- آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

پس خدای بزرگ، تاریکهای جاهلیت را به وسیله‌ی محمد صلی الله علیه و آله روشن ساخت، و مشکلات و تیرگی کفر را از قلبها زدود، و پرده‌ها از جلوی دیدگان برداشت

پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت در میان مردم بپا خواست، و آنان را از گمراهی نجات داد، و از کوری و کوردلی رهانید، و به سوی دین استوار الهی رهنمون شد، و همه را به راه راست فرا خواند،

تا روزی که خدا بر اساس رفت و رحمت خویش او را بنزد خود برد، که به دیدار او راغب و سزاوار بود .

پس رسول خدا، هم اکنون از رنج این دنیا راحت است، و گرداگرد او را فرشتگان گرفته‌اند، و در رضوان و خشنودی خدا غرق است، که در جوار رحمت ملک جبار، آرمیده است .

درد خدا بر پدرم که نبی و امین خدا بر وحی، و برگزیده‌ی او بود، سلام بر او و رحمت و برکات خدا بر او باد. سپس به مردم حاضر در مسجد نگریست و فرمود :

5- فضائل القرآن و العترة النبویة

انتم عباد الله نصب امره و نهیة و حملة دینه و وحیه، و امناء الله علی انفسکم و بلغائه الی الامم، زعیم حق له فیکم و عهد قدمه الیکم و بقیة استخلفها علیکم :

و معنا کتاب الله الناطق، و القرآن الصادق، و النور الساطع، و الضياء اللامع، بینة بصائره، منكشفة سراته، متجلية ظواهره، مغتبطة به اشياعه، قائد الى الرضوان اتباعه، مود الى النجاة استماعه، به تنال حجج الله المنورة و عزائمه المفسرة و محارمه المحذرة و بيناته الجالية و براهينه الكافية، و فضائله المندوبة، و رخصه الموهوبة و شرائعه المكتوبة .

6-فلسفه الاحكام و الامامة

فجعل الله الايمان تظهيرا لكم من الشرك، و الصلوة تنزيها لكم عن الكبر، و الزكاة تزكية للنفس و نماء في الرزق، و الصيام تثبيتا للاخلاص، و الحج تشييدا للدين، و العدل تنسيقا للقلوب، و طاعتنا نظاما للملة و امامتنا امانا للفرقة، و الجهاد عزا للاسلام، و الصبر معونة على استيجاب الاجر، و الامر بالمعروف مصلحة للعامة، و بر الوالدين وقاية من السخط و صلة الارحام منسأة في العمر و نماء للعدد، و القصاص حقا للدماء، و الوفاء بالندر تعريضا للمغفرة، و توفيه المكاتيل و الموازين تغييرا للبخس، و النهي عن شرب الخمر تنزيها عن

5-كويژگيهاي قرآن و عترت

شما ای بندگان خدا! که پرچمداران امر و نهی خداييد، و حاملان دين و وحی می‌باشيد، امانت داران حق، و رسانندگان آن به خلق هستيد، بدانيد که امام بحق، خود در میان شماست، و اطاعت او پيمانی است که از پيش با شما گرفته‌اند، و پس از پیامبر صلی الله عليه و آله جانشینی است که برای شما باقی مانده است

کتاب ناطق خدا با ما اهل بيت است، قرآن راستگو، نور فروزان و شعاع درخشان، که بيان و استدلالهای آن روشن، و اسرار و باطن آن آشکار است، ظاهر آن جلوه‌گر، و پيروان آن زبازد جهانيانند پيروی قرآن انسان را به بهشت می‌کشاند، سخن شنوی از آن، به نجات می‌انجامد، به وسیله قرآن به حجتهای نورانی خدا، و به واجبات تفسیر شده، و به محرمات نهی شده، و به استدلالهای جلوه‌گر، و به براهین کامل هدايتگر، و به فضائل پسندیده، و به مستحبات بخشوده، و به قوانين و آيين واجب شدهی پروردگار، می‌توان راه يافت .

6-فلسفه فروع دين و امامت

سپس ايمان را برای پاک کردن شما از شرک قرار داد، و نماز را برای شما از تکبر، و زکات را برای پاک کردن جان و فراوانی روزی، و روزه را برای تحقق اخلاص، و حج را برای تقويت دين، و عدل را برای استواری دلها، و اطاعت از اهل بيت را برای نظم يافتن ملت اسلام، و امامت ما را برای ايمن ماندن از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای به دست آوردن پاداش، و امر به معروف را برای مصالح اجتماعی عموم مردم، و نيکی به پدر و مادر را برای دوری از عذاب الهی، و صلهی ارحام را برای فزونی خويشاوند، و قصاص را برای حفظ خون انسانها، و وفای به نذر را برای آموزش الهی، و رعایت کيل و

وزن در معاملات را برای درمان کم فروشی، و نهی از شرايخواری را

الرجس، و اجتناب القذف حجابا عن اللعنة، و ترک السرقة ايجابا للعة، و حرم الله الشرك اخلاصا له بالربوبية

فاتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون آیه 102 آل عمران

و اطيعوا الله فيما امرکم به و نهاکم عنه فانه

(انما يخشى الله من عباده العلماء). آیه 28 سورهی فاطر

7-وجود النبي في سبيل الدعوة

ثم قالت: ايها الناس اعلموا اني فاطمة و ابي محمد صلی الله عليه و آله اقول عودا و بدؤا و لا اقول ما اقول غلطا، و لا افعل ما افعل شططا

(لقد جائکم رسول من انفسکم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم

بالمؤمنين رؤف رحيم) توبه آیهی 129

فان تعروه و تعرفوه تجدوه ابي دون نساکم و اخا ابن عمی دون رجالکم و لنعم المعزى اليه صلی الله عليه و آله فبلغ الرسالة، صادعا بالندارة، مانلا عن مدرجة المشركين، ضاربا بئجهم، اخذا باكظامهم، داعيا الى سبيل ربه بالحكمة و الموعظة الحسنه، يكسر الاصنام و ينكث الهام

حتى انهزم الجمع و ولوا الدبر، حتى تفرى الليل عن صبحه و اسفر الحق عن محضه و نطق زعيم الدين

برای پاکیزه ماندن از پليديها، و دوری از تهمت ناموسی را برای محفوظ ماندن از لعنت الهی، و ترک دزدی، برای تحقق عفت و پاکدامنی، و حرمت شرک را برای اخلاص در توحيد و بندگی، قرار داد .

(پس، از خدا آن گونه که شايسته است بترسيد، و از دنيا نرويد مگر آن که مسلمان باشيد)

خدا را در آنچه امر يا نهی کرده اطاعت نماييد، که همانا فقط دانشمندان از خدا می‌ترسند .

7-ره آورد بعثت پیامبر اسلام صلی الله عليه و آله

سپس فرمود :

ای مردم! بدانيد که من فاطمه هستم، و پدرم محمد است، آغاز و پايان سخن من بر حق است آنچه می‌گويم ناروا نيست، و آنچه انجام دهم بر ظلم و ناروا تکیه ندارد

(پيامبری از خود شما مردم برای هدايت شما آمد، که رنجهای شما بر او گران، و او بر شما اميدوار، و بر مؤمنان مهربان و رحمت‌آور بود)

اگر او را يشناسيد، می‌دانيد که پدر من است نه پدر زنان شما، و برادر پسر عموی من (علي بن ابي طالب) است، نه مردان شما، چه نيکو بزرگواری است که اين نسبت را به او دادم،

پيامبر صلی الله عليه و آله رسالت خود را به گوش مردم رساند، و آنان را از عذاب الهی ترساند، راه خود را از پرتگاه سقوط مشرکان گردانيد، شمشير بر فرق آنان نواخت، و گلوگاه آنان را فشرد، و با زبان حکمت و موعظه‌ی حسنه، مردم را به راه خدا دعوت کرد .

بتها را در هم شکست، سر شجاعان شرک را بر سنگ کوبيد، تا اجتماع مشرکان پراکنده و از ميدان گريختند، تا صبح صادق از دل شب تاریک بيرون زد، و چهره‌ی حق از نقاب در آمد و حق خالص جلوه گر شد، و زمامدار

و خرسث شقاشق الشياطين و طاح و شيط النفاق و انحلت عقد الكفر و الشقاق، و فهتم بكلمة الاخلاص في نفر من البيض الخماص .

8-الناس في الجاهلية

و كنتم على شفا حفرة من النار، مذقة الشارب و نهزة الطامع و قبسة العجلان و موطن الاقدام .

تشریون الطرق، و تقتانون الورق، اذلة خاسئين، تخافون ان يتخطفکم الناس من حولکم فانقذکم الله تبارک و تعالی بمحمد صلی الله عليه و آله بعد اللتيا و التی و بعد ان منی بيهم الرجال و ذؤبان العرب و مرده اهل الكتاب

9-فضائل اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام

كلما او قدوا نارا للحرب اطفاها الله او نجم قرن الشيطان او فغرت فاغرة من المشركين قذف اخاه في لهواتها فلا ينفکی حتى يطاصمها باخصمه و يخمد لهيها بسيفه، مکدودا في ذات الله، مجتهدا في امر الله، قريبا من رسول الله، سيدا في اولياء الله مشمرا، ناصحا، مجدا، كادحا، لا تاخذہ في الله لومة لائم

10-معارضو الامس و طلاب السلطة اليوم

و انتم في رفاهية من العيش و ادعون فاكهون آمنون، ترتبصون بنا الدوائر و تتوكلون الاخبار و تنكصون عند النزال و تفرون من القتال .

دين به سخن حق گویا شد، و عریده‌های شیطان خاموش، و طرفدارانشان لال شدند، و خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه، از هم گشوده شد، و دهانهای شما به کلمه‌ی اخلاص باز شد، به برکت گروهی از مجاهدان سپید روی نورانی که شکمهایشان از گرسنگی به پشت چسبیده بود .

8-مردم در عصر جاهليت

در هنگام بعثت، شما در عصر جاهلیت، بر کناره‌ی پرتگاهی از آتش بودید، چون جرعه‌ای آب، خوراک هر کس بودید و لقمه‌ی هر طمع کننده، آتش زنه‌ای بودید، که فوراً خاموش می‌شدید، لگدکوب هر رونده‌ای بودید، نوشیدنی شما، آب گندیده، و خوردنی شما، پوست جانور و مردار بود، خوار و ذلیل بودید، و رانده شده، و می‌ترسیدید که مهاجمان اطرافتان شما را بربایند، تا آن که خدای بزرگ با دست محمد صلی الله علیه و آله نجاتتان بخشید، پس از حوادث فراوانی که پدید آمد، و رنجها و بلاهای زیادی که از دست شجاعان شما، از گرگهای عرب، از سرکشان اهل کتاب، کشید .

9-ویژگیها و نقش امام علی علیه‌السلام در مبارزات رهایی بخش

هرگاه آتش جنگ بر افروختند، خدا خاموش کرد، یا هر هنگام که شاخ شیطان سر بر آورد، یا اژدهایی از مشرکین، دهان باز کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش علی بن ابی طالب علیه‌السلام را در کام اژدها و شعله‌های فتنه‌ها افکند، و علی هم باز نمی‌گشت، مگر آن که سر سرکشان را، پایمال شجاعت خود می‌گردانید، و آتش آنها را با آب شمشیرش خاموش می‌کرد .

علی! فرسوده از تلاش فراوان در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده، و تلاش کننده در راه خداست، که در راه خدا از سرزنش، سرزنش‌کنندگان پروایی نداشت .

10-نکوهش بی‌تفاوت‌های دپروز و تشنگان قدرت امروز

در حالی که شما! در خوشی زندگی می‌کردید، در امنیت و رفاه، خوش بودید، و منتظر فرصت بودید تا مگر روزگار بر ضد ما دگرگون شود، گوش به زنگ اخبار بودید، به هنگام کارزار فرار می‌کردید و عقب نشینی داشتید .

فلما اختار الله لنبيه دار انبيائه و ماوى اصفينائه ظهر فيكم حسيكة النفاق و سمل جلاباب الدين و نطق كاظم الغاوين و نبغ حامل الاقلين وهدر فنيق المبطلين فخطر فى عرصاتكم و اطلع الشيطان راسه من مغرزه هانفا بكم، فالفاكم لدعوته مستجيبين و للفره فيه ملاحظين

ثم استنهضكم فوجدكم خفافا و احمشكم فالفاكم غضايا، فو سمتم غير ابلکم و اوردم غير مشربکم

هذا! و العهد قريب و الکلم رحيب و الجرح لما يندمل و الرسول لما يقبر ابتدارا زعمتم خوف الفتنة

(الا فى الفتنة سقطوا و ان جهنم لمحيطه بالكافرين)

11-اعل انقلاب الرجعى على لعاقب

فهيها منكم؟ و كيف بكم؟

و انى توفكون؟ و كتاب الله بين اظهرکم، اموره ظاهره و احكامه زاهره و اعلامه باهره و زواجه لائحته و اوامره واضحه

و قد خلفتموه وراء ظهورکم، ارغبه عنه تريدون ام بغيره تحمكون؟ بئس للظالمين بدلا

(و من يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه و هو فى الآخرة من الخاسرين). آل عمران آیه 85

ثم لم تلبثوا الا ريث ان تسكن نفرتها و يسلس قيادها ثم اخذتم توروب و قدتها و تهيجون جمرتها و تستجيبون

و آنگاه که خدا، برای پیامبرش خانه پیامبران، و آرامگاه اولیاء را برگزید، خاروخاشاک نفاق در شما ظاهر شد، و جامه‌ی دین کهنه گردید، ساکت گمراهان، به سخن درآمد، و آدمه‌های پست و بی‌ارزش با قدر و منزلت شدند، و شتر ناز پرورده‌ی اهل باطل، به صدا در آمد، و وارد خانه‌های شما شد .

و شیطان سر خویش از مخفیگاه بدر آورد، شما را فرا خواند، دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید، برای فریب خوردن آمادگی دارید، خواست که بر ضد حق برخیزید، شما را آماده این کار یافت، و شما را گرم و آماده نمود، و دید که غضبناک شدید، پس بر غیر شتر خود، داغ و نشان زدید، و بر آبی که حق شما نبود فرود آمدید .

در حالی هنوز از عهد و قرار شما (بیعت در خم غدیر دو ماه قبل) چیزی نگذشته بود، و شکاف زخم عمیق بود، دهانه زخم هنوز بهم نیامده، بهبود نیافته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز دفن نشده بود که هر چه خواستید کردید. و بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیم

(اما در آتش فتنه سقوط کردید، و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد)

شما کجا؟ و فتنه خواباندن کجا؟ دروغ می‌گویید !

11-اعل انحراف مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله

چرا بیراهه می‌روید؟ در حالی کتاب خدا در میان شماست، مطالبش روشن است، و احکام آن درخشان، و نشانه‌های هدایت آن آشکار، و نهی و هشدارهای آن روشن، و اوامرش واضح است، اما شما به قرآن پشت کردید، و از آن روی گردان شدید، آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟

یا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ بد جایگزینی برای ستمگران است !

(و هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند از او پذیرفته نیست، و در آخرت از زبانکاران خواهد بود)

سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و مهار کردن آن آسان گردد. پس آتش گیره‌ها را بر افروختید، و به آتش فتنه‌ها دامن زدید، تا آن را شعله‌ور سازید، و به شیطان گمراه کننده، پاسخ مثبت دادید

لهتاف الشيطان الغوى و اطفاء انوار الدين الجلى و اهمال سنن النبى الصفى، تشریون حسوا فى ارتقاء و تمشون لاهله و ولده فى الخمر و الضراء و نصبر منكم على مثل حز المدى و وخز السنن فى الحشاء

12-اثبات الارث بالادله القرآنية

و انتم الان تزعمون ان لا ارث لنا فحكم الجاهلية تبغون

(و من احسن من الله حكما لقوم يوقنون) " مائده آیه 50 .

افلا تعلمون؟

بلى قد تجلى لكم كالشمس الضاحية انى ابنته !

ایها المسلمون! اغلب علی ارثی؟ یابن ابی قحافة افی کتاب الله ان ترث اباک و لا ارث ابی؟! لقد جئت شیئا فریا !

افعلی عمد ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهورکم؟ اذ يقول

(و ورث سليمان داود) " نمل آیه 16

و قال فیما اقتص من خبر یحیی بن زکریا اذ قال :

(فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب) " مریم آیه 6

و قال: و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فى کتاب الله. " - انفال آیه 75

و برای خاموش کردن نور اسلام آشکار، بسج گشتید، و به از بین بردن سنتهای پیامبر برگزیده، روی آوردید، و حرکت‌های منافقانه آغاز کردید، و برای نابودی اهل بیت او، در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید، و ما برابر مصیبت‌هایی که چونان خنجر بران، یا فرو رفتن سنان در شکم است، چاره‌ای جز صبر نداریم .

12-اثبات ارث با استدلالهای قرآنی

و شما امروز گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست !

ایا حکم عصر جاهلیت را می طلبید؟

(برای اهل یقین چه حکمی بالاتر و بهتر از حکم خداست؟)

ایا نمی دانید؟ در حالیکه برای شما مانند آفتاب درخشان، روشن است که من دختر پیامبرم

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند؟

ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ عجب بدعت تازه و زشتی آورده ای!

ایا آگاهانه و بعد، کتاب خدا را ترک کرده به آن پشت کرده اید؟

زیرا قرآن می گوید:

(سلیمان از داوود پیامبر ارث برد)

و در آیهی دیگر، آنجا که داستان زکریا را بیان می کند می گوید:

زکریا عرض کرد:

(پروردگارا! مرا فرزندی عنایت فرما، تا از من و آل یعقوب ارث برد)

و فرمود:

(خویشاوندان رحمی اولی، به یکدیگرند).

و قال: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین. "نساء آیه 11

و قال: ان ترک خیرا الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین. " - بقره 180

و زعمتم ان لا حظوه لی و لا ارث من ابی و لا رحم بیننا؟!!

افخصکم الله بایة اخرج منها ابی؟

ام هل تقولون اهل ملتین لا یتوارثان؟

او لست انا و ابی من اهل مله واحده؟

ام انتم اعلم بخصوص القران

و عمومه من ابی و ابن عمی؟

فدونکها مخطومه مرحوله تلاقک یوم حشرک، فنعم الحکم الله و الزعم محمد و الموعد القیامه، و عند الساعه یخسر المبطلون و لا ینفعکم اذ تندمون و (لکل نباء مستقر و سوف تعلمون " انعام آیه 67".

من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم)

ثم رمت بطرفها نحو الانصار فقالت:

13- توبیخ الانصار علی خذلانهم

یا معشر الفتیة و اعضاء الملئ و حضنة الاسلام! ما هذه الغمیزة فی حقی و السنه عن ظلامتی؟

اما کان رسول الله صلی الله علیه و آله ابی یقول (المرء یحفظ فی ولده)

و فرمود:

(خدای تعالی به شما درباره ی اولاد، وصیت می کند، که برای پسر دو برابر بهره ی دختر است.)

و فرمود:

(هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، وصیت کنید برای پدر و مادر و نزدیکان، که حکمی است حق برای پرهیزکاران.)

شما گمان کرده اید که بهره ای ندارم و از پدرم، پیامبر صلی الله علیه و آله ارث نمی برم؟

ایا خدا شما را مخصوص آیه ای فرمود که پدرم را از آن بیرون کرده؟ یا آن که می گوید اهل دو کیش از یکدیگر ارث نمی برند؟

و یا من و پدرم را اهل یک دین و آیین نمی دانید؟

یا آن که شما به آیات خاص و عام قرآن، از پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله و پسر عموی من، علی بن ابیطالب دانایید؟

بابکر! اینک این تو و این شتر خلافت، شتری مهار زده، و رحل نهاده، برگیر و ببر، باتو در روز قیامت، ملاقات خواهد کرد

چه نیکو داری است خدا، و نیکو دادخواهی است محمد صلی الله علیه و آله و چه خوش وعده گاهی است قیامت!!

در آن روز اهل باطل زیان می برند، آنگاه دیگر پشیمانی سودی ندارد

(و برای هر خبری، قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوار کننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاویدان چه کسی را در بر خواهد گرفت)

آنگاه رو به سوی انصار کرده چنین گفت

13- نکوهش از سستی انصار

ای انجمن نقیاء و مؤمنین! ای بازوان ملت! ای حافظان اسلام! این غفلت و سستی چیست که در حق من روا می دارید؟ و چرا برابر دادخواهی من سهل انگارید؟

ایا پدرم رسول خدا نمی فرمود:

باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود؟

سرعان ما احدثتم و عجلان ذا اهاله و لکم طاقه بما احوال و قوه علی ما اطلب و ازاول

تقولون مات محمد صلی الله علیه و آله؟

فخطب جلیل استوسع وهیه واستنهر فتقه و انفتق رتقه، اظلمت الارض لغیبتة و کسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم لمصیبتة و اکدت الامل و خشعت الجبال و اضیع الحریم و ازیلت الحرمة عند مماتہ،

فتلک و الله النازلة الكبرى و المصیبة العظمی لا مثلها نازلة و لا بائقة عاجلة

اعلن بها کتاب الله جل ثنائه فی افینتکم و فی مماسکم و مصبحکم، یهتف فی افینتکم هتافا و صراخا و تلاوة و الحانا و لقبه ما حل بانبیاء الله و رسله،

حکم فصل و قضاء حتم

(و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین). " آل عمران 144

14- ادعوه الناس الی انصافها

ایها بنی قیلئ اهاضم تراث ابی؟

و انتم بمرای منی و مسمع و منتدی و مجمع
تلبسکم الدعوة و تشملکم الخبیره و انتم ذو و العدد

با چه سرعتی دچار اعمال ناپسند شدید! و چقدر زود، آب از دهان و دماغ بز لاغر فرو ریخت؟ «دچار غفلت شدید» در حالی که شما انجمن انصار، توان گرفتن حق ما را دارید، و نیروی کافی برای حمایت
من در دادخواهی وجود دارد. آیا می‌گویید: محمد صلی الله علیه و آله مرد!

آری وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مصیبتی بزرگ است، مصیبتی در نهایت بزرگی و وسعت، که شکاف زخم آن بسی فراخ است، و زخمهای گذشته دل را دوباره باز کرد، و زمین با غیبت او تاریک شد،
و ستارگان بی‌فروغ شدند، و آرزوها به ناامیدی گرایید، و کوهها از جای خود فرو ریخت، و حرمت اهل پیامبر صلی الله علیه و آله ضایع شد .
آری، پس از مرگ، احترامی برای کسی باقی نمی‌ماند .

پس این مصیبت، بس بزرگ بود، و همانند نداشت، که هیچ بلایی به پایهی آن نمی‌رسد، و این را کتاب خدا آشکارا تذکر داد، همان کتابی که در خانه‌هایتان و در مجالس روز و شب شما، آرام و با صدا،
با قرائت و لحن زیبا، آن را می‌خوانید
این مصیبت، پیش از این به دیگر پیامبران آسمانی نیز وارد آمد، حکم حتمی خدا، و قضای قطعی الهی است (که فرمود)

"محمد صلی الله علیه و آله نیست مگر پیامبری که پیش از وی پیامبران دیگری در گذشتند، پس اگر او بمیرد، و یا کشته شود، به عقب برمیگردید؟ و آن کس که به عقب برگردد، بخدا زیانی نمی‌رساند
و خدا شکر کنندگان را پاداش خواهد داد"

14- دادخواهی از مسلمین

آوه! پسران قبیله! " . قبیله مادر بزرگ اوس و خزرج بود

پیش چشم ما میراث پدرم را ببرند، و حرمت نگه ندارند
در حالی که دارای انجمن و اجتماعید .

صدای دعوت مرا همگان می‌شنوید، و از حال من از هر جهت آگاهید، و دارای نفرت رزمی و ذخیره‌اید، دارای ابزار جنگی و قوه‌اید

و العدة والاداة و القوة و عندکم السلاح و الجنة

توایفکم الدعوة فلا تجیبون و تاتیکم الصرخة فلا تیشون و انتم موصوفون بالکفاح، معروفون بالخیر و الصلاح، و النخبة التي انتخبت و الخيرة التي اختيرت لنا اهل البيت

قاتلتم العرب و تحملتم الکد و التعب و ناطحتم المم و کافحتم البهيم، لا نبرح او تبرحون، نامرکم فتاتمرون

حتی اذا دارت بنا رحی الاسلام و در حلب الايام و خضعت نعمة الشرك و سکنت فورة الافک و خدمت نيران الکفر و هدات دعوة الهرج و استوسق نظام الدين

فانی حرتم بعد البیان و اسرتم بعد الاعلان و نکستم بعد الاقدام و اشركتم بعد الايمان؟

(الا تقاتلون قوما نکتوا ایمانهم من بعد عهدهم و هموا باخراج الرسول و هم بدعوا کم اول مرة اتخسونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنين.) " توبه آیه 13

15- اسباب تساهل الناس فی نصرها

الا وقد اری ان قد اخلدتم الی الخفض و ابعدمتم من هو احق بالسط و القبض و خلوتم بالذعة و نجومتم من الضیق بالسعة فمجتتم ما وعیتم و دسعتم الذی تسوغتم

(فان تکفروا انتم و من فی الارض جميعا فان الله لغنی حمید). " . "ابراهیم آیه 8

نوع اسلحه و زره و سپر، نزد شماست، صدای دعوت من به شما می‌رسد، ولی جواب نمی‌دهید؟! و ناله‌ی فریاد خواهی من به گوشتان می‌رسد، ولی مرا باری نمی‌کنید!

و حال آن که به شجاعت و جنگاوری معروفید، و به خیر و صلاح مشهور. شما برگزیدگانی بودید که انتخاب می‌شدید، و انتخاب شوندگانی که برگزیده شدید. با عرب و بت‌پرستان در افتادید و تحمل رنج
و زحمت نمودید، با امتهای سرکش، به رزم پرداختید، و با پهلوانان به نبرد برخاستید .

همواره ما فرمانده بودیم شما فرمانبر، ما امر می‌کردیم و شما تسلیم اوامر ما بودید، تا اسباب اسلام به گردش افتاد و پستان روزگار به شیر آمد و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شد، و دیگهای طمع و تهمت
از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش گشت، و نداهای هرج و مرج طلب ساکت شد، و نظام دین استوار گردید .

پس چرا امروز بعد از اقرار و اعتراف، سرگردان شدید؟ و پس از آشکار کردن عقیده، امروز پنهانکاری دارید؟ و بعد از آن پیشگامی، به عقب بر می‌گردید؟ و بعد از ایمان، شرک آوردید؟

"ایا نمی‌جنگید با گروهی که عهد شکستند؟ و خواستند رسول خدا را اخراج کنند با آنکه آنها آغازگر جنگ بودند، آیا از آنان می‌ترسید؟ در حالی که سزاوار است که از او بترسید اگر مؤمنید"

15- علل سستی مردم

اما جز این نیست که به تن آسایی خو کرده‌اید، امام واقعی خود را از زمامداری دور کرده‌اید، با رفاه و آسایش خلوت کرده‌اید، از سختی زندگی به راحتی و خوشگذرانی رسیده‌اید، به همین سبب آنچه
را که حفظ کرده بودید، از دست دادید، و آنچه را که فرو بردید. استفراغ کردید پس بدانید!

(اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای تعالی بی‌نیاز از همگان است)

الا و قد قلت ما قلت علی معرفة منی بالخذلة التي خامرتمک و العذرة التي استشعرتها قلوبکم

و لكنها فیضة النفس و نفثة الغیظ و خور القنائة و بثة الصدر و تقدمة الحجة .

فدونکموها فاحتقبوها دبرة الظهر، نقبة الخف، باقیة العار، موسومة بغضب الجبار و سناز الابد، موصولة بنار الله الموقدة التي تطلع علی الافئدة، فبعین الله ما تفعلون

(و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) " . الشعراء آیه 227

و انا ابنة نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

فاعملوا انا عاملون و انتظروا انا منتظرون

فقال ابابکر سمعت رسول الله یقول: نحن معاشر الانبياء لا نورث درهما و لا دینارا

16- علل انصراف الناس عن حکم القرآن

فقال: سبحان الله! ما کان رسول الله صلی الله علیه و آله عن الکتاب صادفا و لا لاحکامه مخالفا بل کان یتبع اثره و یقفو سورة افتجمعون الی الغدر اعتلالا علیه بالزور؟

و هذا بعد وفاته شبيه بما بعی له من العوائل فی حیاته

هذا کتاب الله حکما عدلا و ناطقا فضلا یقول :

برئنی و یرث من آل یعقوب " . "مریم آیه 6

بدانید! آنچه را که من گفتم از روی آگاهی کامل بود، از سستی شما، و هماهنگ شدن قلبهایتان با بی‌وفائی، و خیانت شما آگاهم

چه کنم، اینها جوشش دل اندوهگین است، و راه بیرون ریختن خشم و غضب، و آنچه را که جانم نمی‌تواند تحمل کند از سینه بیرون ریختم، و حجت و برهان را از این راه در پیش روی شما قرار دادم .
پس خلافت را بگیرید و بروید، ولی بدانید پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن تاول زده، عار و ننگ آن باقی است، و نشان از غضب خدا دارد، و ننگ ابدی و جاویدان، و هر کس که آن را بگیرد،

فردا به آتش بر افروخته خدا، که بر قلبها احاطه دارد، وارد می‌شود .

آنچه انجام می‌دهید برابر چشم خداست

و بزودی آنان که ستم کردند، خواهند دانست که به کدام جایگاه آتشینی باز می‌گردند .

مردم! من دختر آن کس هستم که شما را از عذاب جهنم که در پیش روی ماست، خبر داد

پس هر چه می‌توانید انجام دهید، ما هم به دنبال کار خود می‌رویم، شما منتظر بمانید، که ما هم منتظر خواهیم ماند

ابابکر گفت از پیامبر شنیدم که می‌فرمود :

ما گروه پیامبران درهم و دینار به ارث نمی‌گذاریم !

حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد :

16- اعلل روی گردانی مردم از قرآن

سیحان الله! در شگفتی از این تهمت! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کتاب خدا رویگردان نبوده، و مخالف احکام قرآن کریم نبوده، همواره پیرو قرآن بود، و دنبال سوره‌ها و آیات آن می‌رفت

ایا برای توطئه اجتماع کرده و به نیرنگ و دروغ می‌خواهید به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دروغ و بهتان بندید؟ این کار شما پس از وفات او، مانند فتنه‌هایی است که در زمان حیاتش برای نابودی

او به وجود می‌آوردید .

شما که می‌گویید پیغمبر ارث نمی‌گذارد، اینک این کتاب خدا، بین من و شما داوری عادل، و گوینده و جدا کننده‌ی حق و باطل، است که می‌گوید .

زکریای پیامبر به خدا فرمود :

"فرزندی به من عطا فرما که از من و آل یعقوب ارث برد"

و ورت سلیمان داود " نمل آیهی 16 . "

فبین عز و جل فیما وزع علیه من الاقساط و شرع من الفرائض و المیراث و اباح من حظ الذکران و الاناث ما ازاح عله المبطلين و ازال التظنی

و الشبهات فی الغابین :

(کلا بل سولت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون) " . یوسف 18

فقال ابابکر: الناس حکم بینی و بینک، و انهم باعونی

17- اسباب اسراع الناس الی الباطل

معاشر الناس! المسرعۃ الی قیل الباطل المغضیۃ علی الفعل القبیح الخاسر

(افلا تتدبرون القران ام علی قلوب اقفالها)

کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم فاخذ

بسمعکم و ابصارکم و لبئس ما تاولتم و ساء ما به اشترتم و شر ما منه اعتضتم

لتجدن و الله محمله ثقیلا و غیه و بیلا اذا کشف لکم الغطاء و بان ما ورائه الضراء و بدالکم من ربکم ما لم تکنوا تحتسیون

و خسر هنا لک المبطلون. " غافر آیه 78

و باز در آیه دیگری می‌فرماید :

"سلیمان پیغمبر از داود علیه‌السلام ارث برد"

خداوند متعال در تقسیم سهمیه‌ها بیان روشنی دارد، و واجبات و سهم ارث هر یک از افراد را مشخص کرده است، و سهم ارث فرزندان دختر و پسر را به گونه‌ای توضیح داد که بهانه‌های اهل باطل را بر

طرف کرد، و مجال گمان و شک و تردید، تا قیامت برای هیچ فردی باقی نگذاشت .

چنین نیست که شما می‌گویید،

(بلکه نفسهای اماره‌ی شما، کاری را برای شما جلوه داده است، پس من چاره‌ای جز صبر نیکو ندارم، و از خداوند یاری می‌طلبم بر آنچه شما توصیف می‌کنید)

ابابکر برای ساکت کردن مردم گفت :

(ای دختر پیامبر این مردم بین من و شما داوری خواهند کرد که با من بیعت کرده‌اند)

پس از اظهار نظر مجدد ابابکر و عوام فریبی او، خطاب به مردم فرمود

17- اعلل سیر ارتجاعی مردم

ای گروه مردم! که به سوی شنیدن حرفهای بیپوده شتاب می‌کنید، و کردار زشت زینبار را نادیده می‌گیرید

ایا در قرآن اندیشه نمی‌کنید؟ یا آن که بر دلهای شما مهر زده شد؟

نه، بلکه آنچه از اعمال زشتی که انجام داده‌اید

(تیرگی آن دلهای شما را فرا گرفته است، و گوشها و چشمهایتان را پر کرده است)

بسیار بد به تاویل آیات قرآن روی آوردید، و بد راهی را پیشنهاد کردید، و بد معاملهای انجام داده‌اید !

به خدا سوگند، تحمل این بار برای شما سنگین و سرانجام آن بر از وزر و وبال است، آن روزی که پرده‌ها برای شما بالا رود، و زبان آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید بر شما آشکار گردد،

انگاه روشن می‌شود که اهل باطل زینکارند، و چاره‌ای نخواهند داشت.

خطبه‌ی دوم سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار

در روزهای سخت بیماری فاطمه‌ی علیهاالسلام، زنان مهاجرین و انصار به عیادتش رفتند و عرض کردند، ای دختر پیغمبر، چگونه صبح کردی، با بیماری چه می‌کنی؟

حضرت زهرا علیهاالسلام پس از حمد خدا و درود بر پدرش فرمود :

حدیث 58

1- توبیخ الناس علی الانقلاب الرجعی

قالت: اصیحت و الله عائفۃ لدنیا کن، قالیه لرجالکن، لفظتہم بعد ان عجمتہم و شنتتہم بعد ان سبرتہم

فقبحا لفلول الحد و اللب بعد الحد و قرع الصفاۃ و صدع القنأۃ و خطل الاراء و زلل الالهواء :

و بنس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون " .مائده 80

لا جرم لقد قلدتہم ربقتہا و حملتہم اوقتها و شنتت علیهم غاراتہا، فجدا و عقرا و بعدا للقوم الظالمین .

2- اسباب مظلومیة امیرالمؤمنین علی علیه السلام

و یجهم انی زعزعوها عن رواسی الرسالۃ و قواعد النبوة و الدلالة و مهبط الروح الامین و الطیبین بامور الدنیا و الدین؟
الا ذلك هو الخسران المبین !

و ما الذی نعموا من ابی الحسن؟

نعموا منه و الله تکبیر سیفه و قله مبالاته لحتفه و شدة و طاته و نکال وقعته و تمره فی ذات الله .

3- خصائص حکومت الامام علی علیه السلام

و تالله لو مالوا عن المحجة اللائحة و تکافوا عن زمام نبذه الیه رسول الله و زالوا عن قبول الحججة الواضحة

ترجمه خطبه‌ی دوم

1- نکوهش مردم از سیر ارتجاعی

صبح کردم در حالی که بخدا سوگند دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما خشمناک و بیزارم، درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش بدور افکندم، از آن چه کرده‌اند، ناخشنودم

چه زشت است کندهی شمشیرها

و سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آنچه تلاش و کوشش‌ها چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف برداشتن نیزه‌ها و فساد آراء و اندیشه‌ها و انحراف آرمان و انگیزه‌ها

(برای خویشتن چه بد ذخیره‌هایی تدارک دیدند و پیش فرستادند که خداوند بر آنان خشم می‌گیرد و در عذاب الهی جاودانه خواهند بود)

زیرا بدون تردید مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی در گردنشان همواره سنگینی خواهد نمود ناچار کار را بدانها واگذار و ننگ عدالت کشی را برایشان بار کردم

نفرین بر این مکاران، و دور از رحمت حق باشند ستمکاران .

2- علل مظلومیت امام علی علیه السلام

وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ (از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد به خانه دیگر بردند .

و حق را از دست علی، که عالم به امور دین و دنیاست گرفتند)

(بدانید که این زیانی بزرگ و آشکار است)

چه باعث شد که با علی علیه‌السلام کینه توری نمایند و انتقام گیرند؟

چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی‌اعتنا بود

دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد و آنان را عقوبت می‌کند و خشم علی علیه‌السلام در راه (رضای) خداست

3- تویذگیهای حکومت امام علی علیه‌السلام

بخدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند، و علی علیه‌السلام را بر کاری که پیغمبر صلی الله علیه و آله به عهده او نهاد می‌گذارند

لردهم الیها و حملهم علیها و لسا ربهم سیرا سجحا، لا یکلم خشاشة و لا یکلم سائره و لا یکلم راکبه و لاوردهم منهلا نمیرا صافیا رویا، تطفح صفتا و لا یترنق جانباه، و لاصدرهم بطانا

و نصح لهم سرا و اعلانا، و لم یکن یحلی من الغنی بطائل و لا یحظی من الدنیا بنائل غیر ری الناهل و شبعة الکافل، و لبان لهم الزاهد من الراغب و الصادق من الکاذب

«و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون». " . "اعراف 96 «و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سینات ما کسبوا و ما هم

بمعجزین». * * * زینبیس = زمر 51

4- توبیخ المهاجرین و الانصار علی انحرافهم

الا لهم فاستمع و ما عشت اراک الدهر عجبا !

و ان تعجب فعجب قولهم! " . - رعد 5

لیت شعری الی ای سناد استندوا؟ و علی ای عماد اعتمدوا؟ و بای عروه تمسکوا؟ و علی ایة ذریة اقدموا و احتنکوا؟ :

لیس المولی و لیس العشیر (و بس للظالمین بدلا) " . "کهف 50

استبدلوا و الله الذنابی بالقوادم و العجز بالکاهل، فرغما لمعاطس قوم

آسان ایشان را به راه راست می‌برد، و حق هر یک را به او می‌سپرد چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوهی آنچه کشته است، بچیند

این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج آور نبود

تشنگان عدالت را از چشمه‌ی سراسر و زلال حقیقت سیراب می‌کرد «چشمه‌ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است» که هرگز رنگ کدورت نپذیرد و همواره سیراب بوده رنج تشنگی نبینند

علی علیه‌السلام همواره در پنهان و آشکار نصیحت کننده‌ی مردم بود و اگر بخلافت میرسید از اموال بیت‌المال برای خود ذخیره نمی‌نمود و از ثروت دنیا جز باندازه نیاز برداشت نمی‌کرد، باندازه آب اندکی

که عطش را فرو نماند و طعام مختصری که رفع گرسنگی نماید

در آن هنگام زاهد از حریص به دنیا و راستگو از دروغگو باز شناسانده می‌شد

(اگر مردم چنین می‌کردند، ایمان آورده و تقوی پیشه شده، حق را به امام واقعی می‌سپردند درهای رحمت از آسمان و زمین بروی آنان می‌گشود، اما دروغ گفتند و بزودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان

را عذاب خواهد فرمود)

4- نکوهش از انحراف مهاجرین و انصار

اکنون بیایید و بشنوید !:

شگفتا! روزگار چه شگفتی‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری بیرون می‌آورد .

(اگر تعجب نمائی! پس گفته‌های آنان تعجب‌آور است)

راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟

و کدام ستون استوار را انتخاب نمودند؟ و به کدامین ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفتند و غلبه نمودند؟

شگفتا !

(چه دوستان دروغین و سرپرستان نااهلی را انتخاب کردند! و چه زشت است سرانجام ستمکاران که جایگزین بدی برگزیدند)

سر را گذاشته به دم چسبیدند، پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند !

یحسبون انهم یحسونون صنعا! الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون " . "بقره آیه 12 و 104 کهف

و یجهم :

افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع ام من لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون؟ " .يونس 35

-التحذير من المستقبل الدامي

اما لعمرى لقد لقت فنظرة ريثما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عبيطا و ذعافا مبيدا

هنا لك يخسر المبطون و يعرف التالون غب ما اسس الاولون

ثم طيبوا عن دنياكم انفسا و اطمانوا للفتنة جاشا، و ابشروا بسيف صارم و سطوة معتد غاشم و هرج شامل و استبداد من الظالمين

يدع فينكم زهيدا و جمعكم حصيدا. فيا حسرة لكم و انى بكم و قد :

عميت عليكم انلزمكموها و انتم لها كارهون " سورهى هود آيه 28

(نفرين بر مردمى نادان كه تبهكارند و تبهكارى خود را نيكوكارى مى پندارند. بدانيد كه آنان فاسدند و بفساد خویش آگاهی ندارند) .

واى بر آنان !

(آيا آن كه مردم را به راه راست مى خواند، سزاوار پيروى است يا آن كه خود، راه را نمى داند؟ در اين باره چگونه داورى مى كنيد؟)

-گهشدار از آینده‌ای خونین

اما بجان خودم سوگند. نطفه‌ی فساد بسته شد. باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای در آورد

پس از اين از پستان شتر بجای شیر، خون بدوشید و زهرى كه به سرعت هلاک کننده است

(اینجاست كه روندگان راه باطل زبان كننده‌اند)

و مسلمانان آینده خواهند دانست كه سرانجام اعمال مسلمانان صدر اسلام چه بوده است؟

از اين پس، قلب‌های خود را از بروز آشوبها مطمئن نماييد .

بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله‌ها و تهاجمات پی در پی، و بهم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد و دیکتاتوری ستمگران آنها كه غنائم و حقوق شما را اندك پرداخت

می کنند

و جمع شما را با شمشیرهای خود درو می‌نمایند

پس حسرت و اندوه بر شما! کارتان بکجا خواهد انجامید؟

(دریغ! كه دیده‌ی حقیقت بین ندارید، بر ما هم تاوانی نیست و نمى توانیم شما را به كارى كه كراهت دارید! الزام كنیم)

سخنرانی در میان جمعی كوچه و بازار

دفاع از ولایت امام علی علیه‌السلام و افشگری لازم در مورد سیر ارتجاعی مردم

آنگاه كه كودتاگران سقیفه تصمیم گرفتند به خانه ولایت تهاجم كنند و فریب‌خوردگان نزدیک خانه حضرت علی علیه‌السلام گرد آمده و تسلیم توطئه‌ها بودند، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از

خانه بیرون آمد و در کنار در ورودی منزل ایستاد و خطاب به مردم كوچه و بازار فرمود :

حدیث 59

قالت: لا عهد لی بقوم حضروا اسوء محضرا منكم، تركتم رسول الله صلی الله علیه و آله جنازة بین ایدینا و قطعتم امرکم فیما بینکم، لم تستامرونا و لم تردوا لنا حقا کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم، و

الله لقد عقد له علی علیه‌السلام یومئذ الولاة ليقطع منكم بذالك منها الرجاء، و لكنکم قطعتم الاسباب بینکم و بین نبیکم، و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنيا و الاخرة

(من ملتی را مثل شما نمی‌شناسم كه اینگونه عهد شکن و بد برخورد باشند، جنازه‌ی رسول خدا را بر روی دست ما گذاشته و رها کردید، و عهد و پیمانهای میانتان را بریدید و فراموش نمودید، و ولایت

و رهبری امام علی علیه‌السلام و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلم ما را باز نگردانیدید، گویا از آن چه رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟

سوگند بخدا كه رسول گرامی اسلام در آن روز ولایت و رهبری امام علی علیه‌السلام را مطرح كرد و از مردم بیعت گرفت، تا امید شما فرصت طلبان تشنه‌ی قدرت را قطع نماید، ولی شما رشته‌های پیوند

معنوی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و خودتان را پاره کردید. این را بدانید كه خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد كرد . "

سخنرانی در نكوهش پیمان شکنان

در نكوهش پیمان شکنان و مردم بی‌تفاوت و ساکت فرمود :

حدیث 60

قالت: معاشر الناس المسرعة الى القیل الباطل، المغضیة علی الفعل القبیح الخاسر

«افلا تتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها»، محمد - 24 کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم فاخذ بسمعکم و ابصارکم و لبس ما تاولتم و ساء ما به اشرتم و شر ما منه اعتصبتم

لتجدن و الله محمله ثقیلا و غبه و بیلا اذا كشف لكم الغطاء و بان ما وراء الضراء و بدالکم من ربکم ما لم تکنوا تحتسبون

«و خسر هنا لك المبطون». غافر - 78

(ای مردم! كه به سوی سخن باطل شتابانید، و اعمال زشت و زیانکارانه‌ی (اینها) را نادیده می‌گیرید

ایا در قرآن تدبر و تامل نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هاتان مهر و قفل زده شده است «كه سخن حق را نمی‌شنوید»؟

نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شما است كه پرده بر دل‌هاتان کشیده و گوشه‌ها و چشم‌های شما را گرفته است! و چه بد تاویل و تفسیری «از دین و ائین کردید!» «و چه بد نظریه و رای‌ی دادید «كه حق را

از اهلش گرفتید و بدست ناهلان دادید» و چه بد

«گناه و ستمی» را «كه کردید» گران خواهید یافت و سرانجامش را سخت و دشوار. در آن روز كه پرده از كار شما برداشته شود، و کیفری كه در انتظار شماست، آشكار گردد و عذابی را كه خدای تعالی

برای شما آماده کرده كه گمان آنرا نداشته‌اید، بر شما نمایان گردد، و در آن روز است كه اهل باطل دچار زبان و خسران می‌گردند)

خطبه‌ی پنجم

د- دفاع و مبارزه حدیث 64

از خود گذشتگی و ایثار فاطمه

مهمان نوازی فاطمه

مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه بپا خاست و گفت، ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا مهمان کنید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می‌کند؟ حضرت علی علیه‌السلام فرمود، من یا رسول الله! کمی بعد وارد منزل شد و از فاطمه‌ی زهرا علیه‌السلام پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمان گرسنه آورده‌ام. حضرت زهرا علیه‌السلام این‌تر گرانه فرمود:

حدیث 61

فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قَوْتُ الصَّبِيَّةِ وَ لَكِنَّا نُؤْتِرُ بِهٖ ضَيْفَنَا
(در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختر بچه
اما امشب این‌تر می‌نماییم و گرسنگی را تحمل می‌کنیم
و همین مقدار غذا را به مهمان می‌بخشیم.)

از خود گذشتگی و این‌تر فاطمه
عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله
باصحاب خود نگریست .
سلمان فارسی برخاست
تا نیاز آن بیچاره را بر طرف سازد
هر جا رفت با دست خالی برگشت .
با ناامیدی به طرف مسجد می‌آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیه‌السلام افتاد، با خود گفت :
فاطمه علیه‌السلام سر چشمه‌ی نیکوکاری است
درب خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد .
حضرت زهرا علیه‌السلام فرمود :

حدیث 62

قَالَتْ: يَا سَلْمَانَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا اِنَّ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعَمْنَا وَ اِنَّ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ قَدْ اضْطَرَبَا عَلٰى مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ، ثُمَّ رَقَدَا كَانَهُمَا فَرَّخَانَ مَنُوتَفَانَ وَ لَكِنْ لَا اُرِدُ الْخَيْرَ اِذَا نَزَلَ الْخَيْرُ بِيَابِي .
ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده‌ایم، و فرزندانم حسن و حسین علیه‌السلام از شدت گرسنگی بی‌قراری میکردند
و خسته و مانده به خواب رفته‌اند .
اما من، نیکی و نیکوکاری را که در خانه‌ی مرا کوبیده است، رد نمی‌کنم
آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه‌ی شمعون یهودی، گرو گذاشته، مقداری خرما و جو، قرض بگیرد .
سلمان فارسی می‌گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه علیه‌السلام آمده و گفتم: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه‌ات بردار پاسخ داد :

حدیث 63

قَالَتْ: يَا سَلْمَانَ هَذَا شَيْءٌ اَمْضِيْنَاهُ لَلَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ لِسْنَا نَاخِذُ مِنْهُ شَيْئًا
(ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی برنمی‌داریم).

خوشروئی

ر- روابط اجتماعی، حدیث 84

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «د» شروع می شود

دعوت مردم به قیام

دفاع و مبارزه

دعا و نیایش

دنیا و دنیازدگی

دعوت مردم به قیام

م- مبارزات سیاسی و- وصیت‌های سیاسی و د- دفاع

دفاع و مبارزه حضرت فاطمه

دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین
پس از ماجرای سقیفه، و سرپیچی عده‌ای از بیعت با ابوبکر، برای آن که به خیال خودشان مرکز تجمع مخالفان را مورد تهدید قرار دهند، به خانه امام یورش آوردند، عمر و قنقد، و طرفداران آنها تهدید کردند، اگر امام علی علیه‌السلام برای بیعت به مسجد بیرون نیاید، خانه را آتش می‌زنیم!!
حضرت زهرا علیه‌السلام در دفاع از امام، در برابر مهاجمان فرمود :

حدیث 64

قَالَتْ: اِيْهَا الضَّالُّوْنَ الْمَكْذُوْبُوْنَ مَاذَا تَقُوْلُوْنَ؟ وَ اِيْ شَيْءٍ تَرِيْدُوْنَ؟

یا عمر اما تتقی الله؟ تدخل علی بیٹی؟ ابھڑک الشیطان تخوفنی؟ و کان حزب الشیطان ضعیفا
و یحک! ما هذه الجراة علی الله و علی رسوله؟ ترید ان تقطع نسله من الدنیا و تفتنیه و تطفیء نور الله؟ «و الله متم نوره» صف - 8 و انتھاره لها
طغیانک یا عمر اخرجنی، و الزمک الحجة و کل ضال غوی
اما و الله یابن الخطاب لو لا انی اکره ان یتصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی ساقسم علی الله ثم اجدہ سریع الاجابة
یا ابتاه یا رسول الله هكذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک؟
آه یا فضة الیک فخذینی فقد و الله قتل ما فی احشائی من حمل
شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می گوئید و چه می خواهید؟
ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟ این گونه می خواهی وارد خانه من شوی؟
آیا با حزبت که حزب شیطان است، مرا می ترسانی در حالی که حزب شیطان ناتوان است!
وای بر تو! این چه جرات و جسارتی است که بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او داری؟ آیا می خواهی دودمان پیامبر را نابود کنی؟ و نور خدا را خاموش؟ آگاه باش که خداوند نور خود را فروزان و
جاودانه نگه می دارد .

از شرکت و حضور در میان نامحرمان پرهیز داشتیم، اما تهاجم و طغیان تو مرا از خانه بیرون کشید و حجت را بر تو و بر دیگر گمراهان تمام کرد .
سوگند بخدا، چون کراهت دارم که بی گناهان دچار بلا و گرفتاری شوند، دست از نفرین بر می دارم .
اگر چنین نبود، می دانستی که سوگند و نفرین من به سرعت تحقق می یافت و عذاب خدا فرو می بارید.
پس از کوبیده شدن بین در و دیوار و به شهادت رسیدن حضرت محسن علیه السلام فرمود :
ای پدر! رسول خدا! بنگر که با دختر مورد علاقه ی تو چنین رفتار می شود :
آه ای فضا بیا و مرا دریاب. سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتیم، کشته شد.

دفاع و افشاگری در برابر مهاجمان به منزل امام علی

افشاگری توطئه ها

در آن هنگام که عمر با گروهی به منزل امام علی علیه السلام یورش آوردند، و با تهدیدهای پیاپی نتوانستند در خانه را بگشایند، به دستور عمر هیزم آورده و درب منزل را به آتش کشیدند، حضرت زهرا
علیها السلام برای دفاع از ولایت و حرمت حریم امامت، در برابر ستونی از دود و شعله های آتش به پیش رفت و فرمود :

حدیث 65

قالت: یابن الخطاب اتراک محرقا علی بایی؟ اجئت لتحرق دارنا؟ اتحرق علیا و ولدی؟
ای پسر خطاب! آیا تو را می بینم که خانه ام را آتش می زنی؟ آیا آمده ای که خانه ما را بسوزانی؟ آیا تو علی علیه السلام و فرزندان مرا به آتش می کشی؟
پاسخ شنید :

(و الله لنخرجنکم الی البیعة او لنحرقنکم)

سوگند به خدا یا شما را برای بیعت با ابوبکر بیرون می آورم و یا همه ی شما را با خانه به آتش می کشم !
حضرت زهرا علیه السلام فرمود :

یا عمر اما تتقی الله تدخل علی بیٹی؟

ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ که (بی اجازه) وارد خانه ام می شوی؟

شکوه ها با پدر

اینجا بود که حضرت زهرا علیه السلام نگاه به قبر پدر کرد و فرمود :

حدیث 66

یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة !

یا ابابکر ما اسرع ما اغترمت علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلم عمر حتی القی الله :

وای ای پدر ای پیامبر خدا! چه مصیبت هایی که از دست پسر خطاب و پسر ابی قحافة کشیدیم !

ای ابوبکر، چه زود کینه توزیهای خود را بر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردید!! سوگند به خدا از این لحظه، تا روزی که خدا را ملاقات می کنم، هرگز با عمر صحبت نخواهم نمود!

محکوم نمودن مهاجمان

امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که :

وقتی مهاجمان به خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام یورش آوردند که در خانه را بشکنند یا بسوزانند و وارد منزل شوند، حضرت زهرا علیه السلام پشت درب منزل رفته، خطاب به عمر که در پیشاپیش
مهاجمان بود فرمود :

حدیث 67

قالت: و یحک یا عمر ما هذه الجراة علی الله و علی رسوله؟ ترید ان تقطع نسله من الدنیا و تفتنیه؟ و تطفیء نور الله؟ و الله متم نوره

وای بر تو ای عمر! این چه جرات و جسارتی است که نسبت به خدا و رسول خدا کرده ای، آیا می خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی؟ و از میان برداری؟ آیا می خواهی نور خدا را خاموش کنی؟ خداوند
نور خود را حفظ می کند و تداوم می بخشد.

دفاع از امیرالمؤمنین

دفاع و یادآوری فضائل اهل بیت

در آن هنگامه غم آلود که علی علیه السلام را با زور به طرف مسجد می بردند، فاطمه علیها السلام میان جمعیت آمد و بین امام و آنها قرار گرفت، و فرمود :

حدیث 68

قالت: و الله لا ادعکم تجرون ابن عمی ظلما

و یلکم ما اسرع ما ختم الله و رسوله فینا اهل البیت و قد اوصاکم رسول الله صلی الله علیه و آله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا فقال الله تعالی

«قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» شوری - 23

سوگند به خدا، نمی گذارم پسر عمومی مرا ظالمانه به سوی مسجد بکشانید. وای بر شما چه زود به خدا و رسولش خیانت کردید و به خانواده‌ی او ستم نمودید، با این که رسول خدا پیروی از ماو دوستی ما را به شما سفارش کرده و فرمود که (در امور زندگی) از اهل بیت علیهم السلام اطاعت نمایید، که خداوند فرمود: به مردم بگو از شما پاداش رسالت نمیخواهم، جز آن که با اهل بیت من دوستی نمائید

تهدید به نفرین کردن

امام صادق علیه السلام نقل می فرماید

در آن لحظه که امام علی علیه السلام را به سوی مسجد می کشیدند، و هیچ کس در آن غربت و تنهایی دفاع نمی کرد، حضرت زهرا علیها السلام خود را به امام رساند، و خطاب به عمر فرمود :

حدیث 69

قالت: اما و الله یابن الخطاب: لو لا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی ساقسم علی الله ثم اجده سریع الاجابه

(ای پسر خطاب! سوگند به خدا اگر کراهت نداشتم که بیگناهان (مدینه) گرفتار بلا ی الهی شوند، نفرین می کردم و آنگاه می فهمیدی که نفرین من خیلی زود تحقق می پذیرد.)

دفاع از امام در مسجد

آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا علیها السلام وارد مسجد شد و فرمود :

حدیث 70

فقالت: خلوا عن ابن عمی

فوالذی بعث محمدا بالحق لئن لم تخلوا عنه لانشرن شعری و لاضعن قمیص رسول الله علی راسی و لا صرخن الی الله تبارک و تعالی

فما ناقت صالح باکرم علی الله منی و لا الفصیل باکرم علی الله من ولدی

(رها کنید پسر عمومی مرا!

قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت. اگر از علی دست برندارید، گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد خواهیم زد، یقین بدانید که ناقه صالح، در نزد خدا از من گرامی تر و بجهی آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتیر نبود.)

دفاع از جان امام

پس از بردن امام به مسجد، در آن ازدحام جمعیت، عمر با شمشیر برهنه تهدید کرد که: اگر با ابوبکر بیعت نکنی گردنت را می زنم. در این هنگام حضرت زهرا علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود :

حدیث 71

قالت: یا ابابکر اترید ان ترملنی من زوجی؟

و الله لئن لم تکف عنه لانشرن شعری و لاشقن جیبی و لاتین قبر ابی

(ای ابوبکر! آیا می خواهی شوهرم را از دستم بگیری؟ (و مرا بیوه سازی؟) سوگند به خدا اگر دست از او برنداری، موی سرم را پریشان می کنم و گریبان چاک زده کنار قبر پدرم رسول خدا می روم) سپس دست امام حسن و حسین علیهما السلام را گرفت تا در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله با نفرین و ناله تهدید خود را تحقق بخشد

امام علی علیه السلام به سلمان فرمود :

"سلمان فاطمه را دریاب، گوئی دو طرف مدینه را می نگرم که به لرزه در آمد، سوگند به خدا اگر فاطمه علیها السلام موی خود را پریشان کند و گریبان چاک نماید و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرین و ناله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی ماند، و زمین همه ی آنها را در کام مرگبار خود فرو می برد"

سلمان شتابان خدمت زهرا علیها السلام رسید و گفت :

(ای دختر محمد صلی الله علیه و آله! خداوند پدرت را مایه ی رحمت جهانیان قرار داده است، خواهش می کنم به خانه برگرد و نفرین در حق مردم نادان مکن .

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 72

فقالت: یا سلمان! یریدون قتل علی و ما علی علی صبر فدعنی حتی آتی قبر ابی فانشرن شعری، و اشق جیبی و اصبح الی ربی

(ای سلمان! آنها قصد جان علی علیه السلام را دارند، و من در شهادت علی علیه السلام نمی توانم صبر کنم، صبرم تمام شده، مرا به حال خود بگذار تا کنار قبر پدرم بروم، موهایم را پریشان نمایم، گریبان چاک دهم، و به درگاه خدا ناله سر دهم.)

سلمان فارسی که فاطمه علیها السلام را برای ناله و نفرین مضمم یافت، گفت: امام علی علیه السلام مرا فرستاد و فرمود که به شما بگویم :

(فاطمه بخانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید)

وقتی حضرت زهرا علیها السلام پیام امام را شنید فرمود :

حدیث 73

قالت: اذا رجعت و اصبر و اسمع له و اطیع

(حال) که شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم، می روم و صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.)

دفاع تا رهایی و سلامت امام

آنگاه که سلمان فارسی از یگانه دخت پیامبر خواست تا دست از نفرین و ناله بردارد، و بخانه بازگردد، فرمود :

حدیث 74

قالت: ویلهم یا سلمان! یریدون ان یوتما ولدی الحسنین فوالله یا سلمان! لا اخلی عن باب المسجد حتی اری ابن عمی سالما بعینی
اوی بر آنان ای سلمان! آنها می‌خواهند دو فرزند من حسن و حسین علیهما السلام را یتیم و بی‌سرپرست نمایند، ای سلمان! سوگند به خدا از درب مسجد مدینه پا بیرون نمی‌گذارم تا آن که پسر عمومی
خود را با چشمان خودم، رها شده و سالم مشاهده نمایم.
و پس از لحظاتی چند که در میان سکوت و اندوه و شگفتی حاضران، مهاجمین دست از امام کشیدند و امام علی علیه السلام تنها و مظلوم از مسجد مدینه بیرون آمده راه خانه را در پیش گرفت، حضرت
زهرای علیها السلام به شوهر معصوم خود نگریسته و فرمود :

حدیث 75

قالت: روحی لروحک الفداء، و نفسی لنفسک الوفاء یا ابالحسن! ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک
علی جان، جانم فدای جان تو، و جان و روح من سپهر بلاهای جان تو، یا ابالحسن!
همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.

دفاع از اموال خویش

ف- فدک

دعا برای گناهکاران امت

اسماء، همسر جعفر طیار نقل می‌کند که :

در لحظه‌های پایانی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام متوجه آن بزرگ زنان عالم بودم

ابتدا غسل کرد و لباسها را تغییر داد و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد .

جلو رفتم، فاطمه علیها السلام را دیدم که رو به قبله نشسته، و دستها را به سوی آسمان بر آورده، چنین دعا می‌کند :

حدیث 76

قالت: الاهی و سیدی اسئلک بالذین اصطفیتهم و بیکاء ولدی فی مفارقتی، ان تغفر لعصاه شیعتی و شیعه ذریعتی
(پروردگارا! بزرگا! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه‌های حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من در گذری)

دعا برای همسایگان

امام حسن مجتبی علیها السلام مادر را دید که همواره برای همسایگان، برادران اسلامی، و مردم مسلمان، دعا می‌کند، خطاب به مادر گفت :

مادر جان چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 77

قالت: الجار ثم الدار

(پسرم! اول همسایه، سپس خانه‌ی خود)

توجه به دعا حتی در هنگامه غم از دست دادن پدر

پس از وفات دردآلود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع و نوحه و زاری می‌کردند .

حضرت زهرا علیها السلام همگان را به دعا سفارش فرمود :

حدیث 78

قالت: اترکن التعدد و علیکن بالدعا

(دست از شمارش افتخارات بردارید و به دعا و عبادت بپردازید)

تقاضای دعا برای شفای امام حسن

امام حسن علیه السلام مریض شد و درد و بی‌تابی آن بزرگوار بالا گرفت، حضرت زهرا علیها السلام فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا برده فرمود :

حدیث 79

قالت: یا رسول الله ادع الله لاینک ان یشفیة

(ای رسول خدا! پروردگارت را بخوان تا فرزندت را شفا دهد)

ارزش و اهمیت دعا

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود، دخترم :

ایا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی‌خواند مگر آنکه خواسته‌های او تحقق پذیرد؟

در پاسخ پدر فرمود :

حدیث 80

قالت: یا ایه لهذا احب الی من الدنيا و ما فیها

(پدر جان، چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب تر است)

دعای معروف حضرت زهرا

سلمان فارسی نقل می کند :

حضرت زهرا علیها السلام پس از ملاقات با حوریان بهشتی، از خرماي خوش بویی که به آن حضرت تقدیم داشتند، مقداری به من عطا فرمود، که در شهر مدینه با هر یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کردم ،می گفت :

چه عطر دلنشینی؟ آیا مشک ناب با خود داری؟

این ماجرای شگفتی آور را برای حضرت فاطمه علیها السلام بازگو نمودم، در حالی که متبسم و خوشحال بود فرمود :

این خرماي معطر بهشتی از درختی است که برای یکی از دعاهاي من آفریده شد و من آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله آموختم و آن دعا این است :

حدیث 81

بسم الله النور

بسم الله الذی یقول للشیء کن فیکون

بسم الله الذی یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور

بسم الله الذی خلق النور من النور

بسم الله الذی هو بالمعروف مذکور

بسم الله الذی انزل النور علی الطور بقدر مقدور، فی کتاب مسطور، علی نبی محبور

(بنام خدای نور

بنام خدایی که به هر چیز می گوید: باش، پس می باشد

بنام خدایی که چشمها و نگاههای پنهان و راز سینهها را می داند

بنام خدایی که نور را از نور آفرید

بنام خدایی که به نیکی یاد می شود

بنام آن که نور را بر کوه طور نازل کرد

به اندازه ای معین

در نوشته ای بر پیامبری عظیم.)

دعای بعد از ظهر روز جمعه

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به دعای روز جمعه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل فرمود که :

حدیث 82

قالت: ان فی الجمعة ساعة لا یوافقها رجل مسلم یسال الله عز و جل فیها خیرا الا اعطاه ایه فقلت یا رسول الله ای ساعة هی؟

قال اذا تولى نصف عین الشمس للغروب

(در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته ی خیر و نیکی در آن ساعت به اجابت می رسد. پرسیدم یا رسول الله! کدام ساعت است. فرمود: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان شود)

از آن پس حضرت زهرا علیها السلام در این ساعت از غروب جمعه، در دعا و خیر خواهی مسلمانان همت می نمود، و فردی را می گماشت تا غروب خورشید را به او اطلاع دهد

دنیا و دنیازدگی

ترک دنیا پرستی

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به دنیای دنیا پرستان فرمود :

حدیث 83

قالت: انی لا احب الدنیا

(من دنیای «دنیا پرستان» را دوست ندارم)

حدیث 1/ 58

والا تر از دنیا

حدیث 80 «ارزش دعا»

حدیث 88

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ذ، ر» شروع می شود

ذکر د- دعا

ذلت و خواری مسلمین ح 57

ذلت جاهلی و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله ح 57

روابط اجتماعی

روزه و روزه داری

روابط اجتماعی

کیفیت رابطه با مردم و خانواده
معیار و میزان سنجش ارزشمندی انسان از دیدگاه حضرت زهرا علیهاالسلام، روابط شایسته با مردم، و خانواده است که فرمود .

حدیث 84

قالت: خيارکم الینکم مناکبہ و اکرمهم لنسائهم
(بهترین شما کسانی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر است و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند) "

زن و زندگی اجتماعی

ز- زن و زندگی اجتماعی، حدیث 87

ز- زن و آرایش، حدیث 96 و 97

روابط سیاسی اجتماعی

خ- خطبه‌های حضرت زهرا علیهاالسلام

د- دفاع

الف- اخلاق اجتماعی

روزه

شرایط روزه‌داری

حضرت زهرا علیهاالسلام درباره‌ی شرایط روزه‌داری فرمود :

حدیث 85

قالت: ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه
(اگر روزه، زبان و گوش و چشم و دست و پای روزه‌دار را از ارتکاب اعمال ناپسند دور نکنند، روزه را می‌خواهد چه کند (و به چه دردش می‌خورد؟)

روزه‌ی نذری (روزه‌ی شکرگزاری)

وقتی امام حسن و امام حسین علیهماالسلام مریض شدند، حضرت زهرا علیهاالسلام آن دو بزرگوار را در آغوش گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و فرمود :

حدیث 86

قالت: ان بریء ولدای مما بهما صمت لله ثلاثة ايام شکرا
(اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز برای خدا جهت شکرگزاری روزه خواهم گرفت)

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ز» شروع می شود

زن و زندگی

اثین زندگی

زن و کار

زن و زینت و آرایش

زن و زندگی اجتماعی

ح- حجاب

آن چه برای زنان نیکو است

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: خدمت پیامبر گرامی اسلام بودیم، آن حضرت پرسید: چه چیزی برای زنان نیکو و رواست؟

حضرت فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد :

حدیث 87

قالت: خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال

(آن چه برای زنان نیکو است، اینکه، «بدون ضرورت» مردان نامحرم را نبینند و نامحرم نیز او را ننگرند)

ساده زیستی و کار روزانه فاطمه

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد منزل فاطمه علیهاالسلام شد، دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته شیر می‌دهد، و با دست دیگر با آسیاب دستی

گندمها را آرد می‌کند، اشکک در چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود :

"یا بنتاه تعجلی مرارة الدنيا بحلاوة الاخرة"

(دخترم! تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز)

حضرت فاطمه علیهاالسلام در جواب پدر فرمود :

حدیث 88

قالت: يا رسول الله، الحمد لله على نعمائه و الشكر لله على آلائه
(ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست، در برابر نعمتهای بیکرانهای او)

ساده پوشی

سادگی در لباس

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت .
در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسیهای طلائی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند، وه که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا !!
فاطمه علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 89

قالت: يا سلمان! ان الله ذخر لنا الثياب و الكراسي ليوم آخر
(ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی و تختهای طلائی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است)

سادگی زندگی

حضرت زهرا علیها السلام سپس به خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح فرمود :

حدیث 90

قالت: يا رسول الله! ان سلمان تعجب من لباسی فوالذی بعثک بالحق مالی و لعلی منذ خمس سنين الا مسک کبش نعلف علیها بالنهار بعیرنا و اذا کان اللیل افترشناه و ان مرفقتنا لمن ادم حشوها لیف
(ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود، سوگند به خدائی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ای ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شب ها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است).

لحظه ای که زن به خدا نزدیک تر است

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از یاران خود پرسید :

در کدام لحظه، زن به خدا نزدیک تر است؟

پاسخ مناسبی مطرح نشد، تا اینکه حضرت زهرا علیها السلام سؤال پدر را شنید و پاسخ داد :

حدیث 91

قالت فاطمه علیها السلام: ادنی ما تكون من ربها ان تلزم فعر بیتها
(آن لحظه ای که زن در خانه ای خود می ماند «و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد» به خدا نزدیک تر است).

زن و آیین زندگی

ا- آیین همسر داری - زن و زندگی اجتماعی

م- مشکلات اقتصادی م- مبارزه

ح- حجاب و پوشش زن و کار

الف- اخلاق د- دفاع و مبارزه

زن و کار

زن و کار روزانه

ام سلمه از امام علی علیه السلام نقل می کند :

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد منزل ما شد و از اوضاع و احوال زندگی خانوادگی ما پرسید :

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 92

قالت: يا رسول الله لقد مجلت يدای من الریحی اطحن مره و اعجن مره
(ای رسول خدا! دستان من با کار کردن با آسیاب سنگی تاول زده و زخم شده است، زیرا گاهی گندم آرد می کنم و زمانی آرد را خمیر می سازم).

هماهنگی زن و شوهر در کار منزل

حضرت زهرا علیها السلام چون دیگر زنان جامعه کار می کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد می نمود، نان می پخت، کار روزانه را انجام می داد، به بچه داری و تربیت کودک توجه کامل داشت، تا آنکه هر دو دست آن یگانه ای روزگار زخم شد. ناچار خدمت پدر رفت و فرمود :

حدیث 93

فقالت: قد مجلت يدای من الریحی، لیلتی جمیعا اذیر الریحی حتی اصبح، و ابوالحسن یحمل حسنا و حسینا
(یا رسول الله صلی الله علیه و آله! هر دو دستم به علت آرد کردن گندم با آسیاب دستی ورم کرده و زخم شده است، دیشب را تا به صبح به آرد کردن گندم مشغول بودم و ابوالحسن، فرزندانم، حسن و حسین علیهما السلام را نگهداری می کرد).

تقسیم کار در خانواده

فاطمه علیهاالسلام در زندگی پر بار خویش، به کار و انجام وظایف خانوادگی و تربیتی توجه کامل داشت، نه تنها کار می‌کرد، و نیازمندیهای خانواده را بر طرف می‌ساخت، بلکه به تقسیم کار در خانواده و تحقق عدالت در محیط کوچک خانه و خانواده نیز اهمیت می‌داد .

کارهای خانه و خانواده را بین خود و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، و کار روزانه‌ی داخل منزل را نیز بین خود و خدمتکارش فضه، بگونه‌ای مساوی تقسیم می‌کرد .

سلمان فارسی می‌گوید: فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام را دیدم که با داستان مبارک و با آسیاب دستی گندم را آرد می‌کند، جلو رفته پس از سلام، گفتم :

ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! خود را به زحمت مینداز، در کنار شما خدمتکار منزلتان فضه ایستاده است کار منزل را به ایشان واگذار !!

حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد :

حدیث 94

قالت: اوصانی رسول الهل ان تكون الخدمه لها یوما ولی یوما فکان امس یوم خدمتها و الیوم یوم خدمتی

(رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود که کارهای خانه را با فضه تقسیم کنم، یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است.)

تقسیم کار با همسر

یکی از عوامل شادایی و تکامل خانوادها، تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است .

با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت می‌آفریند، و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می‌دارد

امام باقر علیه‌السلام فرمود :

حضرت فاطمه علیهاالسلام کارهای منزل را با حضرت علی علیه‌السلام اینگونه تقسیم کرد که :

خمیر کردن آرد، و نان پختن، و تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده‌ی فاطمه باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل، جمع آوری هیزم، و تهیه مواد اولیه‌ی غذایی را بر عهده‌ی علی علیه‌السلام باشد .

امام صادق علیه‌السلام فرمود :

این تقسیم کار، با رهنمود رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گرفت .

آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه علیهاالسلام، و کارهای بیرون منزل را علی علیه‌السلام، انجام دهد، حضرت زهرا علیهاالسلام با خوشحالی فرمود :

حدیث 95

قالت: فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال

(جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم، زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت)

زن و زینت و آرایش

عطر و زینت در نماز

در اسلام، به آرایش و عطر زدن، استفاده از بوهای خوش، برای شوهر و محارم، یا در منزل، و یا در حالت عبادت و نیایش، سفارش شده و نوعی عبادت است. آنچه نهی شده و سفارش به احتیاط کرده‌اند،

استفاده از عطر و آرایش برای نامحرمان یا در روابط اجتماعی است، که عامل فساد می‌شود و حرام است .

در این باره توجه به سفارش حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه‌های واپسین زندگی ضروری است که پس از وضوء گرفتن به «اسماء بنت عمیس» فرمود :

حدیث 96

قالت: هاتی طیبی الذی اتطیب به و هاتی ثیابی التی اصلی فیها، اجلسی عند راسی فاذا جاء وقت الصلوة فاقیمینی فان قمت و الا فارسلی الی علی علیه‌السلام

(ای اسماء! عطر مرا، همان عطری که همیشه می‌زنم، و پیراهنی را که همیشه با آن نماز می‌گزارم بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد مرا از خواب بیدار کن، اگر بیدار شدم که نماز می‌گزارم و

اگر بیدار نشدم، کسی را به دنبال علی علیه‌السلام بفرست تا بیاید.)

استفاده‌ی دائمی از بوی خوش

ام سلمه می‌گوید: از حضرت زهرا علیهاالسلام پرسیدم که آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده‌ای؟

فرمود: آری. رفت و شیشه‌ی عطری آورد، و مقداری در کف دست من ریخت، بوی خوشی داشت که هرگز نبوییده بودم .

گفتم: این عطر خوشبو را از کجا تهیه کرده‌ای؟ فرمود :

حدیث 97

قالت: هو عنبر یسقط من اجنحة جبرئیل

(این عطر، مشککی است که از بال و پر جبرئیل فرو ریخته است.)

تهیه‌ی عطر برای شب عروسی فاطمه

آرایش و عطر زدن برای زنان آنچنان ارزشمند است که هم عبادت به حساب می‌آید و هم مایه‌ی گرمی و شادایی زندگی زناشویی است .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اینگونه ظرافت‌های زندگی کاملا توجه داشت که به عمار یاسر ماموریت داد برای شب عروسی حضرت زهرا علیهاالسلام عطرهای خوشبو تهیه نماید .

عمار یاسر می‌گوید: عطر خوبی تهیه کرده به منزل فاطمه علیهاالسلام بردم، فرمود :

حدیث 98

قالت: یا ابا الیقظان ما هذا الطیب؟ (ای عمار یاسر! این عطر چیست؟)

گفتم: پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا امر کرد، تا فراهم نمایم

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «س، ش» شروع می شود

ساده زیستی ح 88

ساده پوش ح 89 و 90

سخن رانیهای فاطمه علیهاالسلام خ خطبهها

سرور و شادی فاطمه علیهاالسلام ح 161 و 99

سکوت سیاسی ح 151

سلام فرشتگان 197 و 198 و 196

سلام بر جبرئیل ح 122

سلام فاطمه علیهاالسلام بر فرزندانش ح 207

سیاست و مبارزات سیاسی

م- مبارزات سیاسی

د- دفاع

ش- شکوهها

و- وصیتنامه سیاسی

شادی فاطمه علیهاالسلام

شادی فرشتگان

شعرهای فاطمه علیهاالسلام

شکوهها

شفاعت فاطمه

شیعیان فاطمه

شهادت و شاهد

شادی و خشنودی

شادی فاطمه از خبر شهادت

نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بودند که در هنگامی وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبتهای خصوصی و سری بین آن حضرت و فاطمه علیهاالسلام صورت پذیرفت که در ابتدا، زهرا علیهاالسلام گریست و در پایان صحبت آن حضرت، شاد و خندان، دانههای اشک را پاک می کرد .

جای سؤال بود که علت گریه، و سبب خنده و شادی چه بود؟

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت زهرا علیهاالسلام پرسیدند، جواب داد :

علت گریه‌ی نخستین این بود که :

حدیث 99

قالت: اخبرنی ان جبرئیل کان یعارضه القران فی کل سنة مرة و انه عارضه الان مرتین و انی لاری الاجل قد اقترب فاتقی الله و اصبری. فبکیت

و: قال صلی الله علیه و آله یا بنیة انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیه منک فلاتکونی من ادنی امرأة صبرا

فأخبرنی انی اول اهله لحوقا به فضحکت لذلك

در ابتدا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من اطلاع داد که جبرئیل هر سال یک بار قرآن را به من عرضه می فرمود ولی امسال و هم اکنون دو بار عرضه کرد. من مرگ و وفات خود را نزدیک می بینم.

دخترم با تقوا باش و صبر پیشه کن. من با شنیدن این خبر گریستم. سپس در ادامه‌ی سخن فرمود: دخترم هیچ زنی در مقام و منزلت مانند تو نیست پس در صبر و بردباری مانند کمترین زنان نباش و

این را بدان که تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد. با شنیدن این خبر خوشحال شدم و خندیدم.

شادی ملائکه در پیروزی مؤمن

دو نفر از زنان مدینه در یک مساله دینی و عقیدتی اختلاف پیدا کردند، یکی از آنها از دوستان فاطمه علیهاالسلام و زنی مؤمن، و دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و فاسد بود، نزاع و خصومت را

خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام کشاندند .

آن حضرت پس از شنیدن ادعا و استدلال هر یک، با دلیل و برهان قانع کننده نظر زن مؤمنه را اثبات کرد و ادعای دیگر را باطل دانست. بگونه ای که هر دو نفر پذیرفتند، پس از پایان یافتن اختلاف و

نزاع، زن مؤمنه اظهار خوشحالی کرد که حق پیروز شد و باطل محکوم گردید، حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود :

حدیث 100

قالت: ان فرح الملائكة باستظهارك عليها اشد من فرحك و ان حزن الشيطان و مردته بحزنها عنك اشد من حزنها :
(همانا شادی فرشتگان در غلبه‌ی تو بر آن زن فاسد بیش از شادی توست و اندوه و نگرانی شیطان و دوستان شیطان در این شکست بیشتر و شدیدتر از آن زن شکست خورده است.)

شعرهای فاطمه

شب ازدواج و ستودن شوهر

حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه‌های آغازین زندگی، لب به ستایش شوهر نمونه‌اش گشود و به شناساندن آن بزرگمرد پرداخت و فرمود :

حدیث 101

1اضحی الفخار لنا و عز شامخ
و لقد سمونا فی بنی عدنان

2نلت العلا و علوت فی کل الوری
و تقاصرت عن مجدک الثقلان

3اعنی علیا خیر من وطا الثری
ذالمجد و الاءفضال و الاءحسان

4فله المکارم و المعالی و الحبا
ماناحت الاطیار فی الاغصان

1. افتخار و عزت والا، از آن ما شد و ما در میان فرزندان «عدنان» سربلند شدیم
2. تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه‌ی آفریده‌ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب ماندند
3. منظورم «علی» است، بهترین کسی که گام بر خاک نهاده است، بزرگوار و دارای احسان و نیکی
4. والایبهای اخلاقی و بزرگی‌ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغولند.

استفاده از جاذبه‌ی شعر در تربیت کودک

حضرت زهرا علیهاالسلام آنگاه که کودکان خود را به بازی می‌گرفت، و به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت، در قالب زیبای اشعار ادیبانه می‌فرمود :

حدیث 102

1اشبه اباک یا حسن
و اخلع عن الحق الرسن

2و اعبد الیها ذالمنن
و لا توال ذالاحن

1. (حسن جان! مانند پدرت علی علیه‌السلام باش و ریسمان را از گردن حق بردار

2. خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن)
و آنگاه که امام حسین علیه‌السلام را بر روی دست نوازش می‌کرد، می‌فرمود :

انت شبیه بابی
لست شبیهها بعلی

(حسین جان تو به پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله شباهت داری و به پدرت علی علیه‌السلام شبیه نیستی.)
امام علی علیه‌السلام سخنان فاطمه علیهاالسلام را می‌شنید و لبخند می‌زد.

بیان مشکلات اقتصادی

سخاوت و ایثارگری

خبر از شهادت حسین

روزی گرسنه‌ای درب منزل امام علی علیه‌السلام را کوبید و تقاضای کمک کرد .

امام علی علیه‌السلام در قالب شعری زیبا، نیازمندی آن گرسنه‌ی بیتوا را به حضرت زهرا علیهاالسلام بازگو فرمود و تذکر داد، اگر امکان دارد، کمک مناسبی شود، حضرت زهرا علیهاالسلام با شعر، چنین

پاسخ داد :

حدیث 103

1 امرک سمع یابن عم و طاعة
مای من لوم و لا وضاعة

2 طعمه و لا ابالی الساعه
رجو اذا اشبعت من مجاعة

1. فرمان تو را ای پسر عمو بیدرنگ اطاعت خواهم کرد، از طرف من تو را این پیشنهاد نه سرزنش و نه ملامتی خواهد بود.
2. هم اکنون این گرسنه را طعام می‌دهم و به یاد آینده خویش نخواهم افتاد و آرزو دارم با شکم گرسنه در راه خدا اینار کنم
پس از آنکه امام بار دیگر تاکید در اطعام گرسنه فرمود، پاسخ داد :

1 فسوف اعطيه و لا ابالی
و اؤثر الله علی عیالی

2 امسوا جیاعا و هم اشبالی
اصغرهم یقتل فی القتال

3 بکربلاء یقتل باغتیال
لقاتلبه الویل مع و بال

4 یهوی به النار الی سفال
کیوله زادت علی الاکیال

1. بزودی به این گرسنه طعام خواهم بخشید و از گرسنگی خودم باکی ندارم. برای خدا او را بر فرزندان (گرسنه‌ام) مقدم می‌دارم .
2. فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، فرزندانم که کوچکترین آنان «حسین» در میدان جنگ کشته خواهد شد .
3. در کربلا فرزندانم را با حیل و تزویر شهید می‌کنند وای بر قاتلان او که عذاب دردناک و پستی و خواری بر آنان باد .
4. آنها که با این جنایت به درجات پست آتش جهنم راه می‌یابند، هر لحظه بر سقوط و خواری آنها افزوده می‌شود .
امام در برابر اینارگری حضرت زهرا علیهاالسلام او را ستود و تشکر کرد، پاسخ شنید :

حدیث 105

1 لم یبق مما کان غیر صاع
قد دبرت کفی مع الذراع

2 شبلی و الله هما جیاع
یا رب لا تترکهما ضیاع

3 بوهما للخیر ذواصطناع
عبل الذراعین طویل الباع

4 و ما علی راسی من قناع
الا عبا نسجتها بصاع

1. آنچه در خانه ذخیره کرده بودم، جز به مقدار یک پیمانۀ باقی نمانده است. در حالی که دست من «با آرد کردن گندم و گرداندن آسیاب دستی» «مجروح گردیده است
2. به خدا سوگند، فرزندانم هم اکنون گرسنه‌اند. خدایا! آنها را به حال خود وانگذار، که از دست بروند .
3. پدرشان علی علیه‌السلام در سخاوت و خوبیها بی‌نظیر است، و آن چه دارد و به دست می‌آورد با دستان بخشنده‌اش به دیگران می‌بخشد .
4. همۀ غذای موجود خانه را در حالی که گرسنه می‌دهم که مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم مگر عبا (چادر) کهنه‌ای که خودم بافته‌ام و (از فراوانی وصله،) اکنون در حال از بین رفتن است

در فراق خویش

آنکه که بیاد پرواز ملکوتی خویش افتاد، خطاب به علی علیه‌السلام فرمود :

حدیث 106

1 ایکنی ان بکیت یا خیر هاد
و اسبل الدمع فهو یوم الفراق

2 یا قرین البتول اوصیک بالنسل

فقد اصبحا حلیفا اشتیاق

3 بکنی و ابکی للیتامی و لا تنسی

قتیل العدا بطف العراق

4 فار قوا اصبحوا یتامی حیاری

احلفوا لله فهو یوم الفراق

1. ای همسر وفا دارم اگر خواستی گریه کنی بر من گریه کن، ای بهترین راهنما و اشکها را سرازیر کن که امروز روز جدایی است .
2. ای همدم بتول! وصیت می کنم تو را به فرزندانم، که همدم شوق و محبت شده اند .
3. بر من و یتیمان (من) گریه کن فراموش نکن کشته‌ی دشمنی‌ها را در سرزمین عراق. در حالیکه بخدا سوگند می‌خورند آن روز، روز جدایی است .
4. آن جاماندگان در حالی صبح می‌کنند که یتیمان سرگردان (آن بیابانند)، خدای را بر می‌گزینند. آن روز، روز فراق و جدایی است .

اشعار در غم از دست دادن پیامبر

جهان پس از رحلت پیامبر

پس از دفن جنازه‌ی پاک پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام جهان را پس از غروب آفتاب نبوت این گونه معرفی می‌فرماید :

حدیث 107

1 اغبر آفاق السماء و کورت

شمس النهار و اظلم العصران

2 و الارض من بعد النبی کثیبة

اسفا علیه کثیرة الرجفان

3 فلیبکه شرق البلاد و غربها

و لیبکه مضر و کل یمان

4 و لیبکه الطور المعظم جوه

و البیت ذوالاستار و الارکان

5 یا خاتم الرسل المبارک ضوؤه

صلی علیک منزل القران

1. افق‌های آسمانها غبارآلود شد و خورشید گرفت و صبح و عصر ما هر دو تاریک گشت .

2. تو زمین پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اسفناک و اندوهناک او است و سخت بر خود می‌لرزد .

3. در غم رحلت پیامبر اسلام باید شرق و غرب عالم بگریند و قبیله‌ی مضر و یمان سزاوار است، که اشک ریزد .

4. سزاوار است که آسمان کوه عظیم طور و خانه خدا که دارای پرده‌ی کعبه و رکن‌ها است، (بر رسول خدا) بگریند .

5. ای خاتم پیامبران! که روشنائی تو مبارک است! درود خدای فرستنده‌ی قرآن بر تو باد!

دردهای سوزناک

حدیث 108

قالت :

1 قد کان بعدک انباء و هنیئة

لو کنت شاهدها لم یکبر الخطب

2 انا فقد ناک فقد الارض وابلها

و اختل قومک فاشهدهم فقد نکبوا

3 و کل اهل له قریبی و منزله

عند الاله علی الادنین مقترب

4 بدت رجال لنا نجوی صدورهم

لما مضیت و حالت دونک الترب

5تجهمتنا رجال و استخف بنا
لما فقدت و کل الارض معتصب

6و کنت بدرا و نورا یستضاء به
علیک تنزل من ذی العزة الکتب

7و کان جبریل بالایات یؤنسنا
فقد فقدت فکل الخیر محتجب

8فلیت قبلک کان الموت صادفنا
لما مضیت و حالت دونک الحجب

9انا رزئنا بما لم یرز ذو شجن
من البریة لا عجم و لا عرب

10سعیلم المتولی الظلم حامتنا
یوم القیمة انی سوف ینقلب

11فسوف نبکیک ما عشنا و ما بقیت
منا العیون بتهمال لها سكب

12و قد رزئنا به محضا خلیفته
صافی الضرائب و الاعراق و النسب

13فانت خیر عباد الله کلهم
و اصدق الناس حین الصدق و الکذب

14و کان جبریل روح القدس زائرنا
فغاب عنا فکل الخیر محتجب

15ضاق علی بلاد بعد ما رحبت
و سیم سبطاک خسفا فیہ لی نصب

1. بعد از تو خبرها و مسائل مختلف و بلاهای در هم پیچیده‌ای پیش آمد که اگر تو می‌بودی آن چنان بزرگ جلوه نمی‌کرد .
2. ما تو را از دست دادیم، مانند سرزمینی که از باران محروم شود، و قوم تو مختل ماند بیا ببین آنها را که (چگونه) از راه منحرف شدند .
3. هر خاندانی که برای او نزد خدا قرب و منزلتی بود، نزد بیگانگان هم محترم بود (غیر از ما که حرمت ما را در هم شکستند) .
4. مردانی چند از امت تو همین که رفتی و پرده خاک میان ما و تو فاصله انداخت اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .
5. همین که تو رفتی، مردانی دیگر به ما روترش کردند و ما را کوچک شمردند و زمینهای ما غصب شد .
6. پدر! تو ماه شب چهارده ما و چراغ روشن زندگانی (ما) بودی و از جانب پروردگار بر تو فرامینی نازل می‌شد .
7. جبرئیل با آیات قرآنی، مونس ما بود، ولی وقتی تو رفتی، همه‌ی خیرها پوشیده گردید .
8. ای کاش که پیش از تو مرده بودیم. آنگاه که از میان ما رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد (و پرده و حجابها بین ما فاصله انداخت)
9. به راستی ما بلادیدگان به مصیبتی گرفتار شدیم که هیچ بلا دیده‌ای نه در عجم و نه در عرب آن چنان مبتلا نگشته است .
10. آن کس که به ستم کردن بر قبیله ما دست زده باشد روز قیامت خواهد دانست که به کجا خواهد رفت !.
11. تا زنده‌ایم و چشم داریم، بر تو اشک می‌ریزیم و مثل ابر بهار بر تو می‌گرییم .
12. ما به رفتن کسی مصیبت زده‌ایم که خلقت او بی‌آلایش، اخلاق او بی‌غل و غش، ریشه‌ی تبار او، والا و نسب او سرآمد انساب است .
13. پس تو (ای پدر) بهترین همه‌ی بندگان و در هنگام سخن گفتن راستگوترین مردم بودی .
14. جبرئیل امین، تا زنده بودی زیارت ما را ترک نمی‌کرد و چون رفتی سایه از ما برگرفت و هر خیری از ما رو پوشانده است .
15. بعد از تو دنیا بر من تنگ شد، پس از آن که گشاده بود و به دو نوهات ستمی روا داشته شد که برای من درد و رنج فراوان دارد.

در سوگ پدر، در غروب خورشید نبوت

حدیث 109

قالت :

1 ماذا علی من شم تریة احمد

ان لا یشم مدی الزمان غوالیا

2صبت علی مصائب لو انها
صبت علی الایام صرن لیالیا

3نفسی علی زفراتها محبوسه
یا لیتها خرجت مع الزفرات

4لا خیر بعدک فی الحیاة و انما
بکی مخافه ان تطول حیاتی

5اذا اشتد شوقی زرت قبرک باکیا
انوح و اشکو لا اراک مجاوبی

6فیا صاحب الصحراء علمتنی البکاء
و ذکرک انسانی جمیع المصائب

7فان کنت عنی فی التراب مغیبا
فما کنت عن قلب الحزین بغائب

1. آن که بوی خوش تربت (خاک قبر) پیامبر صلی الله علیه و آله را بوییده است، چه می‌شود، اگر در زمان طولانی بوی خوش دیگری نبوید .
2. باران غم و اندوهی بر جانم ریخته که اگر بر روزهای روشن می‌ریخت، آن روزها مانند (شب تیره و تاریک) می‌گردید

بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها
که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

3. (پدر جان!) جانم با آن همه آند و غصه در سینه‌ام حبس شده است، ای کاش با همان آندوها از بدنم خارج می‌شد .

4. (پدر جان!) بعد از تو هیچ خیر و نیکی در زندگی نیست، گریه می‌کنم از بیم آن که مبادا بعد از تو زیاد زنده بمانم .

5. هر وقت اشتیاقم به دیدار تو زیاد می‌شود گریان کنار قبر تو می‌آیم، ناله و زاری می‌کنم و شکوه می‌نمایم، ولی جواب مرا نمی‌دهی .

6. ای کسی که در دامن خاک آرمیده‌ای! گریه را تو به من آموختی و یاد تو همه مصائب را از یاد من می‌برد .

7. گر چه در دل خاک از من پنهان شده‌ای، ولی از قلب پر آندوه (من) پنهان نیستی.

شکوه‌ها از غروب آفتاب و غربت اسلام

فاطمه علیها السلام در سوگ آفتاب می‌نالد و غربت اسلام را نیز با تلخی نظاره‌گر است، و خطاب به پدر می‌فرماید :

حدیث 110

قالت :

1قل صبری و بان عنی غزائی
بعد فقدی لخاتم الانبیاء

2عین یا عین اسکبى الدمع سحا
ویک لا تنجلی بفیض الدماء

3یا رسول الاله یا خیره الله
و كهف الایتام و الضعفاء

4قد بکتک الجبال و الوحش جمعا
و الطیر و الارض بعد بکی السماء

5کو بکاک الحجون و الرکن و
المشعر یا سیدی مع البطحاء

6و بکاک المحراب و المدرس للقر
ءآن فی الصبح معلنا و المساء

7و بکاک الاسلام اذ صار فی

الناس غريبا من سائر الغرباء

8لو تری المنبر الذی کنت تعلقه
علاه الف لام بعد الضیاء

9یا الهی عجل وفاتی سریرا
لقد تنغصت الحیة یا مولائی

1. اصبر و تحمل من کوتاه و عزا و مصیبت من آشکار است، چون خاتم پیامبران را از دست داده ام .
2. دیده! ای اشک ببار، وای بر تو اگر سیل اشک را جاری نسازی !
3. ای رسول خدا! ای برگزیده حضرت حق! ای پناه یتیمان و مستضعفان !
4. کوهها و حیوانات و پرندگان بر تو می گریند. زمین هم پس از گریه ی آسمان گریست .
5. آقای من! شهر مکه و رکن و مشعر و سرزمین بطحاء اشکها می بارند .
6. آسمان و محراب و محل درس قرآن بهنگام صبح و (شام) از فراق تو گریه دارند .
7. و اسلامی که در میان امت تو غریب و تنها مانده است، بر تو می گرید .
8. (پدر جان) اگر منبر(ت) را بنگری، خواهی دید که پس از نور و روشنائی، ظلمت و تاریکی بر آن بالا می رود .
9. خدایا! مرگ مرا زود مقرر فرما. زیرا زندگی دنیا بر من تیره و تاریک شده است.

پیامبر جاودانه است

حدیث 111

11اذا مات یوما میت قل ذکره
و ذکر ابی مذمات و الله ازید

2تامل اذا الاحزان فیک تکاثر
اعاش رسول الله ام ضمه القبر؟

1. هر کس که بمیرد یادش کم می گردد، بجز پدرم رسول الله که هر روز یاد او فزونی می گیرد
2. ببندیش، هنگامی که غم و اندوه در جانت فراوان می گردد آیا رسول خدا زنده است یا خاک قبر، او را از یادها برده است.

شکوه از مصیبت و تنهایی

حدیث 112

1قل للمغیب تحت اطباق الثری
ان کنت تسمع صرختی و ندائی

2صبت علی مصائب لو انها
صبت علی الایام صرن لیالیا

3قد کنت ذات حمی یظل محمد
لا اخشی من ضیم و کان جمالی

4فالیوم اخشع للدلیل و اتقی
ضیمی و ادفع ظالمی بردائی

5فاذا بکت قمریة فی لیلها
شجنا علی غصن بکیت صباحیا

6فلا جعلن الحزن بعدک مونسی
و لا جعلن الدمع فیک و شاحیا

7ماذا علی من شم تربة احمد
ان لا یشم مدی الزمان غوالیا

1. بگو به آن که در زیر طبقات زمین پنهان است، آیا صدای ناله و فریاد مرا می شنوی .
2. مصیبت هایی بر من باریدن گرفته که اگر بر روزها می بارید، (روزها) شب می شد .

3. من در سایه‌ی محمد در حمایت و حفاظت بسر می‌بردم و از هیچ دشمنی و کینه‌ای نمی‌ترسیدم و او جمال (و جلوه‌ی) من بود .
4. امروز در برابر فروماندگان خاضع و باک دارم به من تعدی شود که ظالم را با چادرم دفع می‌کنم .
5. اگر قمری، شب هنگام بر شاخه‌ای بگرید، من صبحگاهان می‌گیرم .
6. بعد از تو حزن و اندوه را مونس خود خواهم ساخت و اشک را اسلحه خود قرار خواهم داد .
7. چه باکی است بر کسی که خاک قبر احمد را بوییده در تمام زندگی هیچ عطری را نبوید.

اندوه پایدار

حدیث 113

1. فراقک اعظم الاشیاء عندی
و فقدک فاطم ادهی النکول

2. سایکی حسره و انوح شجوا
علی خل مضی اسناسبیلی

3. لا یا عین جودی و اسعدینی
فحزنی دائم ابکی خلیلی

1. جدایی‌ات پیش من سنگین‌ترین چیزهاست و از دست دادنت، سنگین‌ترین بند است .
2. از روی حسرت و اندوه، گریه و نوحه خواهم کرد، بر آن محبوبی که رفت و راهم را روشن ساخت .
3. ای! ای دیده! یاریم کن (تا بگیریم)، چرا که اندوهم پیوسته است و بر دوستم می‌گیرم).

اشک‌های بی‌قرار

پس از دفن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، یگانه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار قبر پدر از اندوه جانکاه، پایدار سخن گفت و فرمود :

حدیث 114

1. امسی بخدی للدموع رسوم
سفا علیک و فی الفؤاد کلوم

2. و الصبر یحسن فی المواطن کلها
الا علیک فاءنه معدوم

3. لا عتب فی حزنی علیک لو انه
کان البکاء لمقلتی یدوم

1. (در اندوه سوگ تو، بخاطر اشک فراوان بر چهره‌ام نشانه و بر قلبم جراحت است. ای وای از مرگ تو !
2. شکیبایی در هر جا شایسته است، مگر بر تو که صبری نیست
3. بر اندوه من در سوگ تو ملامتی نیست، اگر گریه بر مردمک چشمم تداوم می‌یافت)

غم بی‌پایان

ورقه بن عبدالله ازدی از حضرت فضا نقل می‌کند که فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام روزی بر سر قبر پدر اندوهگین نشست، و اینگونه نوحه سر داد :

حدیث 115

1. ان حزنی علیک حزن جدید
و فؤادی و الله صب عتید

2. کل یوم یزید فیه شجونی
و اکتئابی علیک لیس یبید

3. جل خطبی فبان عنی عزائی
فبکائی فی کل وقت جدید

4. ان قلبا علیک یالف صبرا
و عزاء فاءنه لجلید

1. اندوه من (پیوسته) بر تو تازه است، و قلب من به خدا سوگند عاشقی سرسخت است

2. هر روز حزن و اندوه من (بر پدرم) تازه می‌شود و نیاز من برای تو هرگز از بین نمی‌رود
3. فاجعه‌ی از دست دادن بسی بزرگ است و سوگواری‌ام آشکار گشته (و تسلی و بردباری از من دور شده) پس گریه‌ام هر دم تازه است
4. دلی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد، یا تسلیت پذیرد، همانا بسیار شکیبا و پر طاقت است

شکوه‌های دردآلود و افشاگرانه

شکوه از غضب امامت

از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود :

حضرت فاطمه علیه‌السلام از امت ساکت و بی‌تفاوت، و از ابوبکر و عمر، در پیش پروردگار خود، شکوه‌ها مطرح می‌کرد، و در حالی که اشکهای او جاری بود، می‌فرمود :

حدیث 116

قالت: اللهم اليك نشكو فقد نبيك و رسولك و صفيك و ارتداد امته علينا، و منعهم ايانا حقنا الذي جعلته لنا في كتابك المنزل علي نبيك المرسل
 پروردگارا! بسوی تو شکایت می‌کنم، اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات را. و به تو شکایت می‌کنم از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و این که حق را از ما بازداشتند، همان حق
 «ولایت و رهبری» را که در قرآن کریم، خود بر پیامبر اسلام نازل فرمودی)

شکوه از خیانت منافقان کینه توز

ام سلمه می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیه‌السلام رسیدم و پرسیدم :

ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ حالت چگونه است؟ فرمود :

حدیث 117

قالت: اصبحت بين كمد و كرب، فقد النبي و ظلم الوصي، هتك و الله حجابيه من اصبحت امامته مقتصه علي غير ما شرع الله في التنزيل، و سنه النبي في التاويل، و لكنها احقاد بدرية و ترات احدييه كانت
 عليها قلوب النفاق محتملة لامكان الوشاة
 فلما استهدف الامر ارسلت علينا شاييب الاتار من مخيلة الشقاق، فيقطع وتر الايمان من قسي صدورها، و لبئس علي ما وعد الله من حفظ الرسالة و كفالة المؤمنين
 احرزوا عاندتهم غرور الدنيا بعد انتصار ممن فتك بائتهم في مواطن الكروب و منازل الشهادات
 (صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته، و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند بخدا حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در
 قرآن، و سنت و سفارش پیامبر اسلام در تاول و تفسیر قرآن، حق امام او را غضب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه توزیهای جنگ بدر و خونخواهی کشتگان در جنگ
 احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه‌انگیزشان پنهان بوده است و تاکنون جرأت اظهار آن را نداشتند تا در آن هنگام که حکومت الهی بازپچی دست قدرت طلبان گردید و امام به حق،
 منزوی شد، آتش کینه‌های دیرینه‌شان زبانه کشید و باران مصیبتها و مشکلات را بر ما فرو ریختند، و رشته‌های ایمان را دریدند و نسبت به وعده‌های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر صلی الله
 علیه و آله و دفاع از پرهیزگاران و مؤمنان چه زشت، عمل کردند .
 اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران (مشرك و منافق) خود که در جنگهای اسلامی علیه اسلام جنگیدند، کشته شدند به دنیا روی آوردند، (و فریب دنیا را خوردند)

شکوه‌ها و آرزوی مرگ

درباره‌ی شکوه‌ها و غمهای جانکاه حضرت زهرا علیه‌السلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش خبر داد و فرمود :

دخترم آنچنان در امواج بلاها و مصیبتها، غمناک و نگران می‌شود که دست به دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت می‌کند، و می‌گوید :

حدیث 118

يا رب اني قد سئمت الحياة و تبرمت باهل الدنيا فالحقني بابي الهی عجل وفاتي سريعا

(پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده‌ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبتهای ناگوار دیدم، خدایا! مرا به پدرم (رسول خدا) متصل گردان و مرگ مرا زود برسان)

شکوه‌ها

ف- فدک، حدیث شماره‌ی 153 و 159 و 160

م- مبارزات سیاسی

ح- حوربان بهشتی، حدیث 54 شکوه از سلمان فارسی

شفاعت فاطمه

حضرت زهرا علیه‌السلام درباره‌ی شفاعت از گنهکاران امت فرمود :

حدیث 119

قالت: اذا حشرت يوم القيامة اشفع عصاة امه النبي صلی الله علیه و آله

(آنگاه که روز قیامت بر انگیخته شوم، از گنهکاران امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شفاعت خواهم کرد)

ی- یاری و کمک به شیعیان، حدیث 211

صفت شیعیان و پیروان اهل بیت

یکی از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در شهر مدینه همسرش را خدمت حضرت زهرا علیه‌السلام فرستاد، تا بپرسد: آیا شوهرم از شیعیان شما می‌باشد یا نه؟

حضرت زهرا علیه‌السلام پاسخ کلی داد و فرمود :

حدیث 120

قالت: ان كنت تعمل بما امرناك و تنتهي عما زجرناك عنه فانت من شيعتنا و الا فلا

اگر به آن چه به شما امر می کنیم، عمل می کنی و از آن چه شما را بر حذر می داریم، دوری می کنی از شیعیان مایی و الا هرگز!)

آن شخص پس از شنیدن پاسخی کلی، مضطرب شد و با توجه به ضعفها و سستی های خود گفت: وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود، همسرش نگرانی و زاری او را با سخنان مطرح شده، خدمت حضرت زهرا علیها السلام بازگو نمود .
حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد .

حدیث 121

قالت: قولي له: ليس هكذا

شیعنا من خیار اهل الجنة، و کل محبنا و موالی اولیائنا و معادی اعدائنا، و المسلم بقلبه و لسانه لنا

لیسوا من شیعنا اذا خالفوا او امرنا و نواهینا فی سائر الموبقات، و هم مع ذلک فی الجنة

ولکن بعد ما یطهرون من ذنوبهم بالبایا و الرزایا

او فی عرصات القیامة بانواع شدائدها

او فی الطباق الاعلی من جهنم بعذابها الی ان نستنقذهم یحبنا و نقلهم الی حضرتنا

((از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است). شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه ی دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما همه در بهشت خواهند بود.

آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده، اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما نخواهد بود

گرچه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد)

شهادت و شاهد

1- اولین شهادت باطل در اسلام ف. فدک حدیث 154

2- آگاهی از شهادت خویش ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث 135 و 136 و 137

3- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث 139

4- پرسش از پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون شهادت حسین علیه السلام

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حوادث تلخ آینده را برای حضرت زهرا علیها السلام توضیح داد، و در تداوم مباحث آینده نگری، به شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام اشاره کرد، حضرت فاطمه علیها السلام پرسید :

حدیث 122

قالت: یا ابته من یقتل ولدی و قره عینی و ثمره فؤادی؟

قال صلی الله علیه و آله شر امه من امتی

قالت: یا اباه اقرا جبرئیل عنی السلام و قل له فی ای موضع یقتل؟

قال صلی الله علیه و آله فی موضع یقال له کربلا !!

(ای پدر! چه کسی فرزندم و نور چشم و میوه ی دلم حسین علیه السلام را شهید می کند؟)

فرمود: بدترین افراد امت من. بار دیگر پرسید :

(ای پدر! سلام مرا به حضرت جبرئیل برسان و از او بپرس که در کجا حسین علیه السلام مرا شهید می کنند؟)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سرزمینی که به آن «کربلا» می گویند .

و در روایت دیگری فرمود :

حدیث 123

قالت: یا ابه سلمت و رضیت و توکلت علی الله

(ای پدر! در برابر خواسته های خدا تسلیم و راضی ام و بخدا توکل کرده ام)

3- کصحت از شهادت کودکی که متولد نشده بود

در یکی از روزهای بارداری حضرت زهرا علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش اطلاع داد که :

حضرت جبرئیل خبرهایی از فرزند تو بما رسانده است که در کربلا به شهادت می رسد .

فاطمه علیها السلام در حالی که در هاله ای از غم و اندوه قرار گرفته بود، فرمود :

حدیث 124

قالت: لیس لی فیه حاجه یا ابه

(ای پدر! به چنین کودکی نیاز ندارم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه داد که :

دخترم این فرزند تو حسین علیه السلام است و نه امام معصوم از او پدب می آیند که عامل تداوم و بقاء دین خدا می باشند

حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

قالت: یا رسول الله قد رضیت عن الله عز و جل

(ای رسول خدا! از خداوند عزیز و بزرگ راضی و سپاسگزارم)

6- کشاهد شهادت فرزند بودن !

هنگام هجوم ناکثان و منافقان به منزل امام علی علیه السلام، و دفاع بی نظیر و افشاگرانه ی حضرت زهرا علیها السلام، که با جوابهای دندان شکن، ادعاهای آنان را باطل و با بیان زلال حقیقت رسوایشان نمود، و چون شیر در برابر صفهای کینه توزان امروز و فراریان جنگهای دیروز، ایستاد. و یک تنه از حریم حرمت ولایت دفاع کرد، چاره ای جز خیانت و رسوایی خود ندیدند که در منزل را به آتش کشند و یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله را بین در و دیوار بکوبند .

تاریخ ورق خورد، و برگ سیاه ننگ آوری بر پرونده‌ی کودتاگران سقیفه افزوده شد، آری شهادت کودکی که متولد نشده بود، و اسم «محسن» را جلوترها پیامبر گرامی اسلام برای او انتخاب کرده بود، و شاید رمز این انتخاب را در این واقعیت بتوان یافت که :

حضرت محسن علیه‌السلام اول شهید خط مقدم دفاع از ولایت است و همه شنیدند که فاطمه علیها‌السلام خطاب به فضا فریاد زد :

حدیث 125

قالت: یا فضة الیک فخذینی فوالله لقد قتل ما فی احشائی من حمل
(آه ای فضا! مرا دریاب، سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتم به شهادت رسید.)
7- اشتیاق شهادت
ش- شادی فاطمه علیها‌السلام، حدیث 99

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ص» شروع می شود

صحیفه‌ی فاطمه علیها‌السلام
صدقات (راه‌های مصرف) ح 142
صله‌ی رحم ح 57
صبر و بردباری فاطمه علیها‌السلام ح 162
صحیفه‌ی و کتاب حضرت زهرا

شب نزول صحیفه‌ی زهرا
م- معجزات
حدیث 198

صحیفه‌ی حضرت زهرا
جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید :

وارد منزل امام علی علیه‌السلام شدم، صحیفه‌ای «کتابی» در دستان فاطمه علیها‌السلام دیدم، که رنگ سبز زیبای آن مرا به یاد زمرد انداخت، و در آن کتابی قرار داشت به سفیدی و روشنی نورخورشید، گفتم: پدر و مادرم فدای شما، ای دختر رسول خدا! آن چیست که در دستان شما قرار دارد؟ پاسخ داد :

حدیث 126

قالت: هذا لوح اهداه الله الی ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه لیبشرنی بذلك
(این کتابی است که خداوند آن را به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله اهداء فرمود، در این کتاب نام پدرم، و نام شوهرم «امام علی علیه‌السلام» و نام دو فرزندم و امامانی که از فرزندانم می‌باشند، نوشته شده است، این کتاب به من هدیه شده است، تا بشارت فرح بخشی برای من باشد)
جابر پرسید: آیا اجازه می‌دهید این کتاب را مشاهده و مطالعه کنم؟
فرمود: نه ممکن نیست، مطالب موجود در این کتاب را فقط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌توانند مطالعه نمایند.

مطالب صحیفه فاطمه از اسرار است

آنچه از روایات اسلامی و توضیحات حضرت زهرا علیها‌السلام معلوم میشود این است که مطالب ومباحث صحیفه‌ی فاطمه علیها‌السلام جزو اسرار الهی است که فقط در اختیار رهبران معصوم علیهم‌السلام قرار می‌گیرد .

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیها‌السلام رسیدم، کتاب صحیفه را با رنگی سفید و روشن در دستان مبارک آن حضرت مشاهده کردم، پرسیدم :
این کتاب زیبا چیست؟ آیا اجازه می‌دهید آن را مطالعه کنم؟ پاسخ داد :

حدیث 127

قالت: فیها اسماء الائمه من ولدی یا جابر لو لا النهی لکنت افعل، لکنه قد نهی ان یمسها الا النبی او وصی نبی او اهل بیت نبی
(در این صحیفه‌ی اسامی امامانی ثبت شده است که همه از فرزندان من می‌باشند. ای جابر! اگر نهی نشده بود که غیر از ما آن را ننگرند، اجازه می‌دادم که مطالعه نمایی، هیچ کس حق ندارد، این صحیفه را مطالعه کند، مگر رسول خدا یا وصی پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه

مطالب و مباحث صحیفه‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام جزو اسرار الهی بوده و فقط در اختیار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت، اما برخی از اصحاب رسول خدا مانند جابر بن عبدالله انصاری با اجازه‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام فقط از مباحث کلی آن تا حدودی اطلاع پیدا کرده و یا برخی از صفحات آن را دیده‌اند .

جابر نقل می‌کند: خدمت حضرت زهرا علیها‌السلام رسیدم، صحیفه‌ی نورانی را دیدم. پرسیدم چه کتابی است؟ فرمود :

حدیث 128

قالت: هذا لوح اهداه الله الی رسول الله صلی الله علیه و آله فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه لیبشرنی
قال جابر، فیه اثنا عشر اسماء قلت اسماء من هولاء؟
قالت: هذه اسماء الاوصیاء اولهم ابن عمی و احد عشر من ولدی آخرهم القائم علیه‌السلام
قال جابر: فرایت فیها محمدا فی ثلاثه مواضع و علیا فی اربعه مواضع .

(این کتابی است که خدا آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله اهدا فرمود: در این کتاب نام پدرم و شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی که همه از فرزندان من می‌باشند وجود دارد، رسول خدا آن را به من عطاء فرمود، تا خوشحالم کند .

جابر گفت: دوازده نامی که در این کتاب است چه کسانی می‌باشند؟ فرمود :

(این نام های جانشینان پیامبر، اول آنها علی علیه‌السلام و یازده نفر دیگر که همه از نسل من می‌باشند و آخرین آنها حضرت قائم علیه‌السلام است) جابر می‌گوید: درست که نگاه کردم دیدم نام محمد در 3 جا و نام علی در 4 مورد ثبت شده است .

راه مصرف صدقات، حدیث 142

صله‌ی رحم، حدیث 57

صبر و بردباری فاطمه علیهاالسلام، حدیث 162

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ط، ظ، ع» شروع می شود

طعام بهشتی ح 195 و 193

طعام (منزل بی‌طعام) ح 179

طهارت کودک ح 4

ظلم به امام علی علیه‌السلام ح 178

ظلم به فاطمه علیهاالسلام ح 178

ظلم به اهل بیت علیهم‌السلام ح 171 و 172 و 178

ظلم ابابکر و عمر ح 173 و 175 و 176 و 177

ظلم مهاجرین و انصار ح 174 و 57 و 178

عبادت فاطمه علیهاالسلام

عرفان فاطمه علیهاالسلام

علم و ارزش عالم اسلامی

علم و آگاهی فاطمه علیهاالسلام

علم بی‌نهایت

عبادت فاطمه

ع- عرفان فاطمه علیهاالسلام از زبان علی علیه‌السلام، حدیث 130

الف - اخلاص در عبادت، حدیث 6

الف- شب ازدواج، حدیث 12 و 130

عرفان فاطمه

1-خداشناسی فاطمه علیهاالسلام خ- خداشناسی

2-ترک دنیا پرستی د- دنیا و دنیا زدگی

3-نزول ملائکه و سلام فاطمه م- معجزات و کرامات، ح 197 و 198 و 196

4-شکر در مشکلات و سختیها ز- ساده زیستی و کار روزانه، حدیث 88

5-خداگرایی قبل از تولد

در آن روزهای سخت و مصیبت بار آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از هر طرف، فشارهای اقتصادی و اجتماعی و روانی به خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تحمیل می‌شد، و دروغ‌گویان بی‌پروا و بت پرستان بی‌ایمان، دعوت الهی رسول خدا را تکذیب می‌نمودند، حضرت خدیجه نگران آینده و تنهائی پیامبر صلی الله علیه و آله، و نیز نگران مصیبت‌ها و چگونگی مقابله با انواع تهاجمات قریش بود .

او، دل‌تنگ و مضطرب نشسته بود که صدای دلنوازی او را آرامش بخشید، فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام در شکم مادر، به دل‌داری مادر پرداخت و فرمود :

حدیث 129

قالت: یا امه لا تحزنی و لا ترهبی فان الله مع ابی

6-خداگرایی فاطمه علیهاالسلام در سنین کودکی

روزی که حضرت خدیجه علیهاالسلام از دنیا رفت، حضرت زهرا علیهاالسلام به دور پدر می‌چرخید و می‌پرسید :

حدیث 130

قالت: یا ایه این امی

(پدر جان، مادرم کجاست؟)

جبرئیل علیه‌السلام فرمود: یا رسول الله! سلام ما را به فاطمه برسان، و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می‌کند .

وقتی این بشارت را حضرت زهرا علیهاالسلام شنید، فرمود :

قالت: ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام

(بدرستی که خدا حقیقت سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی اوست.

7-عرفان فاطمه از زبان علی علیه‌السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام، و سپری شدن مراسم عروسی، ابتدا از علی علیه‌السلام پرسید: همسرت فاطمه علیهاالسلام را چگونه یافتی؟ امام پاسخ داد :

نعم العون على طاعة الله

(خوب یار و یآوری است در اطاعت کردن از خدا)

سپس از دخترش پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ فرمود:

حدیث 131

قالت: خیر بعل

(بهترین شوهر است)

ارزش علم و عالم اسلامی

ارزش پرسش و پاسخ

امام علی علیه السلام نقل کرد که روزی یکی از زنان مدینه خدمت زهرا علیها السلام رسید و گفت:

مادر پیری دارم که در مسائل نماز سنوالاتی دارد، و مرا فرستاده تا مسائل شرعی نماز را از شما بپرسم

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: بپرس .

و آنگاه مسائل فراوانی مطرح کرد و پاسخ شنید

در ادامه ی پرسشها، آن زن خجالت کشید و گفت:

ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

حدیث 132

قالت: هاتی ولسی عما بدا لك، ارایت من اكرتري یوما یصعد الی سطح یحمل ثقیل و كراه مأه ألف دینار یثقل علیه؟

قالت: لا .

فقلت: اكرتري انا بكل مسألة باكثر من ملء ما بین الثری الی العرش لؤلؤا فاحری ان لا یثقل علی

باز هم بیا و آن چه سؤال داری بپرس. آیا اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را به بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار است؟

گفت: خیر، حضرت ادامه داد:

من هر مساله ای را که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله ی بین زمین و عرش گوهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم، پس سزاوارتر است که بر من سنگین نیاید)

ارزشمندی یک حدیث

شخصی از مؤمنین مدینه روایتی را از حضرت زهرا علیها السلام در خواست نمود، حضرت به فضا فرمود، آن روایت را که بر کاغذی نوشته شده است بیاور، پس از جستجوی فراوان اطلاع داد که روایت

مورد نظر گم شده است حضرت زهرا علیها السلام ناراحت شده فرمود:

حدیث 133

و یحك اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا

(وای بر تو، بگرد و پیدا کن، زیرا ارزش معنوی این حدیث نزد من برابر با ارزش حسن و حسین علیهما السلام است)

با توجه به این رهنمود ارزشمند، نکات ظریفی نسبت به ارزش علم و تحقیقات اسلامی برای ما روشن می‌شود، مانند:

1- حضرت زهرا علیها السلام تمام روایات و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌نوشت .

2- احادیث نوشته شده را طوری نگهداری می‌فرمود که زود متوجه می‌شد، فلان روایت در جای خود قرار دارد یا نه؟ (سیستم بایگانی روایات داشت)

3- آیا در جهان علم می‌توان کسی را سراغ داشت که ارزش یک روایت را با ارزش فرزندان، همانند امام حسن و امام حسین علیهما السلام برابر بداند؟

علم و آگاهی حضرت زهرا

آگاهی از زمان شهادت

روایت اسماء

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار می‌گوید:

هنگام شهادت حضرت زهرا علیها السلام در کنار او بودم. به من فرمود:

حدیث 134

ان جبرئیل اتی النبی لما حضرته الوفاة بكافور من الجنة، فسمه اثلاثا، ثلثا لنفسه، و ثلثا لعلی و ثلثا لی و كان اربعین درهما

فقلت یا اسماء ایتینی ببقیة حنوط والدی فضعیه عند راسی و انتظرنی هنیهة ثم ادعینی فان اجبتک و الا فاعلمی انی قد قدمت علی ابی

(هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت جبرئیل، مقداری از کافور بهشتی برای رسول خدا آورد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سه قسمت کرد. یک قسمت آن را برای خود برداشت، و قسمت

دیگر آن را به علی علیه السلام و قسمت آخر را برای من گذاشت که (وزن) آن چهل درهم بود .

ای اسماء آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار، اندکی صبر کن و در انتظار من باش سپس مرا صدا بزن، اگر جواب تو را ندادم، بدان که به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق شده‌ام)

اسماء می‌گوید: اندکی صبر کردم و آنگاه فاطمه علیها السلام را صدا زدم، جوابی نشنیدم، دانستم که به ملکوت اعلی پیوسته است .

روایت سلمی

«سلمی ام بنی رافع» نقل می‌کند که :

در لحظه‌های واپسین زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام در خدمتش بودم، آبی برای غسل و شستشوی بدن خواست. فوراً آماده کردم. سپس فرمود: لباسهای تازه‌ی مرا بیاورید .
لباسهای آن حضرت را آوردم، آنها را پوشید و وارد اتاق خود شد، و در بستر استراحت رو به قبله قرار گرفت، آنگاه خطاب به من فرمود :

حدیث 135

قالت: یا امه، انی مقبوضه الان، انی قد فرغت من نفسی و انی قد اغتسلت فلا یکشفنی احد

(ای مادرا من در همین لحظه، قبض روح می‌شوم و بسوی پروردگارم خواهم رفت، بدرستی که از جانم فارغ شدم. من غسل کرده‌ام (و با لباسهای پاکیزه آمیدم)، پس هیچکس لباس از تن من برنگیرد)
پس از آن دست راست خود را زیر سر نهاد، و روی به قبله آمید و جان به جان آفرین تسلیم فرمود .

آگاهی از لحظه شهادت

روایت ابن عباس

ابن عباس نقل می‌کند :

حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه‌های واپسین شهادت، دست حسن و حسین علیهماالسلام را گرفت و به طرف قبر رسول خدا شتافت، سپس بین قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز خواند،
پس از نماز، حسن و حسین علیهماالسلام را در آغوش خود فشرد و با آنها وداع نمود و فرمود :
پدرتان علی علیه‌السلام در حال نماز خواندن است، پیش پدر بمانید .
آنگاه خود به سوی منزل حرکت کرد، همسر جعفر طیار «اسماء» را صدا زد و فرمود :

حدیث 136

قالت: لا تفاقدینی فانی فی هذا البیت واضعۃ جنبی ساعه، فاذا مضت ساعه و لم اخرج فنادی، فان اجبتک فادخلی و الا فاعلمی انی الحقت برسول الله صلی الله علیه و آله

(ای اسماء! جایی نمی‌روم، در این اتاق ساعتی استراحت می‌کنم. پس از گذشت یکساعت، اگر از اطاق بیرون نیامدم، مرا صدا کن. اگر جوابت دادم وارد شو، اما اگر پاسخی نشنیدی بدان که به رسول خدا
صلی الله علیه و آله پیوسته‌ام (و از این دنیا بار سفر بستم))

رازگویی با همسر

حضرت زهرا علیهاالسلام در ساعات آخر زندگانی خویش با امام علی علیه‌السلام رازی را افشا کرد، و از لحظه‌های وفات خویش خبر داد :

حدیث 137

قالت: یا اباالحسن، رقدت الساعه فرایت حبیبی رسول الله صلی الله علیه و آله فی قصر من الدر الابیض، فلما رأنی قال صلی الله علیه و آله: «هل می الی یا بنیۃ فانی الیک مشتاق» فقلت و الله انی لاشدشوقا
منک الی لقائقک، فقال: «انت اللیلۃ عندی» و هو الصادق لما وعد و الموفی لما عاهد
(ای اباالحسن! در همین ساعت به خواب رفته بودم، محبوبم، رسول خدا را در قصری از مروارید سفید دیدم، چون مرا دید، فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توام، پاسخ دادم: سوگند به
خدا، اشتیاق من برای زیارت شما شدیدتر است، در این هنگام پدرم فرمود: تو امشب در پیش ما خواهی بود، رسول خدا آن چه وعده دهد، راست است و به آن چه عهد و پیمان بندد وفا می‌کند.)

آگاهی از شهادت حسین در کربلا

در زمزمه‌های شاعرانه، از مشکلات اقتصادی، و سپس به شهادت حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام در کربلا، اشاره می‌فرماید :

حدیث 138

1) امسوا جیاعا و هم اشبالی

اصغرهم یقتل فی القتال

2) بکربلا یقتل باغتیال

لقاتیه الویل مع و بال

1- فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، کوچکترین آنان («حسین») در میدان جنگ کشته می‌شود .
2- در کربلا فرزندانم را با حيله و تزویر شهید می‌کنند، نکبت و عذاب بر قاتلان‌شان باد

علم بی‌نهایت

عمار یاسر نقل می‌کند: روزی حضرت فاطمه علیهاالسلام خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود :

حدیث 139

ادن لاحدک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حین تقوم الساعه

((علی جان!) نزدیک بیا تا اطلاع دهم، شما را از آن چه در گذشته اتفاق افتاد و آن چه در حال به وقوع پیوستن است و آن چه در آینده رخ خواهد داد

آگاهی از حوادث تلخ آینده

هنگام وفات غمبار رسول خدا صلی الله علیه و آله، تا سخنان پدر را شنید که فرمود :

برای فرزندانم گریه می‌کنم «بکی لذریتی» حضرت زهرا علیهاالسلام بشدت گریست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم گریه مکن، آرام باش !

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 140

لست ابکی لما یصنع بی من بعدک ولکنی ابکی لفراقک یا رسول الله
(پدرم) برای آن چه بعد از تو بر ما روا می‌دارند، گریه نمی‌کنم، بلکه گریه‌ی من از فراق و دوری تو است ای رسول خدا!

اطلاع از شهادت

بعضی در مبارزه و دفاع، از آینده‌ی خویش بی‌خبرند، و گروهی نمی‌دانند که سرنوشت آنها در جهاد و مبارزه به کجا می‌انجامد؟
اما یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله از آینده‌ی دفاع و مبارزه‌ی خویش با خبر بود، و از شهادت خود خبر می‌داد؟ روزی به امام علی علیه‌السلام فرمود :

حدیث 141

قالت: یا ابالحسن ان رسول الله صلی الله علیه و آله عهد الی و حدثنی انی اول اهله لحوقا به و لابد منه فاصبر لامر الله تعالی و ارض بقضائه
(ای ابالحسن! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله با من پیمان بسته و خبر داده است که من اول کسی خواهم بود که به آن حضرت می‌پیوندم و گریزی از آن نیست، در برابر اوامر و فرمان و خواست خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش).

علم بی‌نهایت

حدیث 139

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «غ، ف» شروع می‌شود

غدیر خم ح 16 و 17 و 18 و 19

غذا خوردن (آداب) ح 30

غذای بهشتی ح 195 و 193

غم و اندوه عزای پیامبر صلی الله علیه و آله ح 36 تا 43

غضب خلافت ح 116 و 108 و 159 و 117

غصب حق اهل بیت علیهم‌السلام ح 178

غنائم جنگی (راه مصرف) ح 147

فدک و دفاعیات سیاسی

فدک و پیامبر صلی الله علیه و آله

فدک و غصب غاصبان

فدک و یاری خواستن از مسلمانان

فضائل فاطمه علیها‌السلام

ماجرای سیاسی فدک

فدک، حق الهی فاطمه

پس از استقرار حکومت کودتائی سقیفه، ابوبکر، بر اساس مشورت با صاحب نظران خود، فدک را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران زندگانی خود به امر الهی به فاطمه علیها‌السلام بخشیده بود،
غصب و کارگران آن حضرت را بیرون کرده و آن مزرعه را در اختیار خود گرفت .

حضرت زهرا علیها‌السلام برای اثبات حقانیت خویش چنین فرمود :

حدیث 142

قالت: اما فدک فان الله عزوجل انزل علی نبیه قرآنا یامر فیه باتیان حقی قال الله تعالی

فأت ذالقربی حقه

فكنت انا و ولدی اقرب الخلاق الی رسول الله صلی الله علیه و آله فنحلنی و ولدی فدکا

فلما تلا علیه جبرئیل علیه‌السلام «و المسکین و ابن السبیل». فقال رسول الله صلی الله علیه و آله :

الیتامی: الذین یاتمون بالله و یرسوله و بذی القربی

و المساکین: الذین اسکنوا معهم فی الدنیا و الاخرة

و ابن السبیل: الذی یسلک مسلکهم

قال عمر: فاذا الخمس و الفیء کله لکم و لموالیکم؟

فقالت: اما فدک، فواجبها الله لی و لولدی دون موالینا و شیعتنا

و اما الخمس فقسمه الله لنا و لموالینا و اشیاعنا کما یقرا فی کتاب الله .

قال: فما لسائر المهاجرین و الانصار و التابعین؟

قالت: ان کانوا موالینا و من اشیاعنا فلهم الصدقات التی قسمها الله و اوجبها فی کتابه

فان عز و جل رضی بذلك و رسوله رضی به

قسم علی الموالاة و المتابعیة لا علی المعاداة و المخالفه، و من عادانا فقد عادی الله و من خالفنا فقد خالف الله و من خالف الله فقد استوجب من الله العذاب الالیم و العقاب الشدید فی الدنیا و الاخرة

قال: هاتی بینة یا بنت محمد علی ما تدعین .

قالت: قد صدقتم جابر بن عبدالله و جریر بن عبدالله، لم تسالوهما البینة، و بینتی فی کتاب الله

(اما درباره‌ی فدک، همانا خداوند بزرگ قرآن را بر پیامبرش نازل فرمود، و در آن امر کرد که حق من داده شود .

آت ذالقربی حقه

چون من و فرزندانم نزدیکترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. رسول خدا فدک را به من و فرزندانم اعطا فرمود و آن گاه که حضرت جبرئیل آیهی «درماندگان و مسافران» آیه 177 بقره را بر پیامبر اسلام تلاوت کرد، پدرم فرمود :

یتیمان و مساکین» کسانی هستند که در سایه سار بارگاه الهی دست بر دامن پیامبر خدا و خاندانش دارند و با فاطمه و فرزندان او زندگی می‌کنند در دنیا و آخرت، و «ابن السبیل» آنهاپند که را اهل بیت علیهم‌السلام را می‌روند)

عمر (با حالت اعتراض) گفت :

پس خمس و غنائم جنگی و اموال عمومی کشور همه مال شما و پیروان شماست؟!!

پاسخ داد :

(اما باغهای فدک، خداوند در قرآن (بخشیدن) آن را به من و فرزندانم واجب کرده است، غیر از پیروان و شیعیان ما. اما خمس را خداوند برای ما وعموم پیروان و شیعیان ما تقسیم فرموده است، همان گونه که در قرآن خوانده می‌شود)

(عمر) دیگر بار پرسید: پس سهم دیگر مهاجرین و انصار و تابعین چیست؟

فاطمه علیهاالسلام توضیح داد :

آنها اگر پیروان و شیعیان ما باشند. از صدقات مشخص شده در کتاب خدا بهره‌مند می‌باشند. خداوند بزرگ و پیامبرش به این گونه تقسیم اموال عمومی رضایت داده‌اند که میزان بهره بردن از اموال عمومی، دوستی و اطاعت از خدا و اهل بیت علیهم‌السلام است نه دشمنی و مخالفت، و (آگاه باشید) هر کس با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر کس با ما مخالفت کند با خدا مخالفت کرده است و آن کس که با خدا دشمنی و مخالفت کند، عذاب دردناک و مجازات شدید از ناحیهی خداوند در دنیا و آخرت بر او واجب می‌گردد..

عمر (خود را به بیراهه زده، پس از شنیدن اینهمه آیات و استدلالهای روشن قرآنی) گفت: ای دختر محمد! برای ادعای خود دلیل و مدرک بیاور !

حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب داد :

(شما جابر بن عبدالله و جریر بن عبدالله را قبول دارید و سخن آنان را تصدیق می‌کنید و از آنها دلیل و مدرک نمی‌خواهید «هرچه خواستند و گفتند و پذیرفتید و به آنها دادید» (چه شده است که از من دلیل و بینه می‌طلبید؟ (مدرک من در قرآن است.))

مطالبه‌ی حق از ابوبکر

حضرت زهرا علیهاالسلام در مطالبه‌ی حق خود نسبت به فدک، خطاب به ابوبکر فرمود :

حدیث 143

قالت: ان رسول الله صلی الله علیه و آله جعل لی فدک فاعطنی ایها

پیامبر اسلام فدک را برای من قرار داده است فدک را بمن برگردانید.

و در سخنان ارزشمند دیگری فرمود :

حدیث 144

قالت: یا ابابکر لم تمنعنی میراثی من ابی رسول الله و اخرجت و کیلی من فدک و قد جعلها لی رسول الله صلی الله علیه و آله بامر الله تعالی

(ای ابوبکر! چرا مانع رسیدن من به میراث پدرم می‌شوی؟ و کارگزاران مرا از فدک بیرون کردی؟ در صورتی که رسول خدا به امر پروردگار فدک را به من بخشیده است.)

کیفیت اعطای فدک به فاطمه

وقتی آیهی «و آت ذالقربی حقه» نازل شد، جبرئیل به رسول خدا عرض کرد :

اعط فاطمه فدکا

((یا رسول الله) فدک را به فاطمه علیهاالسلام عطا کن)

پیامبر اسلام، نزول آیه و امر الهی را به فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام ابلاغ فرمود و ادامه داد :

فیمنعوک ایاه من بعدی

(دخترم! فدک مال تو است، در آن تصرف نما، گرچه می‌دانم، پس از من آن را غصب می‌کنند و از دست تو می‌گیرند)

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

حدیث 145

قالت: لست احدث فیها حدئا و انت حی

انت اولی بی من نفسی و مالی لک... انفذ فیها امرک

((ای رسول خدا) تا زنده‌ای من هرگز در (باغات) فدک تصرفی نخواهم کرد. تو بر من سزاوارتری و اموال من، مال تو است، اما برای اثبات حق من در فدک، مدرک و سند آن را محکم و استوار فرما)

آنگاه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردم را در منزل خویش جمع کرد و حکم الهی را به همگان ارائه فرمود.

سند فدک را پیامبر نوشت

امام باقر علیه‌السلام نقل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیهی «ذی القربی» فاطمه‌ی زهرا را طلبید و سند فدک را به اسم آن حضرت نوشت. که پس از غصب فدک، آن را به ابوبکر

نشان داد و فرمود :

حدیث 146

قالت: هذا کتاب رسول الله صلی الله علیه و آله لی و لابنی

(این نامه را رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من و فرزندانم نوشته است)

بشارت اعطای فدک به فاطمه و فرزندان فاطمه

انس بن مالک نقل می کند :

حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب باغهای فدک خطاب به ابوبکر فرمود :

حدیث 147

قالت: لقد علمت الذی ظلمتنا عنه اهل البیت من الصدقات و ما افاء الله علينا من الغنائم فی القرآن من سهم ذوی القربی

«و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول و لذی القربی» انفال - 41

قال ابوبکر: یسلم الیکم کمالا؟

قالت: افلک هو؟ و لاقربائک؟

قال ابوبکر: اصرف فی مصالح المسلمین

قالت: لیس هذا حکم الله تعالی ان رسول الله صلی الله علیه و آله لم یعهد الی فی ذلک بشیء الا انی سمعته یقول لما انزلت هذه الآیة «و اعلموا انما غنمتم...»

بشروا آل محمد فقد جاءکم الغنی

قال ابوبکر: لم یبلغ علمی من هذه الآیة ان اسلم الیکم هذا السهم کله کمالا .

(ای ابوبکر!) تو می شناسی و می دانی که حق ما اهل بیت غضب شده است. حقی که از صدقات و غنائم داریم که خداوند در آیه مربوط به غنائم و مصرف خمس آن را توضیح داده است

اگر بخدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه بهم رسیدند، نازل کردیم، ایمان آورده‌اید، بدانید هرگاه چیزی را به غنیمت گرفتید، خمس آن برای خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و

مسکینان و در راه ماندگان است.

ابوبکر گفت: آیا فدک را بطور کامل باید تسلیم شما کنم و (مال شماست؟)

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

(آیا فدک مال تو است؟ و یا به نزدیکان تو اختصاص دارد؟)

ابوبکر گفت: من آن را در رابطه با مصالح مسلمین خرج می‌کنم .

حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

(این حکم الهی نیست (که اموال مشخص مردم را تصاحب کنی) و پدرم رسول خدا چنین دستوری بما نداده است. در صورتی که از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه 41 انفال

شنیدم که فرمود: بشارت باد ای فرزندان محمد صلی الله علیه و آله که مایه‌ی غنا و بی‌نیازی شما رسیده است)

ابوبکر که دیگر عذری نمی‌توانست بیاورد، به تفسیر شخصی خویش متوسل شد و گفت :

علم من اجازه نمی‌دهد که طبق این آیه، فدک را تماما به شما تحویل دهم.

جای بسی شگفتی است، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از نزول همین آیه، فدک را به فاطمه علیها السلام می‌بخشد، اما علم ابوبکر برای قرآن و فرمان الهی و عمل رسول خدا صلی الله علیه

و آله، اجازه نمی‌دهد تا دست از غضب فدک بردارد! !

فدک میراث پیامبر و اموال فاطمه است

مطالبه‌ی میراث پیامبر

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب فدک به ابوبکر فرمود :

حدیث 148

قالت: اعطنی میراثی من ابی رسول الله صلی الله علیه و آله

(میراث پدرم را به من بازگردان)

ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی‌گذارد: «النبی لا یورث»

فقالت: الم یرث سلیمان داود؟

(آیا سلیمان (پیغمبر) از داود پیغمبر ارث نبرده است؟) النمل - 16

ابوبکر عصبانی شد و پاسخ داد: «پیامبر ارث نمی‌گذارد»

فقالت: الم یقل زکریا فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب؟ مریم - 6

(آیا زکریای پیامبر نفرمود که خدایا فرزندی به من عطا فرما تا از من و آل یعقوب ارث ببرد؟)

ابوبکر تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی‌گذارد»

فقالت: الم یقل یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین؟ نساء - 11

حضرت زهرا علیها السلام ادامه داد که :

(ای ابوبکر! آیا قرآن کریم نفرموده است که خدا وصیت کرده در فرزندان شما، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد؟ پس ارث دختر از پدر غیر قابل انکار است)

و ابوبکر همان سخن اول خود را که مخالف آیات قرآن بود تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی‌گذارد».

اثبات ارث با آیات قرآن

حضرت زهرا علیها السلام وقتی غضب فدک را محکوم کرد، از ابوبکر پرسید :

چرا ارث مرا از رسول خدا غضب کردید؟

ابوبکر پاسخ داد: پیامبر ارث نمی‌گذارد .

حضرت فاطمه علیها السلام با آیات قرآن ادعای او را مردود شمرد و فرمود :

حدیث 149

قالت: اکفر بالله؟ و کذبت بکتابه؟ قال الله :

یو صیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین

((ابوبکر! آیا به خدا کافر شده ای و کتاب خدا را تکذیب کرده ای؟ خداوند در قرآن کریم فرموده است: وصیت می کند خداوند شما را درباره ی فرزندانان که پسر دو برابر دختر ارث می برد.)

اثبات ارث با مناظره و استدلال عقلی و شرعی

حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب فدک در یک مناظره ی کوبنده از ابوبکر سؤال کرد :

حدیث 150

قالت: یا ابابکر من یرثک اذا مت؟

(ای ابوبکر چه کسی از تو ارث می برد، هنگامی که مردی؟)

ابوبکر پاسخ داد: (زن و فرزندانم)

حضرت زهرا علیها السلام ادامه داد :

فمالی لا ارث رسول الله صلی الله علیه و آله؟

(پس چه شده است که من (دختر رسول خدا) از پدرم ارث نمی برم؟)

ابوبکر پاسخی نداشت. فقط ادعای خود را مطرح کرد که «پیامبر ارث نمی گذارد

حضرت زهرا علیها السلام در حالی که خشمی مقدس همهی وجود او را گرفته بود، فرمود :

حدیث 151

قالت: و الله لادعون الله علیک و الله لا اکلمک بکلمه ما حییت

(سوگند به خدا تو را نفرین می کنم، سوگند به خدا تا زنده ام کلمه ای با تو صحبت نخواهم کرد)

مناظره ی کوبنده و اولین شهادت باطل

امام صادق علیه السلام نقل فرمود: پس از غضب فدک با ادعای ساختگی ابوبکر که «پیامبر ارث نمی گذارد»، حضرت زهرا علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود :

حدیث 152

قالت: یا ابابکر ادعیت انک خلیفه ابی و جلست مجلسه و انک بعثت الی و کیلی فاخرجه من فدک و قد تعلم ان رسول الله صلی الله علیه و آله تصدق بها علی و ان بذلک شهودا

قال ابوبکر: ان النبی لا یورث .

قالت: زعمت ان النبی صلی الله علیه و آله لا یورث،

«و ورث سلیمان داود» نمل - 16

و ورث یحیی زکریا

و کیف لا ارث انا ابی؟

قال ابوبکر ان عائشه و عمر شهدا انهما سمعا رسول الله صلی الله علیه و آله یقول ان النبی لا یورث .

(ای ابوبکر! ادعای خلافت و جانشینی پدرم را داری و بر جای او نشسته ای و آنگاه افرادی را به سوی وکیل من در فدک فرستادی و او را بیرون کردی! در حالیکه خوب می دانی رسول خدا صلی الله علیه

و آله فدک را به من بخشیده است و من بر این بخشش گواهانی دارم)

ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی گذارد .

حضرت زهرا علیها السلام برای اثبات ارث بردن پیامبران از یکدیگر از آیات قرآن استفاده کرد و فرمود :

(و گمان داری که پیامبر ارث نمی گذارد. در صورتی که در قرآن آمده است: «حضرت سلیمان از داوود پیامبر ارث برد» و حضرت یحیی از زکریا ارث برده است. چگونه من از پدرم ارث نمی برم؟) ابوبکر

که جوابی نداشت، گفت :

(عائشه و عمر شهادت می دهند که رسول خدا فرمود :

پیامبر ارث نمی گذارد

"ناگهان از حدیث جعلی به شهادت آن دو تن تنزل کرد"

حضرت زهرا علیها السلام جواب داد:

حدیث 153

قالت: فقالت: هذا اول شهادة زور شهدا بها فی الاسلام، فان فدکا انما هی تصدق بها علی رسول الله صلی الله علیه و آله ولی بذلک بینة

(این اولین شهادت باطل است که آن دو تن در اسلام گواهی دادند. زیرا فدک به من بخشیده شده و رسول خدا آن را به من عطا فرمود و بر این بخشش دلیل و مدرک دارم)

اثبات ارث با شهادت شاهدان

پس از آنکه ابوبکر در برابر استدلالهای روشن قرآنی حضرت زهرا علیها السلام جوابی برای غضب فدک نداشت، و برای اثبات حدیث جعلی به شهادت عائشه و عمر متوسل شد، لازم بود در برابر شهادت

دروغین آنها از شهادت شاهدان صادق استفاده شود .

از این رو، ام ایمن و اسماء بنت عمیس به نفع حضرت زهرا علیها السلام در اعطای فدک از طرف رسول خدا به دخترش گواهی دادند

اما عمر و ابوبکر تسلیم نمی شدند .

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

حدیث 154

فقالت: الم تسمعا من ابی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول :

اسماء بنت عمیس و ام ایمن من اهل الجنة؟

قالا بلی .

فقالت: امرأتان من الجنة تشهدان بباطل؟

ثم قالت: قد اخبرني ابي باني اول من يلحق به فوالله لاشكونهما

(آیا مگر از پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله نشنیده‌اید که فرمود: اسماء و ام ایمن از اهل بهشتند؟)

ابوبکر و عمر گفتند: آری شنیدیم .

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

((پس چرا با گواهی آن دو نفر فدک را تحویل من نمی‌دهید؟) آیا دو زن بهشتی به باطل شهادت داده‌اند؟)

و چون پاسخ مثبتی از آن دو نفر نشنید در حالی که دردآلود، رسول خدا را می‌خواند، فرمود :

(پیامبر خدا مرا خبر داده است، من اول کسی هستم که به آن حضرت ملحق می‌گردم. پس سوگند به خدا که از ابوبکر و عمر در حضور پیامبر شکایت می‌کنم.)

و در روایت دیگری آمده است که پس از گواهی عائشه و عمر در اثبات حدیث ادعایی ابوبکر، حضرت زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن که گواهان صادق اعطای فدک از طرف رسول

خدا صلی الله علیه و آله به دخترش بودند، درخواست گواهی نمود

امام علی علیه السلام و ام ایمن شهادت دادند که «فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه بخشیده است»

آن گاه حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر فرمود: دیگر چه می‌گوئید؟

حدیث 155

فقالت: علی علیه السلام و ام ایمن یشهدان بذلک

(علی علیه السلام و ام ایمن شهادت می‌دهند که فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن بخشیده است)

اگر شهادت ملاک است، پس فدک را به من برگردانید .

اما متأسفانه پاسخ شنید که :

ای دختر رسول خدا! فدک را فقط با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن می‌توانیم بشما برگردانیم.

و یادشان رفته بود که اسماء بنت عمیس و ام ایمن قبلاً شهادت داده بودند

و ابابکر قول داده بود «اگر ام ایمن شهادت دهد، فدک را بر می‌گردانم»

اما پس از گواهی او بهانه‌ی دیگری مطرح کرد که (دو زن با یک مرد باید شهادت دهند)

غضب فدک

سران سقیفه ابتدا غضب فدک را با ادعای حدیث جعلی، و شهادت شهود می‌خواستند اسلامی جلوه دهند، اما استدلال‌های قرآنی حضرت زهرا علیها السلام، و افشاگرایی کوثر قرآن، همه‌ی آن ترفندها را

نقش بر آب نمود و ناچار شدند با سرنیزه و سیلی زدن و فشار و قدرت، فدک را در دست خود نگهدارند .

وقتی ابوبکر از حدیث دروغین دست کشید و به شهادت گواهان تکیه نمود، حضرت زهرا علیها السلام پس از گواهی امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن به ابوبکر فرمود :

حدیث 156

قالت: ان ابي اعطاني فدكا و علي عليه السلام و ام ایمن یشهدان

(بدرستی که پدرم فدک را به من بخشید و علی علیه السلام و ام ایمن هم شهادت می‌دهند)

ابوبکر به ظاهر تسلیم شد، دستور داد کاغذی آوردند که در آن نوشت: "فدک جزو اموال فاطمه علیها السلام است، به او بازگردانید"

حضرت زهرا علیها السلام نامه‌ی خلیفه را گرفت و به طرف منزل می‌آمد که عمر در بین راه، توطئه غضب فدک را افشا کرد، و با حرکت خشن خود نشان داد که جعل حدیث و شهادت شاهدان، و طرح

مباحث حقوقی در غضب فدک، همه بهانه‌ای بیش نبود .

عمر با خشونت پرسید: از کجا می‌آیی فاطمه علیها السلام؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد :

حدیث 157

قالت: جئت من عند ابي بكر اخبرته ان رسول الله صلى الله عليه و آله اعطاني فدكا و ان عليا و ام ایمن یشهدان لی بذلک فاعطانيها و كتب لی بها

(از نزد ابوبکر می‌آیم، به او خبر دادم که رسول خدا فدک را به من اعطا فرمود و علی علیه السلام و ام ایمن بر حقانیت من گواهی می‌دهند. بنابراین ابوبکر تسلیم شد و نامه‌ای (جهت بازگرداندن فدک)

برای من نوشت)

عمر قدم پیش گذاشت و گفت: نامه ابابکر را بده

حضرت زهرا علیها السلام امتناع ورزید

کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین

آن گاه که ادعاها دروغین از آب درآمد

و ماسکهای بظاهر اسلامی فرو افتاد

و جواب استدلال‌های قرآنی و شهادت شاهدان صادق را نادیده گرفتند

و نامه و حکم حکومتی خود را به هیچ انگاشتند و بر آن آب دهان انداختند و آن را و در تداوم حرکت نظامی، برهان و استدلال دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را با سیلی و شلاق پاسخ دادند،

چاره‌ای جز افشاگری و کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین وجود نداشت باید با مردم حرف می‌زد و مردم را بیدار می‌نمود .

مناظره در اجتماع مسلمین

حضرت فاطمه علیها السلام، همراه با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان حسن و حسین علیهما السلام، به سوی خانه‌های مهاجرین و انصار رفت، و آنها را به یاری طلبید و روزی دیگر در جمع

مسلمین ابوبکر و عمر را مخاطب قرار داد و فرمود :

حدیث 158

قالت: اليست فدک فی یدی؟ و فیها و کیلی و قد اكلت غلتها و رسول الله صلى الله عليه و آله حی؟

قالا بلی

قالت: فلم تسالنی فی البینة علی ما فی یدی؟!!

قالا: لانها فیء المسلمین

قالت لهما و الناس حولهما یسمعون :

افتریدان ان تردا ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و تحکما فینا خاصة بما لم تحکما فی سائر المسلمین؟! ایها الناس اسمعوا ما رکیباها .ارایتما ان ادعیت ما فی یدی المسلمین من اموالهم تسالوننی

البینة ام تسالونهم؟

قالا: لا بل نسالک

قالت: فان ادعی جمیع المسلمین ما فی یدی تسالونهم البینة ام تسالوننی؟

فغضب عمرو قال: ان هذا فیء للمسلمین .

قالت: حسبی اشدکم بالله ایها الناس اما سمعتم رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: ان ابنتی سیده نساء اهل الجنة؟

قالوا: اللهم نعم .

قالت: افسیده نساء اهل الجنة تدعی الباطل و تاخذ ما لیس لها؟! ارایتم لو ان اربعة شهدوا علی فباحشة او رجلین بسرقة اکتتم مصدقین علی؟

قال عمر: نعم و نوقع علیک الحد

فقالت: کذبت و لوئت الا ان تقر انک لست علی دین محمد صلی الله علیه و آله ان الذی یجیز علی سیده نساء اهل الجنة شهادة او یتیم علیها حد لملعون کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله

ان من اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا لا تجوز علیهم شهادة لانهم معصومون من کل سوء مطهرون من کل فاحشة :

(آیا باغات فدک در دست من نبود؟

و وکلا و کارگران من در آن کار نمی کردند؟

و من از میوهها و سبزیجات آن نمی خوردم؟

آن هم در روزهایی که رسول خدا زنده بودند؟)

عمر و ابوبکر گفتند: آری

حضرت فاطمه علیها السلام ادامه داد :

(پس آن چه که در دست من بود، برای گرفتن آن چرا از من سؤال نکردید؟ و از مدرک و سند آن نپرسیدید؟)

عمر و ابوبکر گفتند: برای این که فدک جزو اموال مسلمین است .

حضرت زهرا علیها السلام خطاب به آن دو نفر در حالی که جمعیت فراوانی اطرافشان گرد آمده بودند فرمود :

(آیا شما اراده کردید آن چه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده است، دگرگون سازید؟

و درباره ی ما اهل بیت حکمی نمایید که درباره ی دیگران روا نمی دارید؟ ای مردم مدینه! بشنوید، این دو نفر چه می گویند و چه می کنند؟

از شما دو نفر می پرسم :

آیا اگر من اموالی را که در دست مسلمانان است، ادعا نمایم از من دلیل و مدرک می خواهید، یا از دیگران و صاحبان اموال؟)

گفتند: از تو که مدعی اموال دیگرانی .

حضرت فاطمه علیها السلام دیگر بار پرسید :

(حال اگر مسلمانان اموالی را که در دست من است، ادعا نمایند، از آنها باید دلیل و مدرک بطلبید یا از من؟)

عمر در حالی که سخت عصبانی شده بود جواب نداد و همان حرف قبلی را تکرار کرد که: فدک جزو اموال مسلمین است .

حضرت زهرا علیها السلام خطاب به جمعیت حاضر فرمود :

(کافی است، شما را بخدا سوگند می دهم ای مردم! آیا از پیامبر اسلام شنیدید که می فرمود: همانا دخترم فاطمه سید و بزرگ زنان اهل بهشت است؟)

جمعیت همگی گفتند: آری از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدیم .

پس از اعتراف عموم مردم حضرت ادامه داد :

(ای مردم آیا سید و بزرگ زنان بهشتی ادعای باطل می کند و اموالی را می گیرد که مال او نیست؟ ای مردم چگونه فکر می کنید؟ اگر چهار نفر علیه من به عمل زشتی شهادت دهند و یا دو نفر شهادت

دهند که من دزدی کردم آیا آنها را تصدیق می کنید؟)

در میان سکوت مسلمانان و ابوبکر، عمر گفت :

آری و بر تو حد جاری می سازیم .

حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

(دروغ گفتی و دشمنی و پستی خود را ظاهر ساختی، مگر آن که اقرار کنی که بر دین محمد صلی الله علیه و آله نیستی .

آن کس که بخود اجازه می دهد تا بر سید زنان بهشتی شهادت دروغ روا دارد یا بر او حدی جایز شمارد، کافر و مورد لعن و نفرین الهی است .

زیرا آیات الهی را که بر پیامبر اسلام نازل شده است، منکر شده خدائی که زشتیها و پلیدیها را از اهل بیت دور کرده و آنها را از هر گونه گناه و لغزشی پاک نموده، اجازه نمیدهد که کسی شهادت دروغ

بر ضدشان مطرح نماید، به علت آن که اهل بیت علیهم السلام از هر بدی معصوم و از هر عمل زشتی پاک و مطهرند.)

به یاری طلبیدن مسلمانان

در تداوم افشاگریهای اجتماعی، حضرت زهرا علیه السلام به طرف خانه های مهاجرین و انصار می رفت و آنان را به یاری می طلبید تا غضب فدک را ساده بشمارند. روزی خطاب به معاذ بن جبل فرمود :

حدیث 159

قالت: یا معاذ بن جبل انی قد جئتک مستنصرة و قد بایعت رسول الله صلی الله علیه و آله علی ان تنصره و ذریته و تمنعه مما تمنع منه نفسک و ذریته و ان ابابکر قد غضبنی علی فدک و اخرج وکیلی

منها .

(ای معاذ بن جبل! همانا نزد تو آمده ام و از تو طلب یاری دارم .

زیرا که با پیامبر خدا علیه‌السلام بیعت کردی تا پیامبر و فرزندان او را یاری و از آنان دفاع کنی همچنان که از خود و خاندان خود دفاع می‌کنی .
پدرستی که ابوبکر حق مرا در فدک غضب کرده است و وکیل و کارگران مرا اخراج نموده است)

آگاهی از پیمان شکنی مخالفان ولایت
در همان لحظه‌های آغازین اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در غدیر خم، و تحقق بیعت عمومی برای ولایت، حضرت زهرا علیه‌السلام از پیمان شکنی، دورویی مخالفان غدیر، آگاهی داشت آنگاه که
حارث بن نعمان مخالفت کرد و گفت :
خدایا اگر ولایت علی علیه‌السلام بحق از طرف تو اعلام شد سنگی بر من فرود آید و به زندگی من خاتمه دهد
که فوراً عذاب الهی رسید، و سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت
حضرت زهرا علیها‌السلام نگاهی معنادار به امام علی علیه‌السلام نمود و فرمود :

حدیث 160

قالت: انظرن يا ابالحسن ان هذا الرجل وحده؟! و الله ما هو الا طليعة قوم لا يلبثون ان يكشفوا عن وجوههم اقتعتها عندما تلوح لهم الفرصة
(ای ابوالحسن! آیا گمان می‌کنی در مخالفت با غدیر، این مرد تنهاست؟
سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره‌اشان فرو نیافتاده است .
و آنگاه که فرصت بدست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت)
علی علیه‌السلام در پاسخ فرمود :
من دستور خدا و پیامبر را انجام می‌دهم و بخدا توکل می‌کنم که بهترین یاری دهنده است .

سخن‌رانی افشاگرانه در مسجد
خ- خطبه‌ها، خطبه‌ی حضرت در مسجد حدیث 57

فضائل فاطمه از کلام پیامبر

فاطمه بزرگ زن جهانیان
در آخرین لحظه‌های زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها‌السلام بشدت گریست، رسول خدا صدای گریه‌ی دخترش را شنید، مطالبی را آهسته به او منتقل فرمود که فاطمه علیها‌السلام خندید،
و علت آن را اینگونه توضیح داد که :

حدیث 161

قالت: فبکیت بکائی الذی رایت فلما رای حزنی سارنی الثانية فقال صلی الله علیه و آله :
یا فاطمه اما ترضین ان تكونی سیده نساء العالمین؟

فضیحت

(وقتی حال رسول خدا را آن چنان دیدم، گریستم گریه‌ای که شما دیدید .
وقتی پدرم حزن و اندوه مرا مشاهده فرمود، دوباره با من نجوا کرد و فرمود :
ای فاطمه! آیا راضی و خشنود نیستی که سید و بزرگ زنان جهانیان باشی؟
پس خندیدم (و شاد شدم))

فاطمه بزرگ زن بانوان بهشتی

حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود :

در لحظه‌های آخر زندگانی، وقتی پدر صدای گریه‌ی مرا شنید، فرمود :

حدیث 162

یا بنیة انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیه منک فلا تكونی من ادنی امرأة صبرا انک سیده نساء اهل الجنة
(دخترم عزیزم! هیچ کدام از زنان مسلمانان ارزش و مقام تو را ندارند . پس در صبر و بردباری همانند کمترین زنان نباش، زیرا تو سید و بزرگ زنان بهشتی)

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «قی» شروع می‌شود

قرآن

قضاوت میان کودکان

قیامت

قرآن و تلاوت قرآن

فضیلت قرائت قرآن

حضرت فاطمه علیها‌السلام نسبت به تلاوت برخی از سوره‌های قرآن فرمود :

حدیث 163

قال: قارىء الحديد، و اذا وقعت، و الرحمن، يدعى فى السموات و الارض، ساكن الفردوس
(تلاوت كندهى سورهى «حديد و واقعه و الرحمن» در آسمانها و زمين اهل بهشت خوانده مى شود.)

اشتياق تلاوت قرآن

و در رهنمود ارزشمند ديگرى فرمود :

حديث 164

قال: حيب الى من دنياكم ثلاث :

تلاوة كتاب الله و النظر فى وجه رسول الله و الاءفاق فى سبيل الله

(از دنياى شما سه چيز محبوب من است :

1- تلاوت قرآن

2- نگاه به چهره‌ى رسول خدا صلى الله عليه و اله

3- انفاق در راه خدا)

سفارش به خواندن قرآن بر روى قبر خویش

و- وصيت‌هاى شخصى

قضاوت

مشكل قضاوت ميان كودكان ت- تربيت كودك حديث 45

معاد و قيامت

ياد قيامت

رسول گرامى اسلام روزى فاطمه عليها السلام را نگران و اندوهگين يافت و پرسيد :

حزن و اندوه تو براى چيست؟

پاسخ شنيد :

حديث 165

قال: يا ابة ذكرت المحشر و وقوف الناس عراه يوم القيامة، واسواته يومئذ من الله عز و جل

(اى پدر! ياد آوردم روز محشر و توقف مردم را در آن روز، در حالى كه برهنه‌اند، واى از زشتيها در پيشگاه خداى بزرگ در آن روز)

ترس از عذاب قيامت

ت- ترس حديث 46

سخناني كه ابتدای آنها با حرف «ك، گ» شروع می شود

كار زن ح 92 و 95 و 94 و 208

كرامات و معجزات م- معجزات

كربلا و ياد شهادت حسين ح 104 و 106 و 122 و 138

كافور بهشتى ح 134

كم فروشى ح 57

گرسنگى فراوان ح 108 و 179 و 181 و 188 و 186 و 189 و 187 و 182 و 191 و 193 و 194

گنهكاران (شفاعت از آنها) ح 119 و 121

گوشت قربانى ح 5

گره‌هاى فاطمه ح 22 و 107 و 110 و 116 و 140 و 166

گره‌هاى مداوم فاطمه

پس از وفات رسول خدا صلى الله عليه و اله، و پيش آمدن مشكلات و مصيبتها بر اهل بيت عليهم السلام، عزادارى و گره‌هاى حضرت زهرا عليها السلام تداوم داشت، و طبيعى بود كه سران حكومت كودتا،

احساس خطر مى كردند .

افرادى را خدمت اميرالمؤمنين عليه السلام فرستادند، تا گره‌ها و عزادارى حضرت فاطمه عليها السلام را كنترل نمايد. و امام على عليه السلام به آن حضرت اطلاع داد كه گروهى آمده‌اند و مى گويند:

فاطمه عليها السلام يا شب گره كند و يا روز !

حضرت فاطمه عليها السلام جواب داد :

حديث 166

قال: يا ابا الحسن ما اقل مكثى بينهم و ما اقرب مغيبى من بين اظهريهم فوالله لا اسكت ليلا و لا نهارا او الحق بابى رسول الله صلى الله عليه و اله

(اى ابا الحسن، چقدر اندك است، ماندن من در ميان مردم و چقدر نزديك است، زمان پنهان شدن من از جمعشان! سوگند به خدا هرگز سكوت نمى كنم، نه در شب و نه در روز، (گره‌هاى مداوم را

تعطیل نمی‌نمایم) تا این که به پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله ملحق گردم)
حضرت علی علیه‌السلام فرمود: هر طور دوست داری عمل کن!
و آن گاه جایی را در بقیع بنام «بیت الاحزان» برای فاطمه علیها‌السلام درست کرد تا به عزاداری و گریه‌های خود ادامه دهد.

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «م» شروع می‌شود

مالکیت خصوصی

مبارزات سیاسی

مبارزه‌ی منفی (انواع مبارزه)

مشکلات زندگی

معجزات و کرامات فاطمه علیها‌السلام

مقام مادر

مهمان نوازی

حق مالکیت خصوصی

حضرت زهرا علیها‌السلام نسبت به حق مالکیت خصوصی، و احترام به اموال دیگران فرمود:

حدیث 167

قالت: الرجل احق بصدر دابته و صدر فراشه و الصلاة فی منزله الا امام یجتمع الناس علیه
(هر فردی سزاوارتر است به سواری از اسب خویش، و اداره‌ی خانه و خانواده خویش و نماز خواندن در منزل خویش. مگر فردی که مردم در خواست نماز جماعت از او داشته باشند)
و در کلام ارزشمند دیگری فرمود:

حدیث 168

قالت: صاحب الدابة احق بصدرها
(صاحب مرکب سزاوارتر است به سواری از مرکب خویش)

انواع مبارزات سیاسی

یادآوری و هشدار

در برابر گروهی که می‌خواستند، عذر تقصیر بیاورند، و گذشته‌ها را بگونه‌ای فراموش نمایند، فرمود:

حدیث 169

قالت: تعلمون ان عمر جاءنی و حلف لی بالله ان عدتم لیحرقن علیکم البیت؟
(شما می‌دانید که عمر پشت درب خانه‌ی ما آمد و سوگند یاد کرد که اگر از بیعت سرپیچی کنم، خانه را بر سر ما آتش خواهد زد)

افشاگری و محکومیت

بویکرو عمر، پس از تقویت حکومت خویش و سرکوبی مخالفان، برای جلب افکار عمومی به فکر دلجوئی از حضرت زهرا علیها‌السلام و جبران اشتباهات گذشته افتادند، و با تلاش فراوان همراه با امام علی
علیه‌السلام به خدمت آن یگانه دخت پیامبر رسیدند
سلام کردند. عذر خواهی نمودند که:

(گذشته‌ها گذشت و اشتباهاتی تحقق یافت، به هر حال شما دختر پیامبر رحمت، باید گذشته‌ها را نادیده انگارید و ما را عفو فرمائید)

حضرت زهرا علیها‌السلام برای آن که واقعیت‌ها را به همه‌ی انسانها در طول تاریخ بشناساند، و به آنها نیز بفهماند که هر گذشته‌ای را نمی‌توان نادیده انگاشت و در برابر انحراف ملت و سیر ارتجاعی
حکومت نمی‌شود بی‌تفاوت ماند، آنها را به سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله توجه داد و فرمود:

حدیث 170

قالت: نشدتکما الله الم تسمعا رسول الله صلی الله علیه و آله یقول:

فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی؟

رضا فاطمه من رضای و سخط فاطمه من سخطی؟

فمن احب فاطمه ابنتی فقد احببني، و من ارضی فاطمه فقد ارضانی؟!!

قالا نعم

قالت: فانی اشهد الله و ملائکته انکما اسخطتمانی و ما ارضیتمانی و لئن لقیته النبی لا شکونکما الیه .

(شما را بخدا سوگند می‌دهم آیا شنیده‌اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فاطمه پاره‌ی تن من است و من از اویم، هر که او را بیازارد مرا آزرده خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من، هر کس فاطمه را دوست بدارد مرا دوست
داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد مرا خشنود ساخته است؟!)

بویکرو و عمر پاسخ دادند: آری (این کلمات را از پیامبر شنیدیم)

حضرت زهرا علیها‌السلام پس از اعتراف آن دو نفر فرمود:

(خدا و ملائکه را بشهادت می‌طلبم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید و آزردید و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با پدرم رسول خدا ملاقات کنم، شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد.)

پس از آنکه برای ابوبکر بیعت گرفتند، و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند، حضرت زهرا علیها السلام فرمود :

حدیث 171

قالت: ما رایت کالیوم قط حضروا اسوء محضرا، ترکوا نبیهم صلی الله علیه و آله جنازة بین اظہرنا و استبدوا بالامر دوننا .
(من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت‌ترین صحنه‌ها را پدید آوردند، جنازه‌ی رسول خدا را در برابر ما وا گذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانند).

سرزنش و توبیخ پیمان شکنان

پس از خیانت دنیایرستان، و سکوت و بی‌تفاوتی خودپرستان ترسو، و ایجاد انحراف و سیر ارتجاعی در امت اسلامی، حضرت زهرا علیها السلام به سرزنش خیانتکاران پرداخته و وجدانهای خفته‌ی آنان را با شلاق ملامت بیدار کرد، و خطاب به مردم فرمود :

حدیث 172

قالت: ویلکم ما اسرع ما خنتم الله و رسوله فینا اهل البیت! و قد اوصاکم رسول الله صلی الله علیه و آله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا
(وای بر شما! چه زود به خدا و پیامبرش درباره‌ی ما اهل بیت، خیانت کردید! در صورتی که رسول گرامی اسلام به شما سفارش نمود تا از ما پیروی کنید، ما را دوست داشته باشید و دست از ما نکشید).

افشای عوامل مصیبت‌ها

دختر طلحه، در یکی از روزهای غمبار پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید، از گریه‌ها و ناله‌های جانکاه آنحضرت، سخت نگران شد و با شگفتی پرسید :
فاطمه جان چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری واداشته است؟
پاسخ فرمود :

حدیث 173

فقالت: تسالیبني عن هنة حلق بها الطائر، و حفي بها السائر، رفعت الی السماء اثرا، و رزئت فی الارض خیرا، ان قحیف تیم، و احویل عدی، جاریا ابا الحسن فی السباق حتی اذا تقریا بالجناق، اسرا له الشنان
و طویاه الاعلان

فلما خبا نور الدین و قبض النبی الامین نطقا بغورهما، و نفتا بسورهما، و ادالا فدک، فیالها کم من ملک ملک انها عطیة رب الاعلی للنجی الافرعی، و لقد نحلنیها للصبیة السواعب عن نجله و نسلی، و انها
لیعلم الله و شهادة امینه، فان انتزعا منی البلغة و معانی اللمظة
فاحتسبها یوم الحشر زلفه، و لیجدتها اکلوها ساغرة حمیم فی لظی حجیم

(ای دختر طلحه، آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده، گویا پیکهای چابک سوار به سرعت آن را به همه‌ی جهانیان
ابلاغ کرده‌اند که گرد و غبار آن تا آسمان بالا رفت و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفت، (می‌دانی مصیبت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند؟)

از پست‌ترین قبائل عرب، قبیله‌ی «تیم» ابوبکر بن ابی قحافه، و از حیل‌ه‌ی بازترین قبائل عرب قبیله‌ی «عدی» عمر بن بن الخطاب، بر علی علیه السلام ستم روا داشتند، پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی
علیه السلام پیشی بگیرند، چون موفق نشدند بغض و کینه‌ی علی علیه السلام را در دل گرفتند اما پنهان داشتند .

آن گاه که نور دین بخاموشی گرائید و پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد، آن بغضها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستمها روا داشتند، و «فدک» را غصب کردند، با شگفتی
به «فدک» بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین «فدک» شدند. و هم اکنون اثری از آنها وجود ندارد !

فدک، هدیه‌ی الهی بود که به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام آن را برای تامین زندگی فرزندانم بمن سپرد، واگذاری فدک «بمن و فرزندانم» با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و گواهی جبرئیل
امین صورت گرفت .

پس اگر (بابکر و عمر) آن را با ستم غصب کردند و وسیله‌ی زندگی فرزندانم را قطع نمودند با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می‌نمایم، و زود است که خوردگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ
نظاره‌گر و در آن غوطه‌ور باشند).

یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار

حضرت فاطمه علیها السلام در تداوم مبارزات سیاسی به آگاهی اجتماعی توجه کامل داشت، و وجدانهای خفته را بیدار می‌کرد .

روزی خطاب به مهاجرین و انصار فرمود :

حدیث 174

قالت: یا معشر المهاجرین و الانصار انصروا الله فانی ابنه نیکم و قد بايعتم رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بايعتموه ان تمنعوه و ذریته مما تمنعون منه انفسکم و ذراریکم

ففو لرسول الله صلی الله علیه و آله بیعتکم

(ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید. بدرستی که من دختر پیامبر شما هستم، در صورتی که شما با رسول خدا بیعت کردید که از پیامبر و فرزنداناش دفاع کنید، همان‌گونه که از خود و
فرزندان خودتان دفاع می‌کنید. پس بر بیعت خود با رسول خدا استوار بمانید).

سخنرانیهای افشاگرانه

خ- خطبه‌ها. خطبه اول

اعلان بیزاری و نفرت

مبارزه‌ی منفی 1 «اعتصاب سخن با ابوبکر

انواع مبارزه‌ی منفی

اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر

پس از ماجرای زشت تهاجم به خانه‌ی امام علی علیه‌السلام، و جسارت‌های فراوان درون مسجد، و غضب فدک، و بی‌اثر ماندن گواهی شاهدان، و مباحث استدلالی حضرت زهرا علیه‌السلام، و تداوم سیاست‌های کودتایی سران سقیفه، در مبارزه‌ی منفی با آنان خطاب به ابوبکر فرمود :

حدیث 175

قالت: و الله لا اكلمک ابدًا، و الله لا دعون الله عليك في كل صلوة

(سوگند بخدا از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت، سوگند بخدا شکایت تو را بخداوند خواهم نمود و در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد).

اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر و عمر

پس از آن که آنها از آسیاب افتاد، و هر چه خواستند روا داشتند، در روزهای واپسین حیات دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، برای جلب افکار عمومی، ابوبکر و عمر به فکر عیادت و دلجویی از حضرت زهرا علیه‌السلام افتادند و زبان به عذر خواهی گشودند، و فکر می‌کردند که حضرت زهرا علیه‌السلام با آنان دشمنی خصوصی دارد، ولی پاسخ قاطع را دریافت نمودند که فرمود :

حدیث 176

قالت: و الله لا اكلمکما من راسی كلمة حتى القی ربی فاشکونکما الیه بما صنعتما به و بی و ارتکبتما منی

(سوگند بخدا بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی‌گویم، تا به ملاقات خدا بشتابم و شکایت شما دو نفر را به خدا می‌برم، و توضیح خواهم داد که شما با خدا (و دین او) و با من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید).

اعتصاب در حرف زدن با عمر

پس از تهاجم به منزل علی علیه‌السلام، و دفاع شایسته حضرت زهرا علیه‌السلام، و جرات و جسارت عمر در آتش زدن درب منزل، حضرت فاطمه علیه‌السلام فرمود :

حدیث 177

قالت: یا ابابکر ما اسرع ما اغترم علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلّم عمر حتی القی الله

(ای ابوبکر! چه زود کینه‌های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردی؟ سوگند به خدا تا زنده‌ام با عمر سخن نخواهم گفت).

فلسفه‌ی وصیتنامه‌ی سیاسی حضرت زهرا

همه می‌پرسند :

چرا قبر فاطمه علیه‌السلام مخفی است؟

چرا مراسم کفن و دفن آن یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله، بگونه‌ای مخفی و پنهان برگزار شده است؟

چرا مراسم تشییع جنازه و نماز بر پیکر کوثر قرآن، بدون اطلاع مردم مدینه، غریبانه برگزار گردید؟

و پاسخ می‌شنوند که: حضرت زهرا علیه‌السلام خود وصیت کرده بود .

می‌پرسیم چرا؟

فلسفه‌ی وصیتنامه‌ی آن بزرگوار چیست؟

برای روشن شدن حقایق تاریخی، و علل و عوامل وصیتنامه‌ی سیاسی، در تداوم خط مبارزه‌ی منفی حضرت زهرا علیه‌السلام، باید متن وصیتنامه را بدقت ارزیابی کرد .

حضرت زهرا علیه‌السلام در کاغذی نوشت که :

حدیث 178

لاتصلی علی امه نقضت عهد الله و عهد ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و ظلموا لی حتی واخذوا ارثی و حرقوا صحیفتی التي کتبتها لی ابی بملک فدک و کذبوا شهودی، و هم و الله جبرئیل و میکائیل و امیرالمؤمنین و ام ایمن، و طنت علیهم فی بیوتهم و امیرالمؤمنین یحملنی و معی الحسن و الحسین لیلا و نهارا الی منازلهم، و اذکرهم بالله و رسوله الا تظلمونا و لاتفصونا حقنا الذی جعله الله لنا،

فیجیبونا لیلا و یقعدون عن نصرتنا نهارا

فجمعوا الحطب الجزل علی بابنا و اتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا... فهذه امه تصلی علی؟! !!

(امتی که عهد و پیمان خدا و پیامبرش را در ولایت و رهبری علی علیه‌السلام شکستند و نادیده گرفتند، حق ندارند بر پیکر من نماز بگذارند، آنها که نسبت به حق ما ظلم روا داشتند، و ارث مرا غاصبانه تصرف کردند، و سند مالکیت فدک را که پدرم برایم نوشته بود از دست من ربودند و به آتش کشیدند، آنها که گواهان و شاهدان مرا تکذیب نمودند، «سوگند بخدا که گواهان من حضرت جبرئیل و میکائیل و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و ام ایمن بودند»)

آنها که در روز یاری و حمایت از ما در خانه‌های خود خزیدند و دست از یاری ما کشیدند امام علی علیه‌السلام مرا همراه با حسن و حسین شب و روز برای بیداری امت غفلت زده بخانه‌های مهاجر و انصار می‌برد و من آنها را نسبت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق الهی هشدار می‌دادم و می‌گفتم :

به ما اهل بیت ظلم روا مدارید، و حق مسلمی را که خدا به ما بخشیده است، غضب نکنید .

در تاریکی شب جواب مساعد می‌دادند که شما را یاری می‌کنیم، اما در روز روشن دست از یاری ما برمی‌داشتند !

تا آن که به خانه ما هجوم آوردند، و با جمع‌آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن خواستند، خانه را و ما را که در آن بودیم در آتش بسوزانند .

ایا چنین امتی سزاوار است که بر من نماز بگذارد؟!)

نفرین کردن به دشمن اعلان بی‌زاری و نفرین به ابوبکر

حدیث 71

شکوه از ظالمان

ش - شکوه‌ها

مشکلات زندگی
س- ساده زیستی
م- معجزات - نزول غذای بهشتی

فاطمه و تحمل گرسنگی‌ها

شکوه از گرسنگی

پیامبر گرامی اسلام روزی وارد منزل فاطمه علیهاالسلام شد و فرمود :

دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می‌کنی؟

پاسخ شنید که :

حدیث 179

قالت: انی لوجعة و انه لیزیدنی انی مالی طعام آكله .

(درد گرسنگی بی‌تابم کرده و هر لحظه رو به فزونی است و غذایی ندارم تا رفع گرسنگی کنم.)

رسول گرامی اسلام فرمود :

"یا بنیة الا ترضین ان تکونی سیدة نساء العالمین"

(دخترم آیا راضی نیستی که بزرگ زنان جهانیان باشی؟)

قالت: یا ایة فاین مریم بنت عمران؟

فاطمه علیهاالسلام پرسید :

(پس حضرت مریم چه مقامی دارد؟)

"قال: تلک سیدة نساء عالمها و انک سیدة نساء العالمین و الله زوجتک سیدا فی الدنیا و الاخرة"

فرمود: حضرت مریم بزرگ زن جهان خود بود، و تو بزرگ زنان جهانیان هستی، سوگند به خدا، تو را همسر کسی قرار داده‌ام که در دنیا و آخرت از بزرگ مردان جهان است.

گرسنگی طاقت فرسا

پیامبر اسلام، یک روز صبح وارد منزل دخترش فاطمه شد، سلام کرد و فرمود: دخترم چگونه صبح کردی؟

پاسخ شنید :

حدیث 180

فقالت: و الله اصبحت وجعة و قد اضربى الجوع

(سوگند به خدا صبح کردم در حالت گرسنگی شدید، بگونه‌ای که گرسنگی به من زیان رسانده (و توان جسمی مرا کاسته است))

شکوه از فقر و نداری با پدر

فاطمه علیهاالسلام مشکلات زندگی و فشار گرسنگی‌ها را تحمل می‌کرد، و هرگز با همسایگان و دوستان راز زندگی خویش را مطرح نمی‌فرمود، اما هرگاه کاسه‌ی صبرش لبریز می‌شد، و درد و ضعف

گرسنگی تاب و توان او را می‌ربود، خدمت پیامبر می‌رفت و سفره دل می‌گشود .

روزی بر پدر وارد شد و عرض کرد :

حدیث 181

قالت: السلام علیک یا رسول الله

و الله ما اصبح یا نبی الله فی بیت علی طعام و لا دخل بین شفتی طعام منذ خمس و لا لنا ثاغیة و لا راغیة و لا اصبح فی بیته سفة

(سلام بر تو ای رسول خدا! سوگند به خدا در خانه‌ی علی علیه‌السلام 5 روز است که بدون غذا صبح کرده‌ام، و هرگز غذایی را در دهان نگذاشته‌ام، نه گوسفندی داریم و نه شتری، و نه غذایی و نه آبی)

تحمل فقر و نداری

روزی امام علی علیه‌السلام فرمود :

فاطمه جان آیا غذایی موجود است که بیاوری؟ پاسخ شنید :

حدیث 182

قالت: و الذی عظم حنک ما کان عندنا منذ ثلاث الا شیء اثرتک به

(سوگند به خداوندی که حق و قدر تو را بزرگ شمرد، سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و همان مقدار ناچیز خوراکی را به شما بخشیدیم و خود گرسنگی را تحمل نمودم)

امام علی علیه‌السلام فرمود: چرا اطلاع ندادی؟ پاسخ داد :

حدیث 183

قالت: کان رسول الله صلی الله علیه و آله نهانی ان اسالک شیئا فقال صلی الله علیه و آله لا تسالی ابن عمک شیئا ان جاءک بشیء عفوا و الا فلا تسالیه .

(رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی فرمود که چیزی از تو درخواست نمایم و به من سفارش فرمود :

چیزی از پسر عمویت درخواست مکن، اگر چیزی برای تو آورد بپذیر و الا تو درخواست چیزی نداشته باش)

پس از شنیدن سخنان و مشاهده‌ی ایثارگری فاطمه علیهاالسلام امام از منزل خارج شد، و با وام گرفتن از دوستان، مشکلات خانواده را برطرف نمود .

تحمل کمبودهای رفاهی

حضرت زهرا علیهاالسلام روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی، و کمبودهای رفاهی، سخن به میان آورد و فرمود:

حدیث 184

قالت: انی و ابن عمی ما لنا فراش الا جلد کبش ننام علیه باللیل و نعلف علیه ناضحنا بالنهان
(من و پسر عمویم چیزی از وسایل رفاهی نداریم، مگر پوست گوسفندی که شبها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم.)
رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:
«یا بنیة اصبری فان موسی بن عمران اقام مع امرأته عشر سنین مالهما فراش الا عباءة قطوانیة.»
(دخترم عزیزم! صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرش جز یک قطعه عبای قطوانی نداشتند.)

تحمل فشارهای سخت زندگی

وسایل ساده‌ی زندگی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روزی بر دخترش فاطمه علیهاالسلام وارد شد و از نزدیک فشارهای سخت زندگی را بر خانواده‌ی عزیزانش مشاهده کرد
در حالی که دخترش را نگران می‌دید، پرسید:
فاطمه جان در چه حالی بسر می‌بری و چرا نگرانی؟
پاسخ شنید:

حدیث 185

قالت: حالنا کما تری فی کساء نصفه تحتنا و نصفه فوقنا
(حال و وضع ما همین است که می‌نگرید. با عبای زندگی می‌کنیم که نصف آن فرش زیر ماست و بر روی آن می‌نشینیم و (هم روانداز ما است که) نصف آن را بر روی خود می‌کشیم)

شکوه از گرسنگی

و در روایت سلیمان بن بریده، نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: دخترم چرا نگران و ناراحتی؟ در جواب پدر گفت:

حدیث 186

قالت: قلّة الطعم و کثرة الهم و شدّة السقم
(فشار گرسنگی) و کمی طعام و غذا، و فراوانی اندوه و شدت بیماری و گرفتاری مرا نگران کرده است.)

مشکلات اقتصادی و بجه داری

همدردی با شوهر

علی علیه‌السلام در یکی از روزهای گرم شهر مدینه وارد منزل شد و از فاطمه علیهاالسلام پرسید: غذائی در منزل موجود است تا رفع گرسنگی نمایم؟
حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد:

حدیث 187

قالت: ما عندنا شیء و اننی منذ یومین اعلل الحسن و الحسین صلی الله علیه و آله
(در خانه چیزی نداریم و من دو روز است که با بهانه‌های مختلف فرزندانم حسن و حسین علیهماالسلام را بگونه‌ای سرگرم می‌کنم، تا بیتابی زیاد نکنند)

درددل با پدر

روزی دیگر فرزندان فاطمه علیهاالسلام جد بزرگوارشان را جلوی درب منزل مشاهده کردند.
سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، شتافتند و کمی بعد بر روی دوش رسول خدا جای گرفتند و زبان به شکوه گشودند که:
یا رسول الله! گرسنه‌ایم، به مادر بگو قرص نانی به ما دهد، تا رفع گرسنگی نمایم.
پیامبر صلی الله علیه و آله در همان حالت، به فاطمه علیهاالسلام فرمود: دخترم! به دو فرزندم طعام ده.
پاسخ شنید:

حدیث 188

قالت: ما فی بیتی شیء الا برکة رسول الله صلی الله علیه و آله (در خانه‌ی ما چیزی به جز برکت وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود ندارد.)

سپاس در تنگدستی

اسماء بنت عمیس می‌گوید: رسول خدا درب خانه فاطمه را کوبید و فرمود: کجا هستند حسن و حسین من؟
فاطمه زهرا علیهاالسلام فرمود:

حدیث 189

قالت: اصبحنا و ليس في بيتنا شيء يذوقه ذائقتي و انا لحمد الله تعالى
(صبح کردیم در حالی که چیزی در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی نماییم و ما در هر حال خدای بزرگ را سپاسگزاریم)

درخواست از شوهر

گاهی تهیدستی و گرسنگی آنچنان به فاطمه علیها السلام فشار می‌آورد که برای بچه‌داری و تربیت فرزند ناچار به امیرالمؤمنین می‌فرمود :

حدیث 190

قالت: يا علي اذهب الي ابي فاتنا منه شيئا .

(علی جان! بخانه‌ی رسول خدا برو و چیزی جهت رفع گرسنگی از پدرم بطلب.)

شکوه‌ها با پدر

حضرت زهرا علیها السلام مشکلات اقتصادی و سختیهای بچه‌داری را با صبر و بردباری تحمل می‌فرمود، و نزد کسی افشا نمی‌کرد، گاهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مصرانه می‌پرسید :
چرا رنگ تو پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده است؟
ناچار می‌شد وضعیت زندگی را با پدر در میان بگذارد و می‌فرمود :

حدیث 191

قالت: يا ابة ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسين اضطربا علي من شدة الجوع ثم رقدا كانهما فرخان منتوفان
(پدر جان! سه روز است که غذا نخورده‌ایم و فرزندانم حسن و حسین از شدت گرسنگی بی‌تاب شده‌اند، هم اکنون مانند جوجه‌های پراکنده از گرسنگی به خواب رفته‌اند.)

معجزات فاطمه

سخن گفتن در هنگام ولادت

حضرت زهرا علیها السلام هنگام ولادت، چون بر روی زمین قرار گرفت، لب به سخن باز کرد و به یگانگی خدای بزرگ و نبوت پدر و امامت شوهر و فرزندانش گواهی داد .

حدیث 192

(شهادت می‌دهم که خدایی جز خداوند جهانیان نیست و همانا پدرم رسول خدا بزرگ پیامبران آسمانی است و شوهرم بزرگ امامان است و فرزندانم سادات و بزرگان امت اسلامی‌اند.) قالت: و اشهد ان لا
اله الا الله و ان ابي رسول الله سيد الانبياء و ان بعلي سيد الاوصياء و ولدي سادة الاسباط

درخواست نزول غذای بهشتی

در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار آورد، حضرت فاطمه علیها السلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز دست به دعا برداشت و عرض کرد :

حدیث 193

قالت: يا الهی و سیدی هذا محمد نبیک و هذا علی ابن عم نبیک الهی انزل علینا مائدة من السماء کما انزلتها علی بنی اسرائیل اکلوا منها و کفرو بها، اللهم انزلها فانا بها مؤمنون .
(خدایا سرور! این پیغمبر تو محمد صلی الله علیه و آله است و این علی علیه السلام پسر عموی پیغمبر توست. ای خدای من! مائده‌ای از آسمان برایشان بفرست، چنانکه بر بنی اسرائیل فرستادی و آنان
از آن غذا خوردند و ناسپاسی کردند، ای پروردگار من! آن مائده را بر ما فرو فرست که ما در قبال آن مؤمنانیم.)
ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی عطر آن منزل علی علیه السلام را معطر ساخت، امام علی علیه السلام پرسید :

انی لک هذا؟

این غذای عطرآگین از کجاست؟

قالت: هو من عندالله .

فقال النبی صلی الله علیه و آله: الحمدلله الذی ارانی بنتا مثلها کمثل مریم «کلمتا دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا؟ قالت هو من عندالله. " . ال عمران - 37

فاطمه علیها السلام پاسخ داد: (از جانب پروردگار است)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حمد و ستایش خداوندی را که دختری بمن عطا فرمود، مانند حضرت مریم که هرگاه زکریای پیغمبر در محراب عبادت او حاضر می‌شد، پیش او خوردنی می‌یافت.
می‌گفت: این‌ها از کجاست؟ مریم جواب می‌داد: از جانب پروردگارد روزگار سخت جنگهای صدر اسلام و فحطی و گرسنگی، اکثر مردم مدینه با مشکلات فراوانی زندگی می‌کردند، و رسول گرامی اسلام
سخت گرسنه بود، و شب و روز برای مساکین و فقرا تلاش می‌کرد، و گاهی سنگ بر شکم مبارک می‌بست، تا درد گرسنگی قابل تحمل باشد .

در آن روزهای سخت، روزی درب خانه‌ی فاطمه را کوبید و فرمود :

دخترم آیا چیزی در منزل داری که رفع گرسنگی نمایم؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد، نه پدرم :

رسول خدا بازگشت، اما زهرای مطهر نتوانست تحمل کند و دست به دعا برداشت، غذایی معطر و پاکیزه از بهشت نازل شد

تا چشمان فاطمه علیها السلام به غذای بهشتی و الطاف کریمانه الهی افتاد فرمود :

حدیث 194

قالت: و الله لا و ثرن بها رسول الله علی نفسی و غیری :

(سوگند به خدا ایثار کرده و پیامبر را بر خود و بر دیگران مقدم می‌دارم)

آن گاه ظرف پر از غذا و گوشت بریان شده را برای رسول خدا فرستاد پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید :

من این لک هذا؟

این غذا از کجا برای تو آمده است؟

پاسخ داد :

حدیث 195

قالت: هو من فضل الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب
(این غذا از فضل و رحمت الهی است. بدرستی که خداوند هر کس را که بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد.)

مشاهدات غیبی حضرت فاطمه

امام صادق علیه‌السلام مشاهدات غیبی و کرامات حضرت زهرا علیها‌السلام را در واپسین لحظه‌های حیات چنین نقل فرمود :
آن هنگام که فاطمه علیها‌السلام (بین مغرب و عشا) در حال احتضار بود نگاه تندی کرد و فرمود :

حدیث 196

قالت: السلام علی جبرئیل، السلام علی رسول الله، اللهم مع رسولک، اللهم فی رضوانک و جوارک و دارک دار السلام
ثم قالت: اترون ما اری؟
فقیل لها ما ترین؟

قالت: هذه مواكب اهل السموات و هذا جبرئیل و هذا رسول الله صلی الله علیه و آله و یقول یا بنیة اقدمی فما امامک خیر لک .
(سلام بر جبرئیل، سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدایا با رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم، خدایا در رضوان و جوار رحمت تو و در خانه تو، دارالسلام، هستم)
بعد به حاضران فرمود: آیا آنچه می‌بینم شما هم می‌بینید؟
بعضی از حاضران گفتند: ای دختر رسول خدا! چه می‌بینی؟
فرمود: اینجا سواران آسمانی قرار دارند. آن جبرئیل و این رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می‌فرمایند: ای دختر! نزد ما بیا که آنچه (از نعمتها و رضوان الهی) در پیش داری، برای تو بهتر است.)

مشاهده‌ی جبرئیل و عزرائیل

حضرت علی علیه‌السلام نقل فرمود :

در لحظه‌های شهادت، حضرت زهرا علیها‌السلام نگاه به اطراف خود کرد و فرمود :

حدیث 197

قالت: السلام علیکم .

یابن عم قد اتانی جبرئیل مسلما و قال لی

السلام یقرا علیک السلام یا حبیبة حبیب الله و ثمرة فؤاده الیوم تلحقین بالرفیع الاعلی و جنۃ الماوی

ثم انصرف عنی تقول «علیکم السلام»

فقالت: یابن عم هذا و الله میکائیل و قال لی کقول صاحبه

ثم تقول و «علیکم السلام

قالت: یابن عم هذا و الله الحق و هذا عزرائیل قد نشر جناحه بالمشرق و المغرب و قد وصفه لی ابی و هذه صفته، السلام علیک یا قابض الارواح عجل بی و لا تعذبنی

ثم سمعناها تقول :

لیک ربی لا الی النار

(سلام بر شما. «ای فرشتگان و جبرئیل امین:

ای پسر عمو! جبرئیل در حالی که بر من سلام می‌کرد، نزد من آمد و فرمود :

خداوند بر تو سلام می‌کند، ای محبوبه‌ی حبیب خدا!، و میوه‌ی قلب رسول الله! امروز تو در ملکوت الهی و بهشت موعود ملحق خواهی شد)

بعد روی از ما گرداند و باز به گروهی دیگر از ملائکه سلام داد و فرمود :

(ای پسر عمو! سوگند به خدا که این حضرت میکائیل است و همانند جبرئیل بر من سلام کرد و بشارت‌های او را داد.

بار دیگر به گروه دیگر سلام کرد و گفت :

(ای پسر عمو! سوگند به خدا که این حق است. این حضرت عزرائیل است که بال و پرش مشرق و مغرب عالم را فراگرفته. پدرم چنین اوصافی درباره او را به من اطلاع داده بود و حال این همان ویژگی

است. سلام بر تو ای گیرنده‌ی روح آدمی! در قبض روح من عجله کن و مرا آزار نده)

در پایان ما می‌شنیدیم که می‌فرمود: خدایا بسوی تو می‌آیم، نه بسوی آتش.)

نزول ملائکه و سلام فاطمه

بو بصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که :

در یکی از شبهای جمعه هنگامه‌ی سحر، حضرت جبرئیل و اسرافیل و میکائیل بر حضرت زهرا علیها‌السلام نازل شدند و دیدند که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز است، همه ایستادند، تا

نماز تمام شد. آنگاه دسته جمعی به حضرت فاطمه علیها‌السلام سلام کردند و گفتند :

خداوند بزرگ به شما سلام می‌رساند سپس کتاب صحیفه را در حجره‌ی آن بزرگ زنان بهشتی گذاشتند. حضرت زهرا علیها‌السلام پاسخ داد :

حدیث 198

قالت: لله السلام و منه السلام و الیه السلام و علیکم یا رسل الله السلام

(سلام از آن خداست و از اوست سلام، و بسوی اوست سلام، و بر شما ای فرستادگان خدا! سلام و درود باد.)

مقام مادر

به کودکان و فرزندان سفارش ارزنده‌ای نسبت به مقام والای مادر دارد، و یادآور حدیث معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود :

«بهشت زیر پای مادران است»

حضرت زهرا علیها‌السلام به یکی از فرزندان سفارش فرمود که :

حدیث 199

قالت: الزم رجلها فان الجنة تحت اقدامها
(در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است.)

مهمان نوازی

خ- از خود گذشتگی و ایثار

م- مشکلات اقتصادی

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ن، و» شروع می شود

نان پختن ح 48

ناقه‌ی صالح ح 70

نبوت (فلسفه) ح 57

نظم اجتماعی ح 57

نعمت‌ها ح 88

نفاق پنهان ح 173 و 177 و 178

نماز (فلسفه) ح 57

و

وصیت‌های اخلاقی

وصیت‌های سیاسی

وصیت نامه نوشته شده

وصیتهای شخصی فاطمه

وصیت به یادآوری

حضرت زهراء علیهاالسلام در لحظه‌های واپسین زندگی به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وصیت کرد :

حدیث 200

قالت: یا اباالحسن لم یبق لی الا رمق من الحیاة و حان زمان الرحیل و الوداع فاستمع کلامی فانک لا تسمع بعد ذلک صوت فاطمه ابدا
اوصیک یا ابالحسن ان لا تنسانی و تزورنی بعد مماتی
(ای ابالحسن! بیشتر از لحظه‌ای از زندگانی‌ام نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرا رسیده است .

سخنان مرا بشنو، زیرا پس از این صدای فاطمه را هرگز نخواهی شنید. تو را وصیت می‌کنم، ای ابالحسن! که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم، همواره مرا زیارت نمایی.)

وصیت به قرآن خواندن در شب اول مرگ

و در کلمات ارزشمند دیگری به امام علی علیه‌السلام وصیت کرد که :

حدیث 201

قالت: اذا انامت فتول انت غسلی و جهزنی وصل علی و انزلنی قبری و الحدنی و سو التراب علی و اجلس عند راسی قبالة وجهی فاکثر من تلاوة القرآن و الدعاء فانها ساعة یحتاج المیت فیها الی انسلاخیاء
و انا استودعک الله یتعالی و اوصیک فی ولدی خیرا
(وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا به عهده گیر و بر من نماز بگذار و مرا درون قبر قرار ده، دفنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار و خاک بر آن ریز و آن را هماهنگ نما . آنگاه بالای سرم
روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن، زیرا در چنین لحظه‌هایی، میت به انس گرفتن با زندگان محتاج است . من تو را به خدا می‌سپارم و درباره‌ی فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم.)

وصیت به ازدواج با امامه

یکی از وصیتهای سفارش به ازدواج علی علیه‌السلام با دختر خواهرش جناب «امامه» بود که فرمود :

حدیث 202

قالت: جزاک الله عنی خیر الجزاء یابن عم رسول الله صلی الله علیه و آله اوصیک اولان ان تتزوج بعدی باینه اختی امامه فانها تكون لولدی مثلی فان الرجل لابدهم من النساء
(ای پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله! خداوند تو را پاداش نیکو دهد .

اولین وصیت من به تو این است که: چون مردان نیاز به زنان دارند، پس از من با دختر خواهرم «امامه» ازدواج کن، زیرا او همانند من با فرزندانم مهربان است.)

وصیتهای سیاسی

وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین

حضرت زهرا علیهاالسلام در تداوم مبارزات منفی علیه کودتاگران سقیفه، به امام علی علیه‌السلام وصیت کرد :

حدیث 203

قالت: انی اوصیک ان لا یلی غسلی و کفنی سواک
و اذا انا مت فادفنی لیلا و لا تؤذنی بی احدا
و لا تؤذنی بی ابابکر و عمر
و یحق محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ان لا یصلی علی ابوبکر و لا عمر
(همانا من تو را وصیت می‌کنم که :
غسل و کفن کردن مرا کسی غیر از تو انجام ندهد
و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن
و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نساز
و تو را سوگند می‌دهم بحق رسول خدا صلی الله علیه و آله که ابوبکر و عمر بر جنازه‌ی من نماز نخوانند.)
امام صادق علیه‌السلام نقل فرمود :
حضرت زهرا علیها‌السلام در لحظه‌های آخر زندگی خطاب به علی علیه‌السلام فرمود :

حدیث 204

قالت: اذا توفیت لا تعلم احدا الا ام سلمة و ام ایمن و فضة و من الرجال ابنی و العباس و سلمان و عمارا و المقداد و اباذر و حذیفه و لا تدفنی الا لیلا و لا تعلم قبری احدا
(وقتی وفات کردم هیچ کس را اطلاع نده مگر ام سلمه و ام ایمن و فضة را از زنان، و از مردان دو فرزندم حسن و حسین علیهما‌السلام و عباس و سلمان و عمار و مقداد و اباذر و خذیفه را خبر کن مرا
دفن نکن مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده (تا مخفی بماند))
حضرت زهرا علیها‌السلام به اسماء بنت عمیس فرمود :

حدیث 205

قالت: یا اسماء اذا انامت فاغسلینی انت و علی بن ابی طالب علیه‌السلام و لا تدخلینی علی احدا
(ای اسماء! وقتی من از دنیا رفتم تو و علی علیه‌السلام مرا غسل دهید و هیچکس را بر سر جنازه‌ی من راه ندهید.)
وصیت به عدم شرکت ظالمان در مراسم تدفین
حضرت زهرا علیها‌السلام خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود :

حدیث 206

قالت: اوصیک ان لا یشهد احد جنازتی من هؤلاء الذین ظلمونی و اخذوا حقی فانهم عدوی و عدو رسول الله و لا تترك ان یصلی علی احد منهم و لامن اتباعهم و ادفنی فی اللیل اذا اوهنت العیون و نامت
الابصار
(تو را وصیت می‌کنم که هیچ کس از آنان که به من ظلم کرده‌اند و حق مرا غصب نمودند، نباید در تشییع جنازه‌ی من شرکت کنند، زیرا آنها دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله
می‌باشند و اجازه نده که فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بگزارد مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته باشند.)
وصیتنامه‌ی نوشته شده
پس از وفات فاطمه علیها‌السلام، حضرت امیرالمؤمنین وصیتنامه نوشته شده‌ی همسرش را درآورد و گشود و مطالعه فرمود. عبارات و مطالب ارزشمند آن چنین بود :

حدیث 207

بسم الله الرحمن الرحیم. هذا ما اوصت به فاطمه بنت رسول الله، اوصت و هی تشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من
فی القبور، یا علی انا فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله زوجنی الله منک لاکون لک فی الدنیا و الاخرة، انت اولی بی من غیری، حنطنی و غسلنی و کفنی باللیل و لا تعلم احدا
واستودعک الله و اقرء علی ولدی السلام الی یوم القیامة
(به نام خداوند بخشاینده و مهربان، این وصیتنامه فاطمه، دختر رسول خداست، در حالی وصیت می‌کند که شهادت می‌دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر
اوست و بهشت حق است و (آتش) جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شکی در آن نیست و خداوند مردگان را زنده و وارد محشر می‌کند .
ای علی علیه‌السلام، من فاطمه دختر محمد هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و
شب بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و هیچکس را اطلاع نده. تو را بخدا می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم.)
وصیت می‌کند که شهادت می‌دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و (آتش) جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شکی در
آن نیست و خداوند مردگان را زنده و وارد محشر می‌کند .
ای علی علیه‌السلام، من فاطمه دختر محمد هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و
شب بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و هیچکس را اطلاع نده. تو را بخدا می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم.)

سخنانی که ابتدای آنها با حرف «ه، ی» شروع می‌شود

هجرت امام علی علیه‌السلام ح 40

هدایت تشریعی ح 16

هدیه‌ی خوب مؤمن ح 31

همسایه (حقوق) ح 77

همسر داری ح 1

همسر نمونه ح 84 و 131

هنر خطاطی ح 45

هیزم و آتش زدن‌ها ح 178

یاد یاران ح 200

یادآوری غدیر خم - غدیر

یادآوری پیامبر صلی الله علیه و آله پ- پیامبر اسلام

یاری کردن به امام علی علیه‌السلام

یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار ح 57 و 174

یاری و کمک کردن

ضرورت یاری کردن به کارگر منزل

تقسیم کار

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از سال‌ها تحمل مشکلات، و سفارش به صبر و بردباری، کارگری برای حضرت زهرا علیه‌السلام انتخاب و سفارشات لازم را ارائه فرمود .

روزی مشاهده کرد که کارگر منزل در حال استراحت و فاطمه‌ی زهرا علیه‌السلام مشغول کار کردن است، علت آن را پرسید؛

حضرت زهرا علیه‌السلام پاسخ داد :

حدیث 208

قالت: یا رسول الله، علی یوم و علیها یوم

(ای رسول خدا! (کار منزل را عادلانه تقسیم کردم،) روزی مال من و روزی دیگر بعهده‌ی او است)

اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود: خدا آگاه‌تر است که رسالت را در کدام خانواده قرار دهد

کار فراوان

در تداوم کار فراوان منزل، و آرد کردن گندم‌ها با آسیاب سنگی فرمود :

حدیث 209

قالت: و الله انی اشتکی یدی مما طحن بالرحی

(سوگند بخدا که از دو دستان خود شکایت دارم، از بس که با آسیاب سنگی آرد کردند.)

یاری کردن علی

مطرح کردن فضیلت‌ها

حضرت زهرا علیه‌السلام در یاری کردن امام علی علیه‌السلام فرمود :

حدیث 210

قالت: ان ابی صلی الله علیه و آله نظر الی علی و قال: هذا و شیعته فی الجنة

(روزی پدرم رسول خدا «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه‌السلام نگاه کرد و (با اشاره با او) فرمود: این مرد و پیروان او در بهشتند)

و در گفتار ارزشمند دیگری به شیعیان علی علیه‌السلام بشارت بهشت جاویدان داد و فرمود :

حدیث 211

قالت: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال لعلی یا ابالحسن اما انک و شیعته فی الجنة

(رسول گرامی اسلام «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه‌السلام فرمود: ای ابالحسن! همانا تو و پیروان تو در بهشت (موعود) خواهید بود)

طرح واقعیت‌ها

پس از غصب خلافت و پیدایش ماجراهای تلخ و مصیبت بار در مدینه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام همراه با فاطمه زهرا علیه‌السلام، برای بیداری مردم، و دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به

منازل مهاجر و انصار رفته تمام حجت می‌کردند، خیلی‌ها عذر بدتر از گناه می‌آوردند که چرا شما زودتر از دیگران امامت خود را مطرح نکردید؟ و اجازه دادید دیگران بصحنه بیایند؟ حالا دیگر کاری از

پیش نمی‌توان برد

امام علی علیه‌السلام توضیحات لازم را می‌داد. و فاطمه زهرا علیه‌السلام در جواب عذر تراشیدها، می‌فرمود :

حدیث 212

قالت: ما صنع ابوالحسن الا ما کان ینبغی له و لقد صنعوا ما الله حسیبهم و طالبهم

(ابوالحسن علی علیه‌السلام کاری انجام نداد، بجز آن که سزاوار بود « مانند، انجام مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله و جمع آوری قرآن » تا انجام گیرد و اما امت پیمان شکن کارهای ناروایی

انجام داده‌اند که تنها خدا آنها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.)

یاری کردن شیعیان

پس از آگاهی به مقدار درهم و دیناری که مهریه‌ی آنحضرت قرار گرفت، خطاب به پیامبر اسلام فرمود :

حدیث 213

قالت: یا رسول الله ان بنات الناس یتزوجن بالدارهم فما الفرق بینی و بینهن؟ اسالک ان تردها و تدعوا الله ان يجعل مهری الشفاعة فی عصاة امتک

(ای پیامبر خدا! همانا دختران مردم در ازدواج خود درهم ها را مهریه‌ی خود قرار می‌دهند. پس فرق من با آنها چیست؟ از تو می‌خواهم، درهم و دینار را مهریه‌ی من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهریه‌ی من، شفاعت کردن از گنهکاران امت تو باشد.)

کتابخانه آریا

کاری از:

VAHIDEH

VAHIDEH3008@YAHOO.COM

WWW.PEYAMBAR-MESENGER.BLOGFA.COM